

# حقیقت

شماره ۱۳۳۱۰۰۱ خرداد ۱۳۶۰

دعوی ملت ایران  
با حزب جمهوری  
بر سر استقلال و  
آزادی و تمامیت  
ارضی ایران  
است!

اشتهای حزب جمهوری  
اسلامی و دولت متبوعش برای  
قبضه، کامل قدرت در کف بیسی -  
کفایت خود سیری ناپذیر است،  
در هفته گذشته با تدبیر روزوا  
دلال - فئودال ملک و مستبد  
حاکم در زیر علمبار ره پیکار  
مشروع گری و "مکتب" بس  
فتنه گری، ضد انقلابی گری  
بقیه در صفحه ۵

## سرمقاله

رفقای کارگر! ملت  
قهرمان ایران!  
انقلاب ایران در محاصره  
شدت دشمنان داخلی و خارجی  
است و هر روز حلقه ایست  
محاصره تنگ تر میشود. قوای  
امپراتوری ایران، استبداد  
ایران، حاکمیت ملی و تمامیت  
صیانت ارض کشور را در معرض خطر  
جدی قرار گرفته است. کمترین  
غفلت یا ساهمه و عقب نشینی  
در برابر توطئه های رنگارنگی  
که در این روزها برای غلبه  
کردن آزادی و استقلال  
استبداد و فاشیسم در کشور صورت  
میگیرد میتواند هلاکتبار باشد.  
زیرا خفه کنندگان آزادی در  
ایران یعنی حزب ارتجاعی  
وقداره بیند حاکم و دولت خائن  
رجائی - شهری دقیقاً در  
شرایط محاصره امپریالیستی  
کشور ما و در زمانیکه بخشی از  
خاک کشور در اشغال نیروهای

مزدور بیگانه است خود را برای  
فرود آمدن ضربه نهائی بر  
انقلاب و مردم آماده میکنند.  
ما به مردم ایران و همه  
همه آزادیخواهان کشور جدا

هشدار میدیم که مرتجعین  
حاکم و در رأس آنها درودشده  
مزدور بیگانه و شرکاء، کمسنه  
چهار رنعل در خط شاه معسوم و  
تسلیم کشور به با نكسنه داران

# هشدار! به ملت ایران: خطر جدی يك كودتای ضد

## ملی و دست راستی حزبی

## انقلاب و کشور را تهدید میکند

## برای نجات انقلاب و کشور بپای خیزید!

آنها یعنی حزب جمهوری  
اسلامی، سازمان مجاهدین  
انقلاب اسلامی، و دولت  
خیانتکار رجائی - شهری  
برنامه خود را ریخته، تشکیلات  
مخفی و شبه قانونی پلیسی و  
نظامی خود را سازمان داده، زد  
و بندهای خود را با ابرقدرتها  
خصوصاً آمریکا کرده و ضمناً از  
هندستی و حمایت نوکران بومی  
شوروی، ساواکیها و ستاخیزی  
های اسلام آورده برخوردار شده و  
دارای زده و بندها برخسی از  
سران فعلی ارتش نیز میباشند.  
مقدمات انجام یک توطئه  
کودتاگرانه، سنگین و ضد ملی  
یعنی اعلام حکومت نظامی و  
کشتار روحشانه، مردم و نیروهای

بقیه در  
صفحه ۴

جای آزادی در بحث  
آزاد تلویزیونی خالی!  
صفحه ۲۲

ورشکستگی تسو  
سرمایه داری وابسته  
در  
زمینه مسئله  
ارضی  
صفحه ۹

اعتصابات  
کارگری  
در انگلستان  
صفحه ۲۲

چگونه فدائیان  
(اکثریت) به چشم  
مردم گرم دره خاک  
می یابند  
صفحه ۲۷

باز هم يك توطئه دیگر  
لا یحیه  
قصاصی  
صفحه ۲۳

گزارشی از اوضاع  
شهر  
بویگان  
صفحه ۱۵

اخبار کارگری  


مسئله ارضی  


**سر مقاله**

نقشه از صفحه اول

سیاسی هوادار جمهوریست و استقلال کشور را عملاً زکمونیت، مسلمان، ملی و آزاد بخواند، معمولی گام به گام صورت عمل بخود میگیرد و قبضه قانن به آتینجا پوشانده میشود. آنها با تسلیم در برابر مطامع آمریکا و روس و دیگر قدرتها میخواهند همان سلائی را بر سر انقلاب جمهوریخواهانسه ایران آورند که ۸۵ سال پیش تا مرز اسلک مستبدان دادن به تقاضاهای نامشروع و اسارتگرانه دودولت روس و انگلیس بر سر انقلاب مشروطه ایران آورد.

ارتجاع مزدور و خبیانت - پیشه حاکم برای غصب تمامی قدرت و تحکیم حاکمیت ارتجاعی خود به حمایت ابر قدرت هاست نیاز مند است؛ اس این ارتجاع یعنی دار دوسته مزدور پیشینی و شرکاء از قبیل از انقلاب بهمن ۵۷ در قبال آمریکا و محافل امپریالیستی غرب دارای تعهداتی بوده و به اعتراف صریح حسن آیت دبیر سیاسی حزب حاکم و عضو بناد آمریکا می مظهر بقاشی، دارای تماس های گسترده ای در ارتش محمدرضا شاه بوده اند. هر چند ارتباط تشقرو های ارتجاعی حزب حاکم در ردیبهشت و اوائل تیر ۵۹ با توطئه نافرجام کودتا در ۱۸ تیر ماه همان سال هنوز برای ما مستندیه مدارک کمی نمیباشد، لیکن این خبر گمان انگیز وجود دارد که در همان فاصله زمانی ملاقات -

کاملاً مشکوک میبان آیت الله محمدحسینی بهشتی و دکتر مظفر بقاشی - یعنی کسی که موقتاً و در راهبده با توطئه کودتای یا شده حکم توقیفش ما در شد صورت گرفته بود. سه در حال جای هیچ تعجبی نخواهد بود که فرد مزدوری چون بهشتی، این رباخسوار گردن تکلفت سابقه دار در آلمان و مشتری پروپا قرص سواحل یونان و جنوب فرانسه، فردا که توطئه گران کودتا کنند چون سیدضیاء الدین طباطبائی محلل کودتای ۱۲۹۹ ریشش را بتراشد و عبا و عماء را کنار گذارد و نقاب از چهره برکینه خود بیخون عامل رسوای امپریالیسم فروانگند.

مردم ایران باید هرگونه توجهی را راجع به این ارتجاع نوکیسه ای که امروز

به طبقه بخودالیا و سرما سد داران دلال و ماسرا میریاسا لیمم تعلق دارند، نشینسا نظارتشان است و کهنه سبب طرفدارانی از انقلاب ۱۳۵۷ را بر چهره زده و مذهب را احسرم قدرت یابی قرار داده اند. جن کینه این ارتجاع نوکیسه نسبت به مردم و حرص و ولع اش برای مال و مقام چنان است که گوشتی از جسد این ملت و ثروت این کشور سالهاست طلبکار بوده است. هر روز عده ای از جوانان مردم را میکشند و قتل و غارت راه میاندازند. در کرمان دست میبرند و بدنیال آن لایسحه فضا می به تصویب میرسانند تا با خیال راحت و بیماقانون ما نخلد اغا محمدخان قاجار و اخلاص به بزدن گسوس و در آورده چشم و قطع دست و پا

**هم اکنون دولت و ظن فروش رجا ئی، این هویدای شانی، در پرده دودی از شعارهای دهلی پرکن و با پای در میانی فرستادگان طائف آمریکائی و غیر متعهد های روسی از طریق عجازی فیسوق قانونی بر سر خاک کشور با رژیم تجا و زگرو مزدور عراق مشغول معا مله است. این دولت همان بلائی را میخواهد بر سر جنگد مقامت ملت ما بیاورد که بر سر جنبش ضد امپریالیستی و گروگان گیری جاسوسان آمریکائی آورد.**

سرزگردن مشغول شوند. نه تنها زندانیهای کشور بطور بیسابقه ای از انواع واقسام زندانیهای لیبی و غیرسیاسی بر شده اند، بلکه زندانیان دیگر هم از خزانه کشور در آمدند. بسیار زندو تنوزا ز کمی جا میمانند. بره مملیت های ایران و فرهنگ های مذهبی گوناگون را هجان هم می - اشدانند و در هر گوشه سرکهای خونین سپا کرده و هر روز تعدادی از مردم بیگناه را در شهرها و روستا های کشور بکشتن

بنام اسلام و مکتب و کذا و بسا فریب و تقلب بر مقامات حاکمه کشور جنگ انداخته، از خود زدا بند و سرت هم میزداید. هیچ نوع انتشار املاح و یا عقب نشینی از سوی این بدخواهان کشور و دشمنان کینه توز انقلاب نمیتوانند وجود داشته باشند. آنها تنها دسته ای از دستجات مخالف آزادی و استقلال و حاکمیت مردم اند و مانند بقیه اینگونه دستجات در خارج و داخل کشور با ابر قدرتها زد و بند داشته و

مدهند. دهقانان را از طریق بنیادهای کذائی برسم فاندان پهلوی میجا بند. در کارخانه های نیت که تواسل حزب حاکم پلوا ئی تکس کرده، خونی نریخته و حنا بتنی را برتکب شده ما شد. دانشگا هیا که و حفشان معلوم است و ادارات و موسسات دولتی شما ما به دوران قاجار هاست بازگشته نه کار مفیدی در آنها انجام میگیرد و نه کسی جرئت اعتراض دارد. حکام شرع ما نند زمان صفویان و قاجاریان هر غلطی که میخواستند میکنند در تمامی امور زندگی سیاسی و مدنی، عمومی و خصوصی منردم فعال ما میانه دخالت می - ورزند و هر صدای دادخواهانسه ای را هم خفه میگردانند. فساد و ارتشاء و کثافتکاری (از همه نوع) در تمامی مراکز قدرت حزب و اعوان و انصارش، در همه کمیته ها، ادارات دولتی، دادگا هیا، بنیادهای والسخ مانند دوران سلاطین پهلوی جریان یافته. هنگامیکه پرسیده میشود که این قضا یا برای چیست، میگویند اینها اسلام است، تحقق احکام قرآن است، قانون الهی است. ای کد این اسلام بر سرشان خراب بود؛ این قرآن اکسر با وردا رند کمتران را بشکند و این قانون الهی ایشان راه سرشوت قوم لوط دچار گرداند، قانون الهی چه صیغه اینست؟ این قانون شاه معدوم است، قانون ناصر ابن شاه و فتحعلی شاه است. خط، خط آنهاست، خط بختیار و پسرک ابله و دست اوست؛ خط پدر آقای سزاد سبوی در فرانسگ است؛ خط دفتر صرافسی بهشتی در آلمان و فلسفی ساواکی است.

تمام اتکا کشور به واردات از کشورهای امپریالیستی، خالی شدن خزانه مملکت و وجود احتکار و گران - فروشی از بابت وجود آنهاست.

(بقیه در صفحه ۳)

سرمقاله

نسخه از صفحه ۲

بازمان اقتصاد اسلامی و یک رفته مویسانا اقتصاد می باشد، که تمام واردات کشور را به انحصار خود در آورده اند، همگی صنایع به اینها است. مهندسان و تجار رفته و دلال انحصار را ت خارجی، که پس از بیست و روزی مرحله ای انقلاب بزرگترین سودها را به جیب زده اند، بسا همین ها هستند و توسط همینها حمایت میشوند.

زده بیند این ارتجاع نوکویه و خائن به انقلاب بسا آمریکا و مطور کلی غرب امیر با لیتی بهیج روه بسدل و بخشش بیش از ده میلبارده دلار از اموال ملت به با نکسداران و شرکتهای آمریکا می و غیره آمریکا می طبق قرارداد ننگین الجزایر ("آزادی گروهگانها") ویا اضای قرارداددهای خانفانه، یک میلیار دلاری بهاتالیوت انگلیسی و کسروپ آلمان می حتم نمیشود، چندین معاهده و قرارداد دیگر هم در جیب آقایان است که بتدریج روخوا هندند و تغییر رئیس بانک مرکزی و گرفتن زمام امور بانکیای کشور توسط دولت ر بی و ترکیه از جمله بهمین خاطر می باشد، آنها در همان حال که تعداد کمتری از روشنفکران و کارشناسان ایرانی را فرا میدهند به استخدام کارشناس و مستشار خارجی از جمله مستشاران نظامی از آمریکا، اروپا و شوروی مشغولند و چنانکه همه

مطلبند شورای نگهبان یعنی تالستترین مغز قانون اساسی جمهوری اسلامی این کار را تا نیک کرده است. هم اکنون دولت وطن - فروش رجائی، ابن هوسدای شانی، در پرده، دودی از شعارهای دهن پرکن و با با در میانی فرستادگان طاغوت آمریکا می و غیر متعهدهای روسی از طریق مجاری فسوق قانونی بر سر خاک کشور بسا رژیم تجا و زکرومزدور عراق مشغول معامله است. این دولت همان بلائسی را میخواهد بر سر جنک طاغوت ملت ما بسا ورده که بر سر جنسش خدا مهربا نیستی و کروکونگری جاسوسان آمریکا می آورد. در آنجا هم از طرف ایسان هم و

مجلس و فیرده آرد سا ده میشود. ما در اینجا بامام خمینی استخوان رهبر مسئول کشمور دشوار مدد همی و بلکه افشار می کنیم که هر آنچه کرد در این لحظات حداس ناربخ کشمور دست از پشت سران این حزب شیطان می و شجره، خبیثه، آن در این جمهوری بر ندارد، بسا ملت ایران رو بر و خوا هد بسود، او با سد و افخ خود را رسم بسا راجع به حاکمیت خمینی این حزب و سران فاید و خبا نیست - پیشه، آن روشن کنند. اکنون به یقین معلوم و سرای اکثریت مردم اسران روشن است که سببش و دار و دستهای مشقی فارنگرومزدور بسا نه سوره اند و هستند. جناق حزب جمهوری اسلامی

شجره خبیثه ای که امروز بنام شواداری از ولایت فقیه و طرفداری از حکام شرع و مکتب و کذا بر کشور جا گم شده است شجره خبیثه آمریکا است، شجره خبیثه آمریکا قدرتهاست، شجره فساد و خیانت ملی است، آنها با ید بدست توانای مردم ایران دستگیر و بجرم خیانت در حق خلق و خیانت به کشور، به جرم نوکسری امپریالیستها، مجازات شوند؛ و چنین هم خواهد شد!

درباری وعده ای از مراجع فتوادل هنداستانی بیسدا کرده، به دفاع از فتوواله بیم و سرمایه داری بوزوگراتیک و کمپرادوری و حتی همکاری بسا کمپرادورهای بزرگ زمان شاه (نظیر خیامی) مشغولند. بهزاد نبوی سخنگو و بلکه همه کاره دولت عا صل بیگانه است و چه بسا بسا سلطنت طلبان فراری همکاری دارد. رجائی و هندستان نشخ خودشان را به بیگانه فروخته اند و دولتشان نسخه دیگری از دولت و شوق الدوله، خائن در زمان قاجارهاست.

شورای نگهبان شورای خیانت است، اکثریت نمایانندگان مجلس فعلی خائن و هوا دارا بر قدرت هستند، شورای عالی قضائی شورای عالی ساواک محمدرضا قاضی است و ساواکیها و عمال شاه معدوم را (نظیر رئیس جدید دادگاههای عمومی) بر همه امور حاکم میکنند. فرماندهان ارتش از قماش ظمیر نژادها، فکوری ها، صیاد شیرازی ها و قاتلنهای دیگری که امروز لباس اسلامی پوشیده با بهشتی و شرکاء هم دست می کنند، نظیر دیگر سران توطئه گرانظاصی چون فلاخی همه اشان سرسپرده آمریکا و غرب اند، دیگر همستان حزب حاکم از قماش حزب ثورده و فدائیان اکثریت نوکر شوروی اند.

شجره خبیثه ای که امروز بنام هواداری از ولایت فقیه و طرفداری از احکام شرع و مکتب و کذا بر کشور حاکم شده است شجره خبیثه آمریکا است، شجره خبیثه آمریکا قدرتهاست، شجره فساد و خیانت ملی است، آنها با ید بدست توانای مردم ایران دستگیر و به جرم خیانت در حق خلق و خیانت به کشور، به جرم نوکری امپریالیستها، مجازات شوند؛ و چنین هم خواهد شد!

جناق آمریکا است، سران این حزب خائن با ابر قدرت صفاک آمریکا کذا آمده اند، بسا هم از راه دربار عالی یعنی شوروی ساواک و با خت کرده اند و با دول اروپا خصوصا انگلیس و آلمان با غنری زده و بسند دارند و با ارتجاع منقلبند خصوصا احزاب نوکر مغربست و با دست بست همکشی می و خوبیا وندی احساس میکنند، آنها همچنین با آخوند های

جسجال و در پشت پرده معامله و خیانت بود. بصبارت دیگر گرفتاری ملت ما صرفا با مشتی قشری مسلک و متعصب و جاهل عسادی نیست، مسئله نیست که نقشه سرکوب انقلاب، تسلیم کشور به امپریالیستها و کنا رآ من سا ارتجاع دست نشانده، منظمه گام به گام توسط دولت رجائی و حزب رهبری کشنده، آن و اکثریت ارتجائی تمعیلی

## سر مقاله

شماره ۱۲۲

امروز اسوه عقلم  
 بوده های مردم سراسر کشور  
 برای تاج انقلاب خویش و  
 حفظ دستاوردهای علی و وحدت  
 کشور خویش سرعت نه عرصه  
 سردی امان با این حرسان  
 ارتحاتی و خدمتی حاکم گام  
 میبند و هرگونه سنگ اندازی و  
 ترسکاری در این کسار راز  
 عظیم ملی سترده همدستی با  
 اسر قدرتیا و زمسد سازی برای  
 بازگشت دارو دست هسای  
 سلطنت طلب نرایی و یابک  
 کودنای ارتحی است .

خمینی با بدیدانند که  
 با وجود احترا می که هنوز  
 قشرهای قابل توجهی از ملت  
 به او میگذرانند، اگر به روال  
 فعلی ادامه دهد و در حسدال  
 قطعی میان مردم و خیا ننگاران  
 همچنان بناهی برای آنجا  
 شود، تنها حرمت خود را خواهد  
 شکست و با در بای خروشان  
 توده های ملت مقابل خواهد  
 گشت .

در اینجا همچنین  
 لازمست بد رئیس جمهور کشور،  
 که تا کنون اعتماد توده وسیع  
 مردم را بدست آورده، هشدار  
 داده شود که با این اعتماد و  
 پشتیبانی توده ای نمیتوان  
 با مسامحه و مصالحه رفتا رکرد.  
 مردم خواهان اقدام قاطع و  
 بیخبروی اند و بیچاره حال فعلا  
 برای این اقدام و پیشروی،  
 برای تمرکز قوای خود، به روی  
 نقش ایشان حساب میکنند،  
 بعلاوه باید ایشان خاطر نشان  
 ساخت که هرگونه مسامحه کاری  
 و مصالحه جریان ارتحاتی و

حسادت سبه حاکم، با این  
 سطحی و دولت و دستگانهائی،  
 به سبب برای مردم، جمهوریست  
 و استقلال کشور بلکه برای خود  
 انسان و جریان سیاسی و فکری  
 حاسی که ما بندگی میکنند،  
 سسارگران تمام خواهند  
 برای دارو دست خبیث  
 و کسه نوری چون حزب جمهوری  
 اسلامی هیچ ابائی نیست که

جدی اند.  
 علاوه آقای بنی صدر  
 با بدید طرفدارانند که سبه  
 سیاستی مصالحه جویانسه و  
 با ره ای همکاری های ایشان  
 با جریان ارتحاتی حاکم و سبه -  
 جنیر، بحافل مصالحه جویانسی  
 سر میداداران و ملاکسان  
 درگشتند جزو بنا نهائی سسار  
 آورده و جگوند به رتدا بسن

## ما در اینجا به امام خمینی بعنوان رهبر مسئول کشور هشدار میدهیم و بلکه اخطا می کنیم که هر آینه اگر در این لحظات حساس تاریخ کشور دست از پشت سران این حزب شیطان و شجره خبیثه آن در این جمهوری بر ندارد، با ملت ایران زویر و خواهد بود، او با بد مواضع خود در ارسار جمع به حاکمیت جهنمی این حزب و سران فاسد و خیانت پیششده آن روشن کند .

العی هایاری رسانده است،  
 همکاری در جریان با مصطلح  
 انقلاب ترهنکی بسته شدن  
 دانشگاهها بنا مصطلح و بنا  
 مقابله با مصطلح گروه های  
 غیر مسئول، جدتتبعه ای سفیر  
 از بال و بر گرفتن اینسن  
 ارتجاع و عملی شدن سیاست -  
 های تحمیلی آن، تصفیه وسیع  
 دانشگاهها و مدارس بنفع عمال  
 حزب و غیره فاده است؟ هنگا -  
 می که به کارگران و کاررندان  
 و دیگران گفته میشد که "سورا  
 پورا مالیده" چه نتیجه دیگری  
 جز علم شدن و تحمیل انحنهای  
 اسلامی وابسته به همسسن  
 مرتجعین در کارخانه ها و  
 موسسات دولتی و غیر دولتی  
 و در درون ارتش، که هنگی به  
 عوامل ترطه تبدیل شدند.  
 داده؟ زمانیکه ایشان بعنوان  
 رئیس جمهور کشور در باره طبع  
 سلاح گروه های انقلابی و مردم

راه سلطه کامل خود را چه در  
 مقابله با مردم عادی و سازمان  
 های خارج از قدرت و چه در  
 مقابله با رئیس جمهور و  
 مقامات مزاحم و مخالف در داخل  
 قدرت با ترور و خونریزی  
 گشایند، این واقعیتی است  
 که در اوایل سال جاری در  
 شورای مرکزی حزب جمهوری  
 اسلامی از طرف گروه بهشتی -  
 آیت پیشنها د ترور بنی صدر و  
 سد نبال آن قلع و قمع طرفانیان  
 وی طرح و بحث شد، و اگر چه سبه  
 بسسبنا دجلال الدین فارسی  
 سیاست "نه مال" کردن (یعنی  
 نرم نرم منفردویی اعتبار  
 کردن و بعد بر انداختن ایشان  
 در شرایط فعلی بقضی تر  
 اعلام گردید، لیکن آن سعت  
 هنوز نمیتواند معنای سسگ  
 توطئه واتی ترار بگیرد. در  
 نتیجه آن طرفی ها به سبج و حسد  
 شوخی سد لرند و بلکه بسسار

تادی اصرار میورزیدند چه  
 تشجیه ای مگر خالی شدن میدان  
 برای نیروی انحصار طلب و  
 سیرحی چون حزب جمهوری  
 اسلامی و دستجات هم پیمان آن،  
 که خود را با ظاهری قانونی و بنا  
 دزدی از خزانه کشور تادندان  
 صلح کرده و دستکبالات نظامی و  
 پلیسی وسیعی را ساخته اند،  
 عابدگردانند؟

امروز رئیس جمهور  
 کشور با اعتماد دو حاستی کسه  
 بخاطر جنگ و همچنین مخالفت  
 ورزیدن با حزب حاکم و سبب  
 های خدمتی و مستیدانسه، آن  
 بدست آورده، بر سر یک دوراهی  
 است و باید تصمیم قطعی خود را  
 بگیرد .

با انتظار و اتصالی  
 توده ها یعنی بریدن تمامی  
 بندها با حزب حاکم و دولت و  
 مجلس و دادگستری وابسته به آن  
 و دعوت مردم به هجومه مرا کیز  
 قدرت آنجا نقش تاریخی  
 دلرانهای ایفاء خواهد کرد  
 و بدینسان به خدمت بزرگی به  
 این انقلاب و این وطن آفت زده  
 نائل خواهد شد، با آنکه کار  
 راه مسامحه و تعطل و تردید و  
 با هراس مطلحت، اندیشا نه  
 برگزار خواهد کرد و همه چیز در  
 سطح حرف باقی خواهد ماند،  
 که در اینصورت انقلاب و کشور و  
 همچنین سبه جنگ را بطسور  
 جدی به خطر خواهد افکنند و در  
 این میان خود ایشان نیز  
 قربانی خواهند گشت .

حرف ما در یک جمله سبه  
 مردم و تمامی انسان های  
 شریف وطن اینست که: اگر  
 قرار است انقلاب و کشور از  
 توطئه ها و فتنه های داخلی و  
 خارجی و مخاطراتی که توده ها  
 را بدیناس و سر خوردگی و احسان  
 نا ایمنی، مکنانند، نجات  
 پیدا کنند، باید با احساس  
 تکلیف، با نا ایمنی سسن  
 دارو دست، بر توجع و خاشن، که  
 گوشه زت بدرشان و از ملت  
 طلسم کارند، بیکره کرد .

دهوای ملت...

بیشتر از صفحه اول و بعد از آن در آوردن شما می نظون جا همه از اقتصاد صبا ست ، فرهنگ و نظام جامعه موقوف است ، به نگردهای سوسی در این راه همت گماشت ، و اگر صلح و بیروهای ترقی خواه و انقلابی موقوف نجسند تا به برنده تکلیف این باشند تکلیف آزادی و استقلال و تضامیت از فی ایران را یک سره خواهند کرد ، و انقلاب ایران را در برگاهها بر قدرتها و نیروهای راست و ارتجاعی در ایران و منطقه بطور تمام و تمام قریبانی منما بیند .

۱ - در هفتم گذشته ، مجلس شورای اسلامی و اکثریت حزبی آن ، لایحه ای را به تصویب رساندند به نام " لایحه " حذف عبارت فرمان هما یونی " البسته عبارت " فرمان هما یونی " در سال گذشته به تصویب " شورای انقلاب " از قوانین هنوز باقی مانده از رژیم شاهنشاهی حذف گردید بود ، و بجای " هما یونی " کذایی عبارت " رئیس جمهور " قرار گرفتند بود ! بنا بر این در اساس این لایحه نه به منظور حذف عبارت " فرمان هما یونی " بلکه به منظور حذف عبارت " تصویب رئیس جمهور " به مجلس برده شد و به تصویب اکثریت حزب می مجلس کذایی رسید ، مسئله ، مسئله " هما یونی " نیست ، مسئله رئیس جمهور ، مسئله حذف رئیس جمهور ، مسئله حرکت بدون وقفه و سیری نا پذیر حزب

جمهوری اسلامی و دارودسته دولتی اش برای فضا ، کا مسل قدرت در تمام می نشون مساند ، منظور را مطرح کردن این لایحه و به تصویب رساندن فوری آن در مجلس با اکثریت ضد ملی و ضد انقلابی بطور عموم هموار کردن این راه اکنون آنکار شده ، حزبمون بوده است .

ولی هما نظور که خسود جناب رجایی ، نخست وزیر حزبی - جما قدر ، صراحتا اظهار داشته است ( و خوشبختا نه برای اینکه راه هرگونه شوم جبهی را بروی سادها اندیشان دلخوشی چون " امتی " ها هم بسته با شد دیگر اینها را بسن لایحه را تحت لوای بر طمس سراق " طاغوت زدایی " و " مدارزه فدائیر با لست " هم تبلیغ نکردند ) مسئله این لایحه عبارتست از برکنار کردن آقای علیرمانوسری - رئیس کل بانک مرکزی ایران و یکی از طرفیان نزدیک آقای سی صدر رئیس جمهور - از این مقام و نشان دادن یکی از تحفه های بی به و آلت دست حزبی بجای وی در اساموربانگی ، بخشی مهمترین مقام اقتصادی مملکت در لحظه کنونی است . برای طرح و تصویب این لایحه بطور اخص به منظور کنترول بانک مرکزی ایران ، جنگ انداختن بر مخزن ترین ارگان مالی - ارزی کشور ، جنگ انداختن بر خزانه ملی مملکت ایران صورت پذیرفته است ، ما در سرمقاله " حقیقت " شماره ۱۲۱ این امر را پیش بینی کرده بودیم و صراحتا گفته بودیم که تلاش حزب جمهوری و دولت متبوع آن در عرصه اقتصاد عبارتست از کنترول بیرون نظام بانکی کشور و در مرکز آن بدست آوردن کنترول بانک مرکزی ایران ، و بدین ترتیب جنگ انداختن بر خزانه ملی ایران و ذخیره ارزی مملکت ، ما گفتیم که این حرکت از ماهیت سوز و دلالی و نشو و نال مملکتی

اس با دستبند کاروانها و طلب سر می خرد و دنیا با حرکت است صند انوار و فاشنی است دارودسته و اعوان و انصارش در عرصه سیاست هما شکنی و خواب نابی کامل دارد ، گفتیم که تصویب این لایحه در جبهه راجوب حرکت عمومی حزب جمهوری اسلامی برای فضا ، کا مسل قدرت میگذرد و مسئله اش از جمله عبارتست از حذف ریاست جمهوری ، " حذف ریاست جمهوری " آن منتهی است که سب از هر منظور دیگری از این طرح و تصویب این لایحه در جا صحت تبلیغ گشته است ، این امر به گونه ای از واقعیت برخوردار است ، به شرط آنکه محتوی و مضمون اصلی حرکت حزب جمهوری در آن منظور گردد . واقعیت دارد زیرا که سر راه کنترول کامل دستگاه دولتی و ماشین عظیم سوز و کراسی مملکت ، فلاتنها این مقام ریاست جمهوری است که در کنترول دارودسته حزبی قرار ندارد و هم چنین در مقابل حرکت انحصار گرانه حزب جمهوری وقت و ایستادگی میکند و بنا بر این باید از سر راه برداشته شود ، سیاست حزب عبارتست از خراج کردن آنچه از هر میای قدرت گاه در دست ریاست جمهوری است ( اگر چیزی واقعا باشد ) ، تشریفاتی کردن واقعی مقام ریاست جمهوری و سپس با نین کشیدن وی حتی از این سنت تشریفاتی ، بهمین دلیل بوده است که شعار " روح الله فرمانده کل قوا " را پیش کشیدند و ترس از زمان برخی ها انداختند ، و همین دلیل است که حذف عبارت " فرمان هما یونی " را به مجلس برده و سیم ترین اهرم اقتصادی مملکت را از کنترول رئیس جمهور خارج کردند ، بنا بر این اس امر که این لایحه از جمله برای حذف ریاست جمهوری بوده است و واقعیت دارد ، البته ممکن است ( بلکه

بفشار عده ای " ماورا انقلابی " پیدا شوند و مکتوبید که " ما راجه به دعواهای درون قدرت ، ما راجه به دعوی بالایی ها " ! " ما میخواهیم هر دو جناح حاکمیت ، هم حزب جمهوری و هم لیبرالها را سر نگون کنیم و بیگانه ها را به پیروزی برسانیم " ! و البته این چنین طرز برخورد دلالی کرانه ای ها نسبتها مکان دارد ، بلکه دنیا در درون جامعه ما وجود دارد ، ولی مسئله ، مسئله دهوای ارتجاعی نیست ؛

اولا : دعوی بینش رئیس جمهور بنی مدار از یکسور دولت رجایی و حزب جمهوری از سوی دیگر دعوی دو جریسان " سوز و آبی " ارتجاعی نیست ، بلکه دعوی سوز و آبی ملکی ایران با بنده سوز و دلال و نشو و نال مملکتی میباشد که همان ماهیتی برخوردار است که باندهای سلطنت طلب فراری برخوردارند ، دعوی بینش تمایل سوز و آبی ملی ایران برای استقلال از امپریالیسم از یکسور و تحایل ذاتی سوز و دلالها و فکودالها و اتکا به سر قدرتها و نیروهای امپریالیستی از سوی دیگر است ؛ دعوی بین تمایل ( اگر چه تخیلی ) سوز و آبی ملی به گسترش اقتصاد سرمایه داری ملکی از یکسور و کوشش جهت وابسته کردن رسمی اقتصاد جامعه به امپریالیسم ، کوشش جهت رشد و گسترش اقتصاد کمپرادوری و تحکیم نظام نیمه فکودالی از سوی دیگر است ؛ دعوی بین تمایل ( اگر چه تخیلی ) سوز و آبی ملی ایران برای تحکیم جمهوری سوز و آبی از یکسور و کوشش جهت استقرار یک نظام سیاسی استبدادی فاشیستی متکی به قدرت بیگانه از سوی دیگری باشد ، آن نیروی سیاسی که مضمون واقعی این دعوا در نیاید ، و لایالی گرانسود بقیه در صفحه ۶

دعوی ملت...

بنیاده از صفحه ۵

خوش خالانده و ما تصوراً بنکسه خلی "انقلابی" عمل میکنند، ارکان آن بگذرد، حواسته یا نا حواسته، دست حزب جمهوری را در این دعوا باری میکند. آن کس که نمیند مبارهه جدی و واحد برای کنترل بانک مرکزی ایران، نه برای خوتن نیامدن جزسیون از شکل و تمایل رشن آن، بلکه برای کنترل نظام بانکی کشور و جنگ انداختن بر ذخیره ارزی و خزانه ملی سوده است؛ آن کس که تفهیمد جنگ انداختن بر بنیاد مستضعفان با شروتنی مبادل بکپزار مسلحان ردمومان (تخمینی که آقای حمید مادیق نوبری در انقلاب اسلامی روزیکشنیه ۳ خرداد دزده است) نه حرکت خرده بورژوازی سنتی تنگ نظر، بلکه حرکت یک جریان بورژوا دلالی "فراخ" نظراست؛ آن کس که نمیند که کنترل سازمان اقتصادی اسلامی که بخش قابل توجهی از سود ۱۲۵ میلیارد تومان بخش نجات ودلالی رادر سال گذشته بحدود اختصاصی داد و تا شید و نمجد جناب بهشتی از این سازمان، نه بخاطر "اسلامی" بودن آن، بلکه بخاطر به جیب زدن این سود عظیم و هنگفت و انحصاری و ناشی از سوار شدن انگل و ابرایین اوضاع و رنکته اقتصاد سیاسی ند؛ آن کس بلائنگ نهد در اوضاع و احوال کنونی جا سده ایران، بلکه دون کبشوت و ادر دعوا سلم تخیلی خود "انقلابی" نمایی میکنند!

و شایه: دعوی بورژوازی ملی و مشعما بی مدر با حرب جمهوری فقط بخشی از مضمون واقعی حرکت حشر ب جمهوری اسلامی است. دعوی اصلی حزب جمهوری با انقلاب ایران، بادمکراسی و سوا استنلال و سوا میت ارضی ایران است. دعوی اصلی بین ملت ایران و انقلاب ایران با ضد انقلابیون و مرجعین مستبد لاه کرده در حزب جمهوری است. دعوی مشخص با بنی صدر در این دعوی عمومی میگنجد. حزب جمهوری مبعوا هد خوزستان را بدهد ولی بنی صدر را بدهد خوزستان متعلق به بنی صدر نیست، خوزستان متعلق به این ملت و این انقلاب است. تسلیم یا عدم تسلیم خوزستان به امپریالیستها و یا دشمنان یک دعوی بزرگ بین ملت ایران از یکسو و مرجعین و خیانت پیشگان حزبی از سوی دیگر، بین ملت ایران از یکسو و امپریالیستها و ابر قدرتها و ایادی ریز و درشتان از سوی دیگر، بر سوا استنلال و سوا میت ارضی و موجود است انقلاب ایران است. این فقط به بنی صدر محدود نمیشود. این مسئله طیفه کارگر ایران، مسئله زحمتگان ایران است. انقلاب ایران و طبقه کارگر ایران، خوزستان را مبعوا هد و بهمین خاطر باید حکومت خیانت پیشگان حزبی کد آشکارا را از اریکه قدرت سرنگون سازند. حزب جمهوری آزادی سه کت آمده به قیمت خون هزاران شهید را هر روز با بمال میکند. انقلابیون را بدیند میکنند. بر علیه نیروهای انقلابی فنوا مادمیکنند، اعتمادات کارگری را بخون میکنند... ما رزه برای آزادی و دمکراسی دعوی سررگی است بین ملت و انقلاب ایران از یکسو، و حزب جمهوری و متحدین روسی و آمریکائی اش از سوی دیگر.

مسئله آزادی و دمکراسی؛ مسئله طیفه کارگر، انقلاب بیون و کمونسینپاست. این مسئله فقط به بنی صدر محدود نمیشود. انقلاب ایران و طبقه کارگر ایران، آزادی و دمکراسی را مبعوا هند و سیمین خاطر باید مستبدین حزبی کد آشکارا بر آزادی میکوسند را از اریکه قدرت سرنگون سازند. دعوی بین بنی صدر و حزب جمهوری فقط دعوی بالاب بی هانیت. بلکه در واقع استنکاسی است از دعوی بزرگی کد در تمام شتون جامعه بین پائینیها و بالاییها در جریان است. دعوا بین استنلال و دمکراسی از یکسو و وابستگی و استناد از دیگر سواست. در حقیقت دعوی ملت ایران با حزب جمهوری و قدرت حاکمه ارتجاعی اش، ادامه دعوی ملت ایران با رژیم شاهنشاهی است. آن کس که مضمون واقعی این دعوی بزرگ را نمیسود با یک سرجب ناچسب "دعوی بالاییها" از آن لابلایی گرانده گذرد در بهترین حالت و در واقع با تمام "خدیوژوا" بودن، رهبری این مبارزه را در دست بورژوازی ملی ایران رها میکند. مگوشم در بهترین حالت چون در واقع آن کس "ما و راه انقلابی" مسدان را برای ساختن و تاج حزب جمهوری اسلامی در سرکوب آزادی و دمکراسی و در خیانت به آرمانهای ملی این مردم بارگذاشته است. تاریخ ایران شاهده ایگونه دعویهای بالاییها سوده است، دعواهایی کد در ظاهر در "بالا" صورت مگر گرفته ولی در واقع برای قطع و تمع با شینیها و بیضت پائینیها سوده است. ما رزترین نموده آن دعوی بین دربار و حکومت دکتر مصدق در مورد دست وزارت جنگ سر باز زد، زمانیکه دکتر مصدق استنفاء داد و سر کپنه کار استنفاء رفوا مالطنه سر اریکه قدرت تکیه زد، آسبا

دعوا فقط بین "بالاییها" بود؟ و یا آیا دعوا فقط بین بورژوازی ملی و لیبرال به رهبری دکتر محمد مصدق و دربار محمدرضا شاه بود؟ سبب چه! ظاهر دعوا این بود، ولی باطن آن عبارت بود از دعوی ملت ایران با امپریالیستها و انگلیسی و آمریکایی، عبارت بود از دعوی ملت ایران با حاکمیت خیانت پینگیسی و وابستگی و استناد در برابر بهلوی و... این مضمون اصلی دعوا سوا بود بخاطر همین ملت ایران آن قیام تاریخی را در ۳ تیر برپا کرد. محمدرضا شاه خاشن منظورش فقط حذف دکتر مصدق از دست وزارت جنگ و اسمال از دست شخصت وزیر نبود، منظور وی سرکوب بهمت ملی شدن صنایع نفت، سرکوب آزادی و دمکراسی و حرکت در این جهات بود. فقط اپورتونیت های نظیر حزب سوده از دیدن واقعیت و مضمون اصلی این دعوا عاجز ماندند، و فقط زمانی دریا فتند کسه گلوله و خون در حیا با نهیای تیران و سایر شهرهای ایران بهم میخسته بود!

۲ - در هفته گذشته "پاکسازی" جدیدی در قوا قضائیه برهبری رئیس شورای عالی قضایی، دکتر بهشتی صورت پذیرفت. آنطور که گفته شد، این امر بخاطر "هماهنگ ساختن" کادرو وزارت دادگستری و قوه قضائیه با سیاستهای "اسلامی" و "مکتبی" شورای عالی قضایی - یعنی حزب جمهوری اسلامی - سوده است. هماهنگی در بسیار ده کردن لایحه ارتجاعی قضایی، هماهنگی در سرکوب آزادی مطبوعات، حتی روزنامه های سترونی چون "تیران"، هماهنگی در سرکوب آزادی عقیده و بیان ر...، هماهنگی در سیاست عمومی تبند کردن کامل قدرت، هماهنگی در سیاست ملت است

دعوی ملت...

بفیه از صفحه ۶ —  
 از ملت ایران و کشتن و لگدمال کردن تمامی حقوق بخون به کف آمده، این ملت، هماهنگی در به محاکمه کشیدن حتی شخصی رئیس جمهور، هماهنگی در سرپوش گذاردن برجاسات و خیانتها بی که هرروزه توسط ایادی حزب جمهوری در بر باد دادن ثروت ملی ایران، در نرد عشق ناختن با امپریا — لیستیا، در وحشیگری و کشتار مردم و انقلابیون صورت میپذیرد. هماهنگی در خیانت — پیشگی ملی، در استبداد و فساد — تیسیم! وجه کسانی در این کار با رئیس تورا یعنی عالی قضایی و همپالگی هایش احساس " هماهنگی" میکنند: " ... سمت قضایی مهم ریاست کل دادگاههای عمومی را به کسی داده اند که به سبب وابستگی به رژیم سابق و اطاعت محض از وزیر معدوم دادگستری و امثال آن سدا ز پیروزی انقلاب طبق موبه شورای انقلاب تسویه [ تصفیه ] شده است این شخص در رژیم سابق متاغل مهمی از قبیل مدیرکل خانه های انصاف و شورا های داور، ما — موربازوسی اصل نهم انقلاب سفید و رئیس کل دادگاه های بخت و رئیس کل دادگاه های شهرستان تهران را عهده دار بوده است و در سمت اخیرا غلب بر رنده های کیفری و قرارهای بازداشت تظا هرات دانشجویان و سایر مدیا رزین را بدستور وزیر وقت به شنبه مخصوص فرما نسرد — دارا واک ارجاع مینمود و آن

شغید قرارهای بازداشت را تا شید و مبارزین علیه رژیم را محکوم میکرد. " (از نامه سرگشاده، رئیس جمپوربه شورای عالی قضایی — انقلاب اسلامی ۲ خرداد ۱۳۶۵) بهتراست بگویم جناب پیشنی با چه کسانی احساس هماهنگی و همبستگی مینمایند! از کوزه همان برون تراود که در اوست!

پارسال برای مبارزه با محاکمه همدین خلق، سعادت جاسوس شوروی شد و به محاکمه کشیده شد و سه سال زندان محکوم گردید و متعاقب آن کادر رهبری مجاهدین نیز به دادگاه احضار شدند، و امسال دارندگان حکم رسمی از رئیس جمپوربه " جاسوسی" متهم میگردد و به پای میز محاکمه میخوانند بکشندشان

درخواست دفتر ریاست جمپوری برای داشتن سرجی اسناد سری وزارت امور خارجه — نشاندهنده " عشق و سرچشمه" نهایی نزدیک شدن تصامات بین بسی صدر و جزبیون است. اسناد سری وزارت امور خارجه بلاشک در مورد روابط دولت رجایی و مکتبیون حزبی با کشورهای خارجی، با امپریالیستها و بر قدرتها و یادی کوچک و بزرگان میناشد، اسنادی از قبیل واقعات نشت پسرده: آن بیانیه " کذایی الجزایر، از روابط " حسنه " (!!) بسا سوربه وغیره و ذالک، از ملامت های همدروزه، معانیسن " مکتبی" دولت رجایی بسا سعراي خارجی و قول و قرارهای آنها و ... مطمئنا این اسناد وزارت امور خارجه سندهای حویی برای افشای ماهیت واقعی مبارزه " ضدامپریا — لیستی " (!!) دولت مکتبی جوان و قاطع رجایی و سرچشمه، نشان این دولت میناشد، زمانیکه کار در درون هبات حاکمه به جمع آوری اسناد علیه یکدیگر برسد، یعنی آنکندزد و خوردنها بی نزدیک گردیده است.

"... سمت قضایی مهم ریاست کل دادگاه های عمومی را به کسی داده اند که به سبب وابستگی به رژیم سابق و اطاعت محض از وزیر معدوم دادگستری و امثال آن بعد از پیروزی انقلاب (۱۳۶۵) تسویه شده است. متاغل مهمی از قبیل مدیرکل خانه های انصاف و شورا های داور، ... و رئیس کل دادگاه های شهرستان تهران را عهده دار بوده است و در سمت اخیرا غلب بر رنده های کیفری و قرارهای بازداشت تظا هرات دانشجویان و سایر مبارزین را بدستور وزیر وقت به شنبه" مخصوص فرما نسرد ارسا واک ارجاع مینمود. "

۲ — در هفته گذشته، ولایده ستاریوی احضار رجوی و خیابانی به دادگاه صادر کننده حکم تحویل اسناد از وزارت خارجه یعنی ... تکرار خواهد شد. حزب جمپوری اسلامی مدتی است که فعدا احضار کردن و بیای میز " محاکمه " کشیدن بنی صدر را بدو تا از راه های " قانونی " از وی " تفصا ص " بگیرد. یکبار سدا از ۱۴ اسفند نغمه های آن ساز شد، چندروز پیش ارکشف ساند " جاسوسی " جناب پیشنی در مصاحبه مطبوعه عا تیش خواستار به محاکمه کشیدن آن مقامی که تا یعه (!!) وجود تکنه را در جاسوسها برآورد کردید، و اکنون بدنبال کشف این ساند " جاسوسی " (!!) حتما باید هر ساند را به پای میسز محاکمه کشید. استداغرافاع بروفق مراد حج اسلام و آبیسات تلامو هم بگتان حزسی بدیش روه.

و سو م آنکه: مگردار این اسناد چه بوده، مگردار این اسناد برده از کدام خیانت ها بر آمده است که حزب بیون جنگ انداخته بر سیاست خارجی امران، حتی از افتادن آن بدست بنی صدر نیز ساء و وحشت داشته اند؟ این همه پنهانکاری و مخفوسی بازی — در مقابل ملت که سهل است، در مقابل رئیس جمپور — آیا شما خواننده را به شک نمی اندازد؟ حزب بیون " ضدامپریا لیست " کدام " اسرار " را از ملت و حتی از رئیس جمپور پنهان سازد؟ آیا عملکرد های خوب و ضدامپریالیستی و بیروزیهای (!!) بزرگی که در این راه بدست آورده اند؟ بسا خیانت های ملی حسود را؟

پتیه از صفحه ۴

## سرمقاله

ما همه مردم و تمامی نیروهای متعهد ملی و آزادی خواه همه عنا صریا شرف جامعه را فرا میخوانیم که متحد شوند و با این ارتجاع خیانت پیشه و رذل حساب خود را تسویه کنند؛ وگرنه انقلاب و کشور هر دو از دست خواهند رفت.

ما هشدار میدهیم که وضع کشور وضع خطرناکی است؛ وضع اضطراری است، و هر آن امکان یک توطئه خطرناک

کودنا گرانده و کشتار برنا سه ریزی شده در همه جا خصوصا در تهران میروند.

ما مطمئنیم که مردم ایران در صورتی که اتحاد خود را حفظ کنند و حرکت کنند به راحتی میتوانند این دار و دسته خائن را به همسان زباله دانی بیاندازند گنه دار و دسته خائن شاه معدوم را انداختند.

توده وسیع ملت در سرانگشور برای دست زدن به یک مبارزه قطعی کاملاً آماده اند، نادانی و غفلت بزرگی است اگر نیروهای انقلابی ملی و شخصیت هاشی که با جرفهای خویش انتظار آتی را در میان مردم برانگیخته و در نتیجه در مقابل مسردم و کشور خویش مسئولیت دارند، در برابر این وضع مخاطره آمیز روش مصالحه و مسامحه در پیش گیرند و با منتظر تگما مل قطعی

اوضاع شناسند. خطاب ما به تمامی مردم و جریانیهای سیاسی متعهد به مردم و کثورت است؛ به سخن های آگاه و سازما سیافته و آرمان جوی جامعه، به صدها هزار خانواده که به خاطر غریب نهال انقلاب جمهوریخواها نه، آزادی جویان نه و استقلال طلبان نه، ایران دهها هزار شهید و صدها هزار معلول و مصدوم داده اند؛ به سربازان و پاسداران و درجه داران و افسرانی که به خواهان رهائی ایران از زیر سلطه ابرقدرتیا، آزادی مردم و ترقی و تنالی کشور میباشند، به همه عنا صر شرافتمند و غیرت مند سرانگشور است، که انقلاب و کشور در خطر نابودی است؛ برای دفاع از دیکراسی و استقلال کشور، برای نجات انقلاب متحد و محپیز نوید و با حیزید و حکومت ناخواستمر دانه، شتی عهد شکن

خائن و پست فطرت را براندازید کشور را از این گه باز سندها پیش به ابرقدرتیا و امپریالیستیا متصل و محکم شویند نجات دهید؛ اگر نقشه مرتجعین بطور کامل اجرا شود نسیال آن ایران بی دربی به دام کودنا هسا و جنگهای درهم داخلی خواهد افتاد؛ زیرا اینها جز هرچ و برج انداختن به خاک معه و جلب نفرت همه مردم بسوی خود هیچکاری برای تحکیم قدرت در شرا یسط واقعی کنونی نتوانند نکرد، لیکن کشتارها و قحط و غلای، دست اندازی ابرقدرتیا و ملوک الطوائف جامعه را سراسر فرا خواهد گرفت، جبهه ها بهم خواهند خورد، خوزستان و سیلوچستان و کردستان و غیره از دست خواهند رفت، و از آن پس برای نجات مردم و کشور و تحقیق هدفهای انقلاب رنجی سخت و سیری صعب و طولانی بر حاکمیه تحصیل خواهد گشت، که مسرور با یک اقدام انقلابی همگانی میتواند بر راحتی حذر گردد.

## دعوی ملت . . .

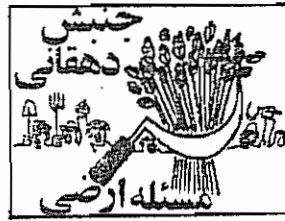
پتیه از صفحه ۷

و قتیکه به تجربه خود رجوع میکنیم، و قتیکه می بینیم چه خیانت بزرگی در قضیه آزادی جاسوسان آمریکایی مسورت گرفت و آرام آرام فقط نوک این کوه یخ خیانت بیرون میآید، مطمئن میشویم که حتما افشای این اسناد برای هم مکتسبان حزبی سخت زیانبار بوده است. \* \* \* اشتباهی حزب جمهوری اسلامی و دولت متبوعش برای قیفه کامیل قدرت در کف بی کفایت خود سیری ناپذیر است. همه اوضاع و احوال حکایت از آن دارد که حزب بیون وارد آخرین تلاشهای ارتجاعی خود برای یکسره کردن کار انقلاب گردیده اند، انقلاب بلاشک در خطر جدی قرار گرفته است، در حالیکه امپریالیسم آمریکا و ایادی آن - از رژیم کودتاچی



ملت قهرمان ایران متحداً تعرضات فاشیستی حزب بی را درهم شکنیم!





# ورشکستگی تزر سرمایه داری وابسته در زمینه ارضی

بازار داخلی نیز نمیتواند در مقیاس کلی بوجود آید و رشد کند. زیرا زمانی بازار داخلی بوجود میآید و رشد میکند که تولیدکالا در مقیاس کلی بوجود آید و گسترش یابد. بهمین جهت است که لنین می نویسد:

"بازار داخلی زمانی ظهور می یابد که اقتصاد کالائی ظاهر میشود. بازار داخلی از طریق توسعه این اقتصاد کالائی بوجود میآید، و سطح توسعه آنرا درجه ای که تقسیم کار اجتماعی منشعب میشود معین میکند. بازار داخلی با امتداد یافتن تولید کالائی از محصولات به نیروی کار گسترش می یابد، و تنها به تناسب تبدیل نیروی کار به کالاست که سرمایه داری سراسر تولید کشور را دربر میگیرد..." (مجموع آثار، جلد ۳، صفحه ۶۹)

نتیجه اینکه عدم رشد تولید کالائی در مقیاس کلی به معنی عدم رشد بازار داخلی در همان مقیاس است و عدم رشد بازار داخلی در واقع به معنی عدم رشد سرمایه داری است. بهمان درجه که تولید کالائی رشد میکند، بازار داخلی هم رشد میکند و بهمراه آن تولید سرمایه داری رشد میکند. برعکس بهمان درجه که تولید خود مصرفی باشد، بهمان درجه هم بازار داخلی بوجود نیامده و رشد نمیکند، و بهمراه آن تولید سرمایه داری هم بوجود نیامده و رشد نمیکند. و در نتیجه تولید سرمایه داری جنبه امری در اقتصاد روستائی خواهد داشت.

اما زوی دیگر بازار داخلی در ارتباط مستقیم تجزیه دهقانی است. یعنی اینکه در جاهایی که بازار داخلی موجود نیست و یا در صورت وجود رشد کمی داشته باشد، این بدین معنی است که تجزیه دهقانی در آن منطقه و محل دارای رشد کمی است. لنین در این مورد می نویسد:

"تجزیه دهقانی برای سرمایه داری بازار داخلی بوجود میآورد."

(همانجا، صفحه ۱۸۴، تاکید از لنین است) در نتیجه زمانی که میگوئیم تولید خود مصرفی در روستاهای ایران غالب است و بدنبال آن نتیجه میگیریم که بهمان درجه بازار داخلی در روستاها ضعیف است، در ادامه بایستی نتیجه بگیریم که بهمان درجه تجزیه دهقانی در روستاهای ایران ضعیف و در مراحل ابتدائی خود قرار دارد. لنین در مقاله ای دیگر ارتباط تولید کالائی با تجزیه دهقانی را بدین صورت روشن میکند:

"خلاصه، زمینه ای که در آن پدیده فوق الذکر تجزیه دهقانی رشد میکند عبارتست از تولید برای فروش. علت اساسی بوجود آمدن مبارزه مابین منافع مختلف اقتصادی در میان دهقانان عبارتست از سیستمی که در بر توان بازار تنظیم کننده تولید اجتماعی است."

(مجموع آثار، جلد ۱، صفحه ۱۷۳)

{بقیه در صفحه ۱۰۰}

در روزنامه انقلاب اسلامی بتاريخ ۲۶ و ۲۷ فروردین ۱۳۶۰، مصاحبه ای با یک کارشناس امور کشاورزی و روستائی در ارتباط با مشکلات و معضلات اقتصاد کشاورزی ایران انجام گرفته است. گرچه این کارشناس کشاورزی در این مصاحبه مسائل متعددی اشاره میکند، ولی ما قصد بررسی همه آنها را نداریم و تنها در اینجا به بررسی مختصر چند نکته از آن بسنده میکنیم، نکاتی که مستقیماً در ارتباط با مواضع انحرافی بسیاری از سازمانهای چپ در زمینه ساخت اقتصاد روستاهای ایران و گرایشهای موجود دهقانان در جامعه روستائی میباشد. نکاتی که بیان کننده ورشکستگی تزر سرمایه داری وابسته در زمینه، مسائل ارضی از یکسو و تبلیغات خائنانانه و تزهاری رویزیونیستی حزب توده، ایران در ارتباط با "انقلاب سفید" و نتایج "انکارناپذیر" آن در "ایجاد تحول بنیادی" در جامعه روستائی ما از دیگر سو میباید.

## ۱- مسأله تولید خود مصرفی در جامعه روستائی ما

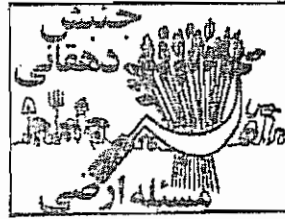
ارحمله احکامی که بدون مدرک و دلیل بتوسط بسیاری از گروههای چپ ما در شده است، اینست که پس از اصلاحات ارضی و محمدرضا شاه معدوم، ساخت روستاهای ایران تغییر نکرده و سرمایه داری در آن غالب شده است. حزب توده با تحول رویزیونیستی خود در اوایل دهه ۱۳۴۰ و بدنبال تحلیل های جدید رویزیونیستی در ارتباط با حرکت جدید امپریالیسم در مقیاس جهانی در ارتباط با کشورهای تحت سلطه قبل از گروه های چپ، چنین حکمی را صادر نموده بود و واقع بسیاری از گروه های چپ را در این زمینه بر روی خط خود کشید. در این زمینه از جمله روندهای اساسی که میبایست متحول میشد، تا چنین حکمی صادر میگشت، این بود که تولید کشاورزی اساساً از مرحله تولید خود مصرفی و یا حتی تولید کالائی ساده به مرحله تولید کالائی گسترده و تولید تجاری سرمایه داری متحول میشد. اما بهینیم واقعیت چیست. کارشناس فوق الذکر میگوید:

"ما در یک مطالعه ای که کردیم حدود ۶۰ درصد از روستاها را بدینگونه که ما خود مصرف هستند."

معنی و مفهوم این نتیجه گیری چیست؟ معنی آن اینست که تولید خود مصرفی در روستاهای ایران غالب است. حال اگر ما آن بخش از دهقانان را که بخش تولیدشان خود مصرفی است و بخش کالائی نیز در نظر بگیریم، اساساً تولید خود مصرفی در جامعه روستائی ما از رقم فوق الذکر بر مراتب تجاوز خواهد کرد.

اما بلافاصله برای خواننده میتوان این سؤال مطرح شود که از غلبه تولید خود مصرفی در روستا چه نتایج میتوان گرفت و یا عبارات دیگر روندهای اقتصادی که تولید خود مصرفی بسنده دنبال دارد، کدامند؟

زمانیکه ما از تولید خود مصرفی صحبت میکنیم، اساساً مدین معنی است که تولیدات کشاورزی بفروش نرسیده و بلکه به مصرف خود تولید کنندگان میرسد. اما زمانی که چنین شود، اجار



## ورشکستگی تو سرمایه داری ...

این جدول نشان میدهد که حتی اگر فرض هم بر این مسعود که اینگونه شرکت ها سرمایه داری اند، سوییژه از لحاظ سطح زیر کشت نسبت به کل اراضی زیر کشت ایران نقش بسیار جزئی داشته اند (۱/۲۴٪) و در نتیجه وجود این شرکت ها با این نقش جزئی نمیتوانستند رونق اصلی درون جامعه روستائی مسا را تغییر دهد. اما علق مسئله بمراتب بیش از این بوده است. زیرا مبارزه طبقاتی در درون این شرکت ها نشان داد که مبارزه به سبب کارگران و سرمایه داران، بلکه مبارزه ما بین دهقانان بی زمین شده از یکسو و رژیم و مدیران بورژوا - فئودال این شرکت ها از سوی دیگر و به حول انحلال این شرکت ها و تبدیل آن با زیر گرفتن زمینها بوده است. حال با اینست که این تصاد در درون این شرکت ها و مبارزه برای زمین در آنها بیش از هر جای دیگر حدت داشت و بیشتر اینکه بیش از هر جای دیگر بطور نسبی به نتیجه رسیده است! کار نشان فوق الذکر میگوید:

"شرکت های سهامی زراعی که صورت مالکیت گروهی بوده، بلافاصله بعد از انقلاب همه رفتند و با رزمینها را تقسیم کردند و تعداد زیادی از این شرکت ها منحل شد."

اما در مقابل این واقعیت شکننده، آنهاشی که سرمایه داری بودند این شرکت ها حکم میدادند، چه موضوعی میتوانستند بگیرند و چه حرکتی میتوانستند بکنند. به عبارت دیگر این رفقای چپ ما تحت تاثیر "سرمایه داری وابسته" در مقابل جیش وسیع دهقانی که در محدوده این شرکت ها بیش از ۸۰۰ روستا و مزرعه را در بر گرفت و به حول انحلال این شرکت های "سرمایه داری" و با زیر گرفتن زمینها به پیش میرفت، چه موضعی میتوانستند بگیرند و چه موضعی گرفتند؟

اینان به راه بیشتر نداشتند: اول - بر سرمایه داری بودن این شرکت ها با فشاری نمابند و پس اجبارا به این موضع در بختند که جنبش دهقانی برای با زیر گرفتن زمینها به بعضی حرکت تولید کوچک بیاکنند، دهقانی در مقابل تولید بزرگ سرمایه داری است و پس حرکتی به عقب و ارتجائی است. جز به توده جزء ای گروه بود. زیرا زمانیکه خود توده دهقانی نسبت به انحلال این شرکت ها و سپس تقسیم اراضی این شرکت ها دارند، این حرکت را به بار خواران و مالکان نسبت داد و آنرا محکوم نمود. (رجوع کنید به نشریه "جرم" اوایل ۱۳۵۸). دوم - نظر

بقرینه در صفحه ۱۱

پس اگر بخوایم مطالب بالا را بطور خلاصه مطرح کنیم، چنین خواهیم داشت: غلبه تولید خود مصرفی به معنی اولاً عدم غلبه تولید کالائی است، ثانیاً - به معنی رشد ضعیف و در مراحل ابتدائی تجزیه دهقانی است، ثالثاً - به معنی رشد ضعیف بازار داخلی است، و بالاخره رابعا - به معنی رشد ضعیف تولید سرمایه داری است. و این آن چیزی است که میتوان از کفنه فوق الذکر این کار نشان کشاورزی نتیجه گرفت.

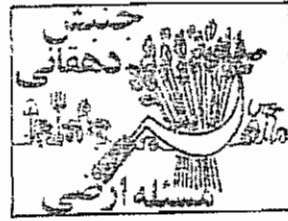
## ۲- شرکتهای سهامی زراعی و مبارزه برای زمین در درون آنها

از جمله نمونه های برجسته ای که مدافعین سرمایه داری شدن روستا برای تأیید تر خود را نه میدادند، شرکت های سهامی زراعی بود. مدافعان اصلاحات ارضی شاه معدوم در ارتباط با این شرکت ها سروصدای بسیار کردند و آنها را بعنوان نمونه های از رشد و توسعه اقتصاد سرمایه داری در همه جا تبلیغ کردند. از جمله این مدافعان، یکی هم حزب توده کذاشی بود که در مقالات متعددی حرکت وجود آوردن شرکت های سهامی زراعی را ستود و آنها را به عنوان نمونه های از گرایش هیئت حاکمه، شاهی در مبارزه بر علیه فئودالیسم و استقرار سرمایه داری دولتی که میتواند بسیار شرط نزدیکی با کشورهای "سوسیالیستی" برآورد و غیر سرمایه داری و سوسیالیسم گام نهاد، یادآور میشد (رجوع کنید به مقالات مجله "دنیا" در اوایل دهه ۱۳۴۰ و اوایل دهه ۱۳۵۰ و همچنین به مقاله "حزب توده مدافع سرمایه داری دولتی در روستا"، مجله "کمونیست شورویک"، شماره ۱). متأسفانه اکثر این گروه های چپ نیز درست این تبلیغات را قبول نمودند و در واقع بر این باور بودند که تضافاً به درون این شرکت ها عناصر نخست از تفاذکار سرمایه و بدین ترتیب قادر نبودند مضمون اصلی کشاورزی و مبارزه طبقاتی درون این شرکت ها را بدرستی تشخیص دهند. اگر استدلال برخی از جمله ما، آنها را درنا درستی نظرشان در این مورد متقاعد نمود، تا ربح و مبارزه طبقاتی درون جامعه، ما بصورت شکننده و با رزی حقانیت نظرها را اثبات کرد. گرچه متأسفانه هرگز آنها نتوانستند که از این واقعیت جمعبندی نمابند و نظرات غلط خود را بکناری بگذارند و در نتیجه از زیر بار این واقعیت و این تجربه شان خالی کردند.

و اما موقعیت کلی این شرکت در سالهای آخر موجودیتشان چگونه بود؟ توجه خوانندگان را به جدول زیر جلب میکنیم:

موقعیت کلی شرکت های سهامی زراعی در سال ۱۳۵۵

تعداد شرکت ها	تعداد دروستا و مزرعه مشمول این شرکت ها	تعداد دهقان و حورده مالک سهامدار	کل اراضی مزروعی این شرکتها	% کل اراضی مزروعی این شرکتها نسبت به کل اراضی مزروعی ایران	کل اراضی زیر کشت این شرکتها	% کل اراضی زیر کشت این شرکتها نسبت به کل اراضی زیر کشت ایران
۸۹	۸۱۷	۳۴۰۰۰	۴۰۱۰۰۰	۲/۴۲	۱۳۰۰۰۰	۱/۲۴



در شکستگی نوسر مایه داری...

اراضی زمینداران بزرگ حبه غنمی و غنمی پیدا نمیکند و در سبب بحث ما صرفاً با نظریات دهقانی ایشان است - رجوع کنید به "بیکار" شماره ۵۱. ظاهراً این بحث و بطور مختصر بحث "بیکار" بر مسأله تخریب باروسیه و جمعیندی های لیس است. ولی در واقع نه تخریب باروسیه را فیمیده اند و جمعیندی های لیس را - بر اگر چه کموبستیا معتقدند که در زرسه ارضی را دیگرال نوبین شمار در جارجوب یک انقلاب دمکراتیک ملی نمودن اراضی است؛ ولی برای طرح آن شروط معین و مشخصی فائل هستند. در نتیجه برای تعیین سیاست مسن و شمار معین در یک مقطع معین و در یک کشور معین، بایستی با توجه به اصل فوق و شروط مربوط بدان، عمل نمود. عملی غیر از این سه معیار بود جدا نمودن ما از حاص و در نظر گرفتن شرایط خاص میباشد.

لنین جمعیندی میگند که بطور کلی برای طرح شعار ملی نمودن اراضی دو شرط اساسی موجود است: ۱ - وجود جمعینوری دمکراتیک واقعی. ۲ - موافقت خود دهقانان با این امر. (رجوع کنید به "برنامه" ارضی سوسان دمکراتی در اولیین انقلاب روسیه ۷ - ۱۹۰۵). اما شرایط خاص روسیه چگونه بود؟ لنین جمعیندی میگند که بخاطر شرایط خاص اقتصادی روسیه، خود دهقانان روسیه، برخلاف گراشیتی عمومی دهقانان بطور کلی، خواستار ملی نمودن زمینها میباشد و در نتیجه شرط دوم فوق - الذکر در روسیه موجود بوده است. اما بخاطر اینکه در روسیه جمهوری دمکراتیک واقعی موجود نبود، لنین مطرح میگند که زمینبانان در شمارهای مربوط به بخش جنبش دهقانی، ملی نمودن را خواستار شد و پس در شرایط معین روسیه و در آن مقطع معین بهترین سازمنا دره اراضی زمینداران بزرگ بود. (رجوع کنید به اینجا)

اما وضعیت خاص موجود در ایران چگونه است؟ کشاورزان و کثاوری در ماحبه خود در مورد گرایش عمومی دهقانان در ایران در ارتباط با مالکیت زمین چنین میگویند:

"ولی در اینکه واگذاری زمین به چه صورتی باشد این مطالبه شده و در اکثر مناطق ایران زارع علاقمند است که مالکیت داشته باشد و عطفش هم این است که شرکت های سهامی زراعی که بصورت مالکیت گروهی بودی لافا طه بعد از انقلاب همه رفتند و باره زمینها را تقسیم کردند و تعداد زیادی از این شرکت ها منحل شد و زارعین ما از دولت دو چیز را میخواهند یکی این که مالکیت داشته باشند و... (تا گیدات از ما است)

از نقل قول بالا چه نتیجه ای میتوان گرفت؟ میتوان به این نتیجه مهم دست یافت که گرایش عمومی دهقانان ایران در رابطه با شرح مالکیت، مالکیت خصوصی است. و این امر خود را به وجه با زری در شرکت های سهامی زراعی متجلی نموده است. در عین حال این نتیجه را ما میتوانیم از زبانی از خود جنبش های دهقانی در مناطق مختلف ایران در مه سال گذشته نیز

(نسخه در صفحه ۲۹)

خود را تصحیح نمائید و ما نندید ما رکست - لیبیب و اتمیات را سببای حرکت و تحلل خود قرار دهید و حساب را و پس از این از جنبش دهقانی دفاع کرده و موضع گذشته خود را صحیح نماید. ما در تاریخ جنبش کمونیستی جهان نمونه بر حستای در این زمینه داریم: نمونه لنین که در مسکای حش عظم دهقانی در ۱۹۰۶ - ۱۹۰۵ نظرات خود را صحیح و نکامل داد (رجوع کنید به "برنامه" ارضی سوسال دمکراتی در اولیین انقلاب روسیه ۷ - ۱۹۰۵). سوم - سکوت اختیار کنند و از وضعیت فرار نمایند. و این را در واقع نهایت ایورنوسیم است. و متأسفانه اکثر گروه های چپ ما چنین کردند. ولی در تحلیل نهائی و در عمل این راه ترفی اساسی با راه اول ندارد. زیرا در زمانی که مبارزه دهقانان برای بازپس گرفتن زمین با اوچ سرمد، عدم حمایت و تائید آن عملاً به معنی مقابله آن انسان است.

اما با بدین بکته راه خاطر نشان ساخت کدا و لا موضع گرفتن و سکوت اختیار کردن بمعنی ورنگستگی سیاسی است و در نتیجه همواره نمیتوان از زیر واقعیتات ستر و سکننده فرار نمود. ممکن است در یک مورد چنین کرد، ولی در باره مبارزه طبقاتی دامن این گونه افراد و جریا سجا را خواهد گرفت و حاص زات سختی خواهد کرد.

۳- گرایش دهقانان در ارتباط با کسب مالکیت زمین

از جمله مسائلی که در زمینه مسئله ارضی - دهقانی بایستی مورد توجه قرار داده و حل نمود، یکی هم اینست که از گرایش عمومی دهقانان در مورد نوع مالکیت ارضی و جمع بندی داشت. بعبارت دیگر بعبایت از بررسی جنبش های دهقانی تعیین نمودند که در مجموع گرایش دهقانان در ایران و در حال حاضر در جهت مالکیت خصوصی است یا در جهت ملی نمودن اراضی (مالکیت عمومی و همگانی). اهمیت این مسئله زمانی که بخوانیم برنامه "مشخص سیاست و شمار معین در یک مقطع معینی در زمینه مسئله ارضی - دهقانی را فرموله نمائیم، نمایان میشود. و به همین دلیل هم هست که ما در جنبش چپ در حال حاضر در زمینه تعیین نوع مالکیت و اسکا آن در شمار مربوط به جنبش دهقانی با نظرات متفاوتی روبرو میباشیم. اما با این اختلاف بر سر اینست که گروه های از جمله "بیکار" معتقدند که در حال حاضر از جنبش دهقانی در مقابل زمینداران بزرگ تنها در ماحبه آنها حمایت میکنیم و در ارتباط با نوع مالکیت عملاً سکوت میکنیم ولی معتقدیم که با بدینی شود (بگذریم از این نکته که با توجه به اینکه "بیکار" ما ناآشنا با این تصمیم ارضی فرم ارضی امپریالیستی دهه ۶۰ معتقد است مالکیت تمسده اراضی مزروعی در دست دهقانان است و زمینداران غرض دهقانی سراسار ما را با کثاوری اندوختن بای مئود السم بسیار بسیار اجبار است، دیگر مبارزه دهقانان برای عبادره

# حزب جمهوری دهقانان آمل را به جرم

## گرفتن زمین دستگیر میکنند!

شواهد کافی آرا دهستان در لزوم دستگراست که تمل از این ماحرا انجمن املای دهه تشکیل شورای اقدام میکنند از این طریق بشناسند ستیای عیده های تار را اعمال کنند ولی نه تنها نتوانستند تا سال ۱۰۰ مادی از خود وارد شورای دهستان بلکه با هزار نوع دست و پا خیزداری وسطی معطی با یک رای در مقابل ۶۰ رای دیگر وارد شورای شدند (این شورای مرکب از ۲ نماینده دهقانان می رسد و کمترین می باشد که کل آراء دهقانان داده شده بود).

سلطانی که در مقابل اقدامات نامبر شده دهقانان بسیار تصرف زمین و حرکت های سیاسی شان به وقت افتاده بود، نقشه شومی را علیه ۲ هزار دهقانان طرح ریزی نمود. دهقانان از این فرار نمودند. سلطانی سرایتی آمل را بدین نقشه محسوس کردن زن خود را دستگیر نمود تا سگری سرانند از موجب قتل وی مینمود. سلطانی آملی در وقت استقامت نموده و با متهم نمودن ۲ نماینده بر سرور آملی و بی دینی رشتی به دادگاه انقلاب شکایت میکند. پس از استماع آملی و تحقیقات کافی در مورد مدارک قتل و شوم و غیره در آملی حکم سرور آملی پس از ۲۶ روز زندانی شدن صادر میگردد.

سلطانی پس از دستگیر شدن دهقانان به او با طعنه جوئی چهار نفر از دلان و یادان سلطانی سرور و نومان رشود به موسوی دادیار دادگاه انقلاب املی امر شده مذکور را دوباره به برهان می اندازد که موجب دستگیری محمد اسماعیلان میگردد.

در همین شب آملی از این دهقانان در زمین تحقیق پیرو نشد متوجه انجام قتل سرور و سلطانی و یادین میگردد. موسوی جهت مسکوت گذاشتن این مسئله سلطانی هزار نومان به پایدار مزور رشود میدهد. با مدارش سرور نیز اضاف خرج داده و بیضا ضمیمه کردن مبلغ مزور به سارک موجب کمال پیرونده از بیس سوال مینماید. سرانجام در تحقیقات سیاسی دادگاه متوجه رشود حواری موسوی گردیدند و سرانجام به پیرونده را مطابق گذاشته و شما بندگان را پس از ۳ ماه در آملی آزاد میگردد.

یکی از همین نمایندگان پس از آزادی در میترنگی کمد توسط نمایندگان شورای دهقانان بی زمین و کم زمین در استادیوم آملی سرگزا گردید و سرگرم شده و واقع جریان دستگیری خود را به اطلاع دهقانان حومه رسانید. که در سربزه طلاونک (نقریسه) خبری مخابرین در مازندران سرجاب مینمود.

حزب جمهوری با توجه به سرکارهای اعلامیه ای توسط یکی از نمایندگان شورای املی و یک نماینده محلی مزور (نمایند شده دستگیر شده) دستگیر شدند. شخص اصلا نماینده در این روسه نبوده و آنچه بی زکده ای سارگان های دولتی در مورد عدم اقدامات سینه میزند. کنتا ووران در سراسری قید نشده، مطرح کرده است بروج و بیاسی سناشد. در ضمن با انگکاس سخن رانی در مازندران و ساری. دستگیران بطور مخابرین نموده است. پس از این واقعه دهقانان تصمیم به اخراج نماینده مؤید که در نوشته جزء دستگیر شده است. سر همین اساس دهقانان بی زمین دستگیر شدند (مفسره در صفحه ۱۲).

حزب جمهوری است که حزب جمهوری وطن نشرونی است. بعد از فاش شدن از دست دهقانان در سراسر گرفته است. هر چه با سرور نومان انقلاب با سرور و سب های شیطانی است. سرور و سب های شیطانی در حقیقت روحه استیاسی دهقانان و سرور و آزار در بی استیاسی و آزاده است که خنده مستند بسن و سرور و سب های شیطانی را بده میکند.

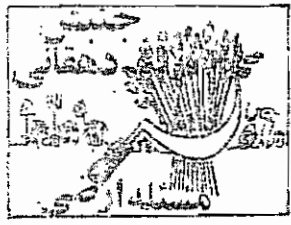
بعد از آن که سرور و سب های شیطانی در سراسر گرفته است. سرور و سب های شیطانی در سراسر گرفته است. سرور و سب های شیطانی در سراسر گرفته است. سرور و سب های شیطانی در سراسر گرفته است. سرور و سب های شیطانی در سراسر گرفته است.

بعد از آن که سرور و سب های شیطانی در سراسر گرفته است. سرور و سب های شیطانی در سراسر گرفته است. سرور و سب های شیطانی در سراسر گرفته است. سرور و سب های شیطانی در سراسر گرفته است. سرور و سب های شیطانی در سراسر گرفته است.

بعد از آن که سرور و سب های شیطانی در سراسر گرفته است. سرور و سب های شیطانی در سراسر گرفته است. سرور و سب های شیطانی در سراسر گرفته است. سرور و سب های شیطانی در سراسر گرفته است. سرور و سب های شیطانی در سراسر گرفته است.

بعد از آن که سرور و سب های شیطانی در سراسر گرفته است. سرور و سب های شیطانی در سراسر گرفته است. سرور و سب های شیطانی در سراسر گرفته است. سرور و سب های شیطانی در سراسر گرفته است. سرور و سب های شیطانی در سراسر گرفته است.

بعد از آن که سرور و سب های شیطانی در سراسر گرفته است. سرور و سب های شیطانی در سراسر گرفته است. سرور و سب های شیطانی در سراسر گرفته است. سرور و سب های شیطانی در سراسر گرفته است. سرور و سب های شیطانی در سراسر گرفته است.



حزب جمهوری...

ما کردهای خودطواری منی بر اخراج وی تهیه کرده و آنرا برای هینت و اکتاری زمین میفرستد.

حزب جمهوری انجا مایلند کد با انتشا را طابعه مذکور ر مبداء سلطانی را علیه دهقانان و نمایندگان واقعی آنان فراهم نموده بود، اینها بنام شکایت چندین ارمجان زمینهای مصادره شده و با تحریک قبلی سلطانی و نفیوت زمینداران ساکی، مجدداً سمانده مایر مذکور را دستگیر و در زندان می فرستاد.

پس از این ماجرا ۱۹ نفر از دهقانان بدخاخ ارسا بنده خودشان حیت آزادی وی بدهادگاه انقلاب میروند. دادگاه که جنین وضعی را میبیند توسط حاکم شرح آقای انشا ردهفانسان را مورد حمله قرار میدهد و میگوید که "این سمانده، ضد انقلاب است و دادگاه را متهم به رشو و خواری نموده و تبلیغ میکند که ما علیه دهقانان هستیم و در اینجا علاوه بر شکایتی که ما لکین علیه شما بنده میکنم از انگیزه های انسانی دستگیری پرده برداشته می شود. همچنین انسا کرسپای وی - روز سفر انی اسنا دیوم بوجه کشید و نصرت حرب میگردد.

دهفانی بدنیال حریفای حاکم "سر" در جواب گفت: که "وی شما بنده با ست و در ضمن کشاورزی زمین است و از منضعین، با بستنی حتماً آرا در کشید." حاکم "سر" ناچیره ای بر فروخته گفت: "اگر زیا در حرف سر بنده ما را با جد دستگیر نکند، همه شما مثل هم هستید." دهفان دیگری تعدادی از سربالایی ربط آقای انشا ریستنگ آمده بود گفت: "جرا شما مالک بدخاخ میکنید مگر همینجا نبودند که ما ظلم روا می کردیم. داداش تو مت شا که خودتان را اسلامی میما میدا ردها بسلامت بدخاخ میکنند؟" حاکم "سر" که بیست از این طاعت شما ورده بود مدای بلند گفت: "آری ما طرفدار مالک هستیم زمینهایی که گرفتید مال مالک است و شما بیوز و غصب کردید و در اسلام این کار جایز نیست." در این سب یکی از کتا و رزان در جواب گفت: "آقای افشار دستها یمان از کار کردن بینه بسته و مناسل رمن سفید و سخت شده ما ۲۵ سال کار کردیم و آنها بردند. زمین حق مسلم ما است." آقای افشار مناسل اینکه اورت بد رخواست میگوید: "بغود کار کردید میخواستید اینقدر کار نکنید. انسا دستها بنان سالم باشد." (جانب است!) آنها از یک طرف دم از سولید در شرایط حکی میزنند و کارگران و کتا و رزان را منیم به کمکاری میکنند، از طرف دیگر جواب آنچهانی بدخاخ طاعت فرسای دهقانان رنجدیده ما میدهد. معلوم است آمانان! شما نه میخواستید! این حکم به شمر برسد دولت ایران پیرو رسد از آن سرزون آید و نه میخواهد کتا و رزان زمینی دانند ما خدنا سنا کار و کوشش خود میبکنم ما را از وابستگی محات دهده. بیست کتکاری به کتا و رزان و کارگران انقلابی ایران نمی حسند. این بر چه بنان بسته آن دستگاه ترین و طویل حزب جمهوری است که عقب و مسلم بیت المال ملت را به دست جنبی بدهد و میخواهد منکک ما را راسته به بر قدرتها کند.

دهفان وضعی مواجدا این حرفها بنده، بدروسا بنده ر بنده و سر از چند روز به هشت و اکتاری زمین رسته و حکیسر را کسد هشت کسی برنا سومی بودن تصرف زمین توسط کتا و رزان کتا و رزان دده بود، و بعد با انصحتی بیشتر (حدود ۲۵۰ نفر) بدادگاه انقلاب رفتند. (لزوم تذکر است که هینت و اکتاری زمین دهقانان محصور را سام نامین مواد غذایی جنگ زدگان برداشت میکنند اسنا ردهفانان با عزمی محکم برای آزادی شما بنده دستگیر شده در محاسل دادگاه قرار میگیرند که پس از جرح و بحث های رسیده یکی از یاسداران مستقر در دادگاه دهفانی را کتک میزند. با سپر دهفانان برای خلاصی اینکار تصمیم برده نش گرفته اند که در هینت پس شما بنده دانستار آقای کاردان سر رسیده و با تلمیسی و جاسوسی از دهفانان و شهادت کردن با سدا رنذگور جورا آرام میکنند. وی به شما بنده جبهیتی حشمتی سالمین آرام گفت ما کتاری سدا کارمان بداریم. کتا ریدشگانست بررسی نمود و شما بنده ما در هم آرام شده و همه کارها درست بنموده". یکی از دهقانان با شنیدن کتک گفت: "ما حتی یک وجب زمین را نه به شما بدده و بدیم نیست مالک دهقانان با برکت و رزان حشمتی نا شنایین مطلب برای آزادی شما بنده با شاری کردند که در نتیجه موفق شدند تا شما بنده خسد را آرام کنند.

آجهد که گفته شد خلاصه ای از توطئه های رنگارنگ حزب و بنده انسا بود. نمونه های این عراد ر شهرها و روسا های ایران بنور رسیده است. محلات چند ماهه اخیر علیه نیروهای انقلابی و مردم از جانب حزب وطن فزوش جمهوری و تسویه حساب های بیرون مبر و ... نشان میدهد که توطئه وسیعی علیه انقلاب شکوهمند بان سرچال تشکیل است. سوزده اینده که اکثریت مردم ما در روساها ریدگی میکنند، انجا مایلند حاکمها قوانین فدهفان سستی بدخواه عمر و اسط ارباب و رعیتی را مجدداً در روستاها احیا کنند. با رگردادن زمینها به مالکان قبلی، تصرف زمین های برر کر سر بطرد دولت، ایجاد شبکهای جاسوسی از طریق انجمن های اسلامی درده و جاسوسی از ادامه کار هینت و اکتاری زمین و ... همه انسا شو هدیمت که حاشین بطلت دارند ما بنده ما را سست بسکت حکومت تمام رضا خیمتی سوق میدهند.

دهقانان مبارز با بستنی با اتحاد و همبستگی با سایر اقشار و طبقات انقلابی شهری در مقابل زورگوشیها و تحورات حسرت و بدخواهیا و سر ما بداران بزرگ و ایستد ایستادگی نموده و همه حشر ستانی امیر با بستنی رنگارنگ را از صحنه بیخاستند.

بنده سنی با تشکیل شوراهای واقعی از همه انشا ردهفانان سایر ارتقا وردهای انقلابی خود حراست نموده و در حیت کسری این سنا وردها بکوشند

خواداران اتحادیه کتوبستنیای ایران - آمل  
 ۱۳۶۰/۲/۲



# زمین ، مبارزه دهقانی و روستاهای آمل

کشت ، مشغول شدند. در همین رابطه تلاش برای گرفتن وام ۱۰۰۰۰۰۰۰ طریق جدا صورت میگیرد. در مورد نحوه تقسیم زمین قرار شد که با توجه به مقدار زمینی که بخشی از دهقانان هم اکنون دارند و همچنین با توجه به احتیاجات هر خانوار دهقان، انجام میگردد. نکته مهم اینست که دهقانان مبارزه خود را محدود به ۱۲ هکتاری که گرفته اند ، نکرده و زمزمه فشار به جبهه دایر برای گرفتن وسیع تقسیم در حدود ۲۰ هکتار از مراتع مشابه بگوش میرسد و احتمال گرفتن و تقسیم آن می رود.

## روستای سنگ بست

از جمله حرکات سرکوب گرانه مالکین در مقابل دهقانان یکی همانست که نما ینده دهقانان را مورد اذیت و آزار قرار میدهند. نمونه روستای سنگ بست از آن جمله است: اخیراً در رودسته عبیدی مالک محل با ماشین به سرزمینی که نما ینده دهقانان در آن کار میکردند، رفته و عبیدی با کمک عواملش بر سر این دهقان ریخته و کتک مفصلی به روی میزند که خوشبختانه آسیب چندانی با و نمی رسد. این چندمین بار است که این عمل تکرار شده است.

## روستای کته پشت

مجا هدمین اخیراً در این روستا نما ینگاهای گذاشته بودند که بدنبال آن انجمن اسلامی ده برای جلوگیری از این حرکت با مجا هدمین درگیر میشود. در این حرکت چنانچه افراد انجمن اسلامی حدود ۹ نفر زخمی میشوند و بدنبال آن با آمدن سپاه ، سه نفر هم دستگیر میشوند. اینان کار را به جانی میرسانند که عملاً شبها حکومت نظامی را برای روستا اعمال میکنند. بطوریکه بیشتر جوانان ده و بخش دهقانان از ده بد شهر میروند ، حتی در شهر نیز از تعقیب و دستگیری در امان نیستند. نکته مهم در اینست که تقریباً عین این نوع درگیریها در روستاهای روار ، سوران ، رشکلا و ... صورت گرفته است.

گروه هایی در جامه انجام میگيرند و اینگونه شکل مبارزه چگونه باشد بستگی به شرایط مشخص هر منطقه و هر روستا دارد. ولی در مجموع در مقابل مبارزه دهقانی مالکین فتودال و نهادهای حکومتی حامی آنان قرار گرفته اند. و مبارزه دهقانی همیشه مواجه با سرکوب از سوی ملاکین و در ادامه آن نهاد های حکومتی بوده است.

مساررات دهقانان روستاهای آبران در سه سال اخیر کرده مواجه با افت و خیز بوده ، ولی تداوم خود را حفظ نموده است. وجود مشخصه ایس مسازات ، برخلاف تزه ها و تسلیخات اکثریت گروه های چپ که بدنبال تزفند مارکستی " سرمایه داری وابسته " اند، گروه خوردن آن به حول مسئله زمین بوده است. مسازات دیگر مسازت در برای زمین مهم ترین واسطی ترین مبارزه دهقانان را تشکیل میدهد است. ولی اینکه این مبارزه در مقابل چه کسانی میباشد

اخیراً روستای زیرکته از روستاهای آمل خهر میدهند، نمونه هایی زنده در تاشیبند نکات فوق الذکر اند

## روستای قیام آباد

در جریان تمام دهقانان این روستا زمینهای متعددی مالک این روستا را بدست آورده نمودند. ولی متاسفانه پس از صادره زمینها ، در میان دهقانان دودستگی بوجود آمد و بدنبال آن نما یندگان جدا گانه ای از هر دسته انتخاب شدند. از سوی دیگر متعددی برای بازپس گرفتن زمینهای ما دره شده اش شروع به توطئه نمود. متعددی بر زمینها دودستگی در میان دهقانان توطئه های خود را با شکل مختلف اجرا میکنند. تا اینکه در روز دوشنبه ۶/۱/۱۷ معتمدی سهیلان قطع قسمهای باغ بسده دادگستری شکایت میکنند و بدنبال آن حدود ۵۵ نما ینده دهقانان توسط دادگستری احضار میشوند و بلافاصله پس از حضور چند نفر را سازداشت کرده و بخشی را سه زندان شهر بانی و بخش دیگر را در دادگاه نگاه میدارند.

پس از این واقعه ، کوشش مالک اینست که تمام پرونده ها از کانتال دادگستری گذشته و در نتیجه احتمالاً او بتواند حکم حکومت دهقانان را بگیرد. از سوی دیگر دهقانان دسته جمعی حدود ۱۵۰ نفر چندببار به شهر میآیند تا جریان را پی گیری نمایند و در همین حال شبها نیز سرزمین هایشان کشیک میدهند. این مبارزه کماکان ادامه دارد.

## روستای کرسه زر

چندی پیش ، نما یندگان روستا ثیابان روستا در پیی فعلی آنها و مراجعات سکر حزبیت به مراجع قانونی ، بالاخره حکمی از طرف جبهه دمینی بر تصرف حدود ۱۲ هکتار از مراتع جنگلی از سوی دهقانان این روستا گرفتند. بدنبال آن حدود ۱۷ نفر از روستایان سی زمین و کم زمین بطور دسته جمعی به پاک کردن ۱۲ هکتار مراتع جنگلی فوق الذکر بمنظور آماده نمودن آن برای

## داستیزد...

بقیه از صفحه ۳۱  
مشکلات را میدانسته است ولی ما هیت و سیاست ارتقا عیش باعث شده تا خود بعنوان مستأصلی نابسا مانیه ای وضع اقتصادی فطی عمل نماید. با این اوصاف بته دولت مکتبی هم رو میشود و استدلالات و ادعای او برای زیر فشار قرار دادن کارگران بوجی ووا می بود نشان را هویدا می سازد. کارگران با علم بسده قوانین رباط سرمایه داری قادرند همیشه رندی و شاترا لتسان بازی سرد یه داران را با منطق تری و استدلال رند نموده و آنها را انشاء نمایند. کارگران با آموزش اقتصاد سیاسی میتوانند بطور منطقی حفا سیت مطالبات خود را از سرمایه داران ثابت کرده و دزدی ها و یفما گریهای انگلیهای اجتماع را روکنند. کارگران پیشرو و آگاه موظفند امروز نموده های محروم و نا آگاه را

## گزارشی از اوضاع شهر بوکان

فساد و فحشاء و آدمکشی و ترورهای ظاهراً مشکوک و مبهم و غارت اموال مردم و دکان‌کین برای اهالی بوکان و اطراف پدیده‌های "عادی"ی گردیده‌اند. در شهر انواع مشروبات الکلی ساخت عراق و کشورهای عربی در معرض نمایش است. در بعضی از میخانه‌ها شبها عریه‌کشی حزبی‌ها سر به آسمان می‌زنند. و رقبای قمار بازم ساخت عراق و کشورهای امپریالیستی سه و فور در دست جوانان بیگنا و ولیمین‌ها دیده می‌شود. مواد مخدر آنقدر زیاده است که حتی به شهرهای دیگر ایران هم صادر می‌شود. (۲ بوکانی بهنگام حمل ۲ کیلو و روئین به تبریز دستگیری می‌گردند). فساد اخلاقی بویژه در بین جوانان رواج یافته و بیگاری نیز اثرات بخشیده است. فیلمهای مبتذل در "سینما" های بوکان که عبارت از یک پرورکتورویک مغازه یا خانه است، به نمایش در می‌آید.

از نظر امنیت و آزادی که حرفش را هم نباید زد، کشتن مردم در روز روشن (معمولاً از طرف افراد حزبی)، لخت کردن مردم بزرگ اسلحه (یکی از رفقای خودمان را زانانیکه از دهی به دیگر می‌رفته توسط دو اصب سوار در بیا با مورد تهدید ترار می‌گیرد که رفیق ما هم ز رنگی می‌کند و قبل از آنکه آنها بتوانند کاری کنند بلباس کلتی که همراه داشتند یکی از آنها را زخمی کرده و فرار می‌کنند). کتک زدن و زندانی کردن افرادی که نشریه می‌فروشند و آتش زدن دکه‌های تنبروهای سیاسی و... از برکت کوتاه آمدن و تزلزل تنبروهای سیاسی چپ نما در قبایل حزب دمکرات در شهر اعمال می‌گردد. شهر از ساعت ۱۲ شب به بعد توسط حزب دمکرات حکومت نظامی اعلام می‌گردد و با ملاح هیچ برنده‌ای حق برزیدن ندارد و فقط گاهگاهی افراد مسلح حزب در حال مستی و تلوتلو رفتن دیده می‌شوند. حزب که تا همین چندی پیش در محل شهر بانی سابق کمیته‌ای بنام "کمیته قضائی" شهر و با بقول بعضی‌ها کمیته قضایی شهر تشکیل داده بود، زمانیکه دید مردم می‌گویند چرا با وجود چنین کمیته با ملاح قضائی، این همه در شهر دزدی و کشتار و بی‌ناما موسی می‌شود، کمیته قضائی اش را برچید و آن را رسامیه یکی از سه مقرنظامی اش تبدیل کرد تا آزادانه تر بتواند بی‌تجاوزات و اعمال دیکتا توریش ادامه دهد. حزب دمکرات جمعیتی است از نشودالها و بالکین، المین‌ها و ترورترین افراد، ساواک‌ها و افسران فراری ارتش، ساواکیها راست راست در بوکان و مناطقی زیر نفوذ حزب و در سایه شوم این حزب شرور به گشت و گذار مشغولند و به ریش مردم ایران می‌خندند.

طرفداران بختیار بر احتی و مرتب در شهر اعلامیه بختیار می‌کنند. افرادیستنی عراقی وابسته به حزب یا بختیار است بگوئیم همان اربابان و دستوردهندگان اصلی حزب بر احتی در بوکان و در تمام مناطقی که جزء قلمرو حزب است در رفت و آمده هستند، و حتی بعضی از آنها کردی هم بلد نیستند و به زبان عربی تکلم می‌کنند و دارای مترجم میباشند.

مدارس بوکان که از طرف رژیم منحل اعلام گردیده بود، به همت حمصی از معلمان و خوددانش آموزان شروع به فعالیت نمود. (بقیه در صفحه ۱۶)

شهر بوکان دو سال است که در محاصره اقتصادی رژیم جمهوری اسلامی قرار دارد. در این دو سال اوضاع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی این شهر بکلی وخیم گردیده است. بسیاری ما بحتاج زندگی سرما و آواراست و با راضی این گزانی هم بیشتر از همه بردوش زحمتکشان و بی‌پزیران سنگینی می‌کند. نرخ اجناس روربه روز و گاهی هم ساعت به ساعت افزایش پیدا می‌کند. اکثر زحمتکشان که دیگر آهای در بساط نداشته و شغلی هم موجود نیست، بیش از این تاب تحمل این فشار اقتصادی را ندارند و از شهر و روستاهای اطراف رخت بر بسته و به امید پیدا کردن شغلی آواره شهرهای دیگر ایران شده‌اند. بیشتر آنها به گوره پزخانه‌های اطراف تبریز، تبریز، تاکستان، همدان و... رفته‌اند و در این سفر تمام اهل خانواده خود را نیز به همراه خویش برده‌اند. بعضی از ترس اینکه مسادا کاری به جنگ نیا و روند، از یک ماه قبل از شروع کار به نزدیک و مجاورت گوره پزخانه‌ها رفته و در آنجا ساکن شده‌اند تا جایی "رزرو" کرده باشند. برخی دیگر از مردم برای ادامه حیات خویش اجباراً بعضی از وسائل زندگی خودمانند فرش، بیخچال و... را فروخته‌اند تا از پول فروش آن مدجوعی کرده باشند. و سرانجام بعضی‌ها هم خانه خویش را فروخته و بی‌شهرهای دیگر ایران مهاجرت کرده‌اند. البته بعضی‌ها هم برای آنکه بتوانند شکم خود را سیر کنند و در ضمن به اصطلاح سربناهی هم داشته باشند و اردسا زمانها و دستجات سیاسی مختلف شده‌اند. بویژه وارد دمکرات که بعداً فرداش حقوق هم میدهد (تا هه هزار تومانش هم دیده شده است).

اجناس و کالاها هم که موجود است تقریباً بیشتر عراقی هستند که اساساً توسط حزب دمکرات وارد می‌شود و به قیمت گرانی بفروش میرسد. آن مقدار کمی هم که توسط قاچاقچی‌ها وارد می‌گردد کمیستنی که مالیات آن در همان مرز ایران و عراق به "گمرک خانه" حزب تحویل می‌گردد. نرخ بعضی از اق این چنین است: قند هر کیلو ۲۴ تومان، نفت هر جلیبی ۳۰۰ تومان، برنج هر کیلو ۲۰ تومان، بنزین هر لیتر ۲۰ تومان، گازوئیل هر ۲۰ لیتر ۱۸۰ تومان، روغن خوراکی هر جلیب ۱۲ کیلوئی ۶۰۰ تومان و... اجناس ذکر شده بالا همه عراقی هستند.

البته کسانی هم هستند که گاهی موفق می‌شوند مقدار جزی را از شهرهای مجاور به بوکان وارد کنند که در بین راه میبایستی سبیل ما مورین رژیم جمهوری اسلامی و دمکرات را جرب کنند. (یک گروهان هنگام اخذ روه از ما حب یک کالا توسط یک سرباز شناسائی و بازداشت گردیده و برای محاکمه به سنج گسیلش میدارند).

آن وضع اسفناک اقتصادی که در شهر دیده می‌شود در ده سالت بیشترتی موجود است. بطوریکه سال حتی خیلی از خرده مالکینی که در سالهای قبل معمولاً زمینشان کفاف زندگیشان را میداد مجبور به ترک روستا شده‌اند. اگر سالقا شخم زمینهای مزروعی توسط گا و آهن کم شده بود، بر اثر عدم وجود گازوئیل برای تراکتور، دوا راه بین روش شخم کردن قدیمی و نشودالسی معمول گردیده است.

**بوکان ...**

فداشيان اکثریت کاشکی زبا دکتره و رفتن به مدرسه را تحریم کردند) چندی بعد قسمت های متوسطه به دلیل امنیتی و جلوگیری از برخورد ها تعطیل گردید و فقط مدارس راهنمایی و دبستان ها همچنان باز است. جذب دمکرات که در شروع کار مدارس مصلحت آن را داشته بود که موافقت خود را ضمنی اعلام نماید، امروزه کاملاً منقضی شده و در میتینگ ها و اعلامیه ها پیش دانش آموزان را تقویت به تحریم مدارس نموده است و میگوید این مدارس منزه به ها را از هیچ و پوچ بر می کشند. ناگفته نماند است که مسلمین و دانش آموزان اکثر مخالف حزب و خط مشی ارتجاعی وی می باشند.

کمیته ها می که معاصره اقتصادی رژیم برای مردم بسیار آورده، نفرو فلاکت، بیکاری و فساد را که از طرف حزب دمکرات سر مردم اعمال می شود، طولانی شدن جنگ تمثیلی ای کسه ویرانی و بی امنیت و آوارگی بسیار آورده و عدم توانایی نیرو های انقلابی در هدایت و ادامه مبارزات مردم و بسیجی های مشکلات روز افزون دیگری که بدوش زحمتکشان سوار است ... تمام اینها دست بدست هم داده و نتیجه ای از نمایان درستی و نادرستی را در مردم به وجود آورده و متأسفانه اکثریت مردم را به یک نوع انفعال، بی امید و بی میلی در قبال سرکشی و خویش گشا نداده است. مردم دیگر به پیشمرگه به آن دیده ناچسی ها می ای کم بینگر نیستند بلکه نمیکنند و برای آن احترامی قائل نیستند، حتی با رها دیده میشوند که در ملاء عام به آنها فحش میدهند و آنها را مسبب بدبختی های خود می شمارند. در بوکان مردم تعجب به پیشمرگه ها میگویند که اگر ارتش وارد شهر شده آنها نیاید در شهر جنگ کنند بلکه اگر میخواهند بکنند بروند خارج از شهر درگیری شوند. زیرا میدانند که وقت در شهر یعنی ضعیف و بیچاره و بی توپ یعنی شهر توسط رژیم. مثلاً در شهر میا با دکم فعلاً دست دولت است زما نیکه پیشمرگه ها برای زدن ضربه به نیروهای دولتی به شهر میروند، مردم دیگر مانند گذشته با آنها همکاری نمیکنند، گویا اینکه از رژیم هم متنفر هستند. مثلاً یکبار وقتی پیشمرگان دمکرات به ده "ایندر قاش" نزدیک میا با در فتنه مردم با ورود آنها به ده مخالفت کردند (البته افراد حزبی با زور وارد شدند) و ظاهراً اینکه مردم همین ده توسط اوباشان بلاعینی اما مجسمه ارومیه چندی پیش قتل عام گردیده بودند. خواسته های مردم فعلاً برگرداندن طسح و آرامش بکردستان و شکستن معاصره اقتصادی و ایجاد تنظیم و امنیت و فرا هم کردن امکانات کاری و تولیدی و بیان آزادانه اندیشه های خود می باشد. حال این خواسته ها چه از طرف بخشیا رها شود یا دمکرات و چه از طرف رژیم جمهوری اسلامی واضح است که در باره کسه و ما هیت طبقاتی جریان فوق الذکر تا مل و تحقق نمیگردد (برای بیان تفاوتی نمیکنند، مثلاً برای نمونه یکی روقتی یک سیکاری از لزوم ادامه جنگ و "موقعتیت انتقال بی و ... هر طرف میزد، مردم بی مدت به روی اعتراض کردند که شما ها فقط سیکار نیست جنگ و جنگ و اینها خبر ندادید که ما جزو زنده ای

میکنیم. نفس بیکاری زما نیکه چیزی نشأت که بگوید و جمعیت را ترک میکرد، مردم سرودن از امانداخته و بیوی بدو سیرا میسی گفتند.

فعلاً در شهر و منطقه آنقدر که نیروها شما نند که کومه لسه و دمکرات از هم میترسند از دولت هرا بی ندارند. هر کدما از ترس خلع سلاح و کشته شدن توسط دیگری خود را بسیج و متشکل میکنند، گرچه بعد از درگیری اخیر بین کومه له و دمکرات که منجر به کشته شدن ۱ نفر از کومه له و دستگیری تعدادی از طرفین توسط یکدیگر شد و فعلاً آتش بستی بین طرفین برقرار گردیده ولی بسا اینحال هیچکدام و بیویژه کومه له به رعایت این آتش بس از طرف مقابل با ورنند از ندو گهگا هی این آتش بس نقض میگردند، دو طرف با خنپاره انداز، توپ ۶۰، دوشکه (یک نوع تیربار روسی)، آر بی بی، جی و ... از مقابل هم رژه میروند و سلاح های خود را برای ترس و رعب طرف مقابل به رخ هم میکشند. کومه له اخیراً یکمیری از افراد زنده خویش را تحت نام "هیزی-پیشرو" یعنی نیروی پیشرو و متشکل و آماده ساخته که این نیروها سا برای مقابله با حزب است. مردم از این وضع هم ناراحت اند، و خواهان درگیری یک نیروی گرد با نیروی گرد دیگر میباشند حتی اگر نیروی گرد فروش و مرتجع می باشند دمکرات باشد، گرچه برخورد انفرادی کومه له به مردم عادی و نسبتاً خوب و برخورد انفرادی دمکرات به مردم درست مانند اینها و با سببهای رژیم شاه است، ولی با اینحال مردم چندان فرقی بین پیشمرگه ها نمیگذارند و بسا اصطلاح میگویند پیشمرگه، پیشمرگه است.

در شهر ظاهراً اینطور تبلیغ میشود که در صورت حمله ارتش و با صدا ربه شهر بوکان کومه له خواهد جان جنگ با آنها در ضرر نیست، ولی دمکرات آشکارا و بر خلاف تمایل مردم اعلام مینماید که در صورت لازم در شهر هم جنگ خواهد کرد. اقلیت بسا رنا چیزی از افراد دو هوا داران کومه له چنین زمزمه میکنند که در شرایط کنونی ایران، ادامه جنگ با رژیم صلاح نیست (یعنی مخالف نظر "بیکار") و این چیزی است که فعلاً بر خلاف خواسته دمکرات میباشد. یکی از مسئولین حزب دمکرات در ارتباط با درگیری های اخیر بین دمکرات و کومه له میگوید که کومه له میخواهد مسلحانه از زمین بگذارد و با دولت جنگ نکنند و در دنباله آنها میگردند، در واقع حزب دمکرات به کومه له و نیروها این است: اسلحه را فعلاً زمین نگذارید، ولی روی خط من هم باشید.

اگر از دمکرات و کومه له بگذریم می رسم به جریان بنام "خه بات ... یعنی مبارزه برای استقلال و اسلامیت خلق کرد" که تشکلی است زیر رهبری شیخ جلال حسینی برادر شیخ عزالدین حسینی که ظاهراً این دو برادر کاری بیکار هم ندارند. اخیراً افراد این جریان به تعداد بسبباً زیاد در بوکان دیده میشوند که دارای مقرنی میباشند. افراد شیخ جلال آشکارا اعلام مینمایند که آنها طرفدار بحث عراق هستند و برای سرنگونی رژیم ایران سیکوشند. افراد بسبباً زیاد در عراقی هم با آنها دیده میشوند. این افراد در فضا و فضا باز حزبها هم جلو ترند. سیستم جاسوسی و خبرچینی آنها هم بسبباً خوب (البته خوب برای آنها) میباشد. بعضی از مسئولین آنها هم عمامه های سفیدی به نشان ملا و موم دور سر خود بیجا نداده اند که البته برای گول زدن مردم است. همگی گونه بایه توده ای بین مردم ندارند. رابطه آنها با دمکرات خیلی خوب است. در قبال هر بنظر میسود که رابطه کومه له با آتشکشا خوب نیست (بخاطر بعضی بؤده ها) ولی در عمل و بنا به نظر مسئولین کاری بیکار هم ندارند.



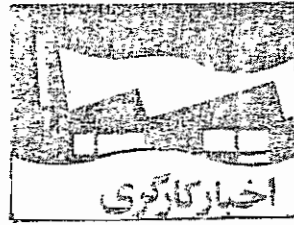


# نامه بیک کارگر انقلابی سرامون خیانت حزب جمهوری و اخراج کارگران فلور

و اداره کارافغان مراجعه کرد چیزی نذیدتا با لاجره از شیران  
یک فرسما بنده از طرف معین فرستادند. اسم این شخص بور-  
از در بود که بعدها از طرف کارگران سرامون "یواژدها" معروف  
شد. وقتی معین فروریزفت بود ما کارگران که خبری از او  
ندیدیم و آنسته خیلی از کارگران از او متنفر بودند. تا بد معین  
فرمیدانست که ما کارگران از او بدمان میاید و موقعیکه به افغان  
آمدیم با رمزها ندا زبلا لاینگا به با زبند کرد. رئیس شورا به کار-  
گران گفت که شما بد جمع ستویم و مخفیا نه با معین فرمذا کره کرد-  
ند. البته کارگران مذاکرات در حضور کارگران اتفاق میافتاد  
بهتر بود چون کارگران دوست و دشمن خود را بهتر تشخیص میدهند.  
آن زمان قرار تکدی یک کمیسوی تشکیل بشود که وضع استخدا می  
و حالت سلاتکسی ما کارگران را برای همیشه روشن سازد. شما  
بندگان این کمیسیون یک نفر از شورا و یک نفر از امتا سدا ری  
و یک نفر از سپاه با سدا ران افغان تا یک نفر هم از آداه کسا رو  
سلاوه خودیورا ز در بودند. البته این کمیسیون فقط یکسار  
تشکیل جلسه دولتی چیزی بدست نیامد تا اینکه آقایون مکتبی-  
ها شما مدیریک جلسهدون حضور شورا تصمیم گرفتند که ۶۰۰ نفر از  
کارگران راه یک شرکت دولتی سنام "نفت سار" بدهند و ۴۰۰  
سفرهم در خودی لاینگا به با نی سما شدند. حدوده ۱۰۰۰ نفر به سراسری  
فرمانده مستد و بقید هم با ز نشسته میشدند. شورا وقتی از این  
تصمیم با خبر شد آنرا محکوم اعلام کرد و تمام کارگران با عصانیت  
آنرا باطل اعلام کردند. پورا ز در در جمع کارگران خواست متن  
اعلامیه را سخا شد که کارگران بسوی مهلت ندادند و با مت و نگدو  
سنگ بدستال وی امتا دند و او هم به نطقه دوم ما ختمان اداری شرکت  
نشد پیشی آقای علاقه سند\* رئیس با لاینگا و اصهارن سنا گرفتند.  
مردای آن روز یک دسته زاندا ر م مسلح از ورود کارگران بس-  
با لاینگا جلوگیری کردند. شما کارگران ناراحت بودند و  
بد شد کمر نا سزا میگفتند و حتی چند نفر قصد داشتند همه کارگران  
را سداخل با لاینگا به برندولی با هوشیاری چند نفر کارگران آگاه  
سحید کارگران نهمیدند که سراسمان توطئه جیده اند. البته در  
آن زمان نازد عراق به ایران حمله کرده بود و تمام کشور برای  
جلوگیری از رخنه یعنی ها آماده رفش سه جبهه بودند و البته  
پورا ز در قصد داشت که یک درگیری ایجاد کند تا بلکه متوسط آن  
همه ما را اخراج کند و قیمت فدا انقلاب با ما بجسباند. کارگران  
در سخت محوطه پارکینگ تخفج کردند و بخترانی و افشا کسری  
کارگران انقلابی روحه کارگران را خیلی بالا میبرد. برای  
مشاعات مکتبی شهر افغان تجمع ما کارگران خیلی گران سنام  
شده بود و حتی میخواستند آنرا بخون بکشند. قبلا میخواستند  
کارگران را به استاداری افغان دعوت بکنند تا کمک چاق -  
داران حری و افراد دکا رگوما را فرما رکنند که ما کارگران  
دست آنها را خواستیم جواب بدادیم. آقای نیل فروشمان  
معاون استاداری افغان با بی ظلم کردن کارگران بیسما  
آنها را بدو همدار دعوت به آزادی کرد و وعده رسیدنی بنا کار آنها  
را داد ولی چون فقط وعده داده بود روز بعد دست کارگزاران  
کنت منملی خورد و تا قبل از رسیدن ما را نند یک سزخا و سراری

مس یک کارگرفنی هتم و در شرکت فلور افغان کار رسمی -  
کرده ام که تا زکیما اخراج ندهام. البته این دعوا ولی نیست  
که من و بقیه کارگران را از کار اخراج میکنند، یک دفعه آمریکا -  
شما ما را از کار ربیکا برگرداند آن وقتی بود که انقلاب مسردم  
ایران بندری آنها را شرا شده بود که از ایران فرار کردند و بدست  
۸ ماه بکار شدیم. البته آن موقع ما حدود ۴۰۰۰ نفر بودیم ولی  
وقتی دولت بزرگان بسرکار آمد، آمریکا شما هم برگرداند و از  
تمام ۴۰۰۰ نفر فقط ۱۲۰۰ نفر از ما کارگران بسرکار برگردانیم.  
دعوه دوم که میخواستند ما را بیرون کنند با اشکال مواجه شدند  
چون شما کارگران یک دست در مقابل آنها ایستادند و تمام  
قراردادها را سه ماه در ساندند. البته بین ما کارگران عده ای  
با قرارداد ۲ ماهه و بعضی با قرارداد ۳ - ۴ ماهه و بقیه قرارداد  
۶ ماهی داشتند. یکبار آنها میخواستند ۷۰۰ نفر را بیرون  
کنند ولی نتوانستند و آخر دست خودشان ایران را ترک کردند.  
البته این موضوع وقتی اتفاق افتاد که ما کارگران با تظاهرات  
در با لاینگا به افغان با خیلی از مردم ایران در تهران، افغان،  
مشهد، تبریز و تقریباً همه جا از اتفال جا سوخا به آمریکا  
همراهی کردیم و آنها هم از ایران فرار کردند. ما کارگران شرکت  
فلور را ملی اعلام کردیم ولی نه دولت از ما حمایت کرد و نه استان-  
دارونه رئیس اداره کار افغان. وقتی بحاصره اقتصادی  
شروع شد، آنها نیما هم فرار کردند و ما کارگران ما ندیم و آقای  
سنام افغان که خیلی مخالف کارگران است و بقول یکی از  
کارگران "از اون انگلیسهای نابکار" است و در سستدر  
اختیار شرکت فلور کار میکرد. یک دفعه هم خود این آقایان  
مکتبی ها ما را بیرون کردند که این قسمت را میخواستند هم قدری  
مفصل تر بنویسم.

وقتی شما آقایان رئیس شرکت فلور شد کارگران مارتکسی  
دست آوردند که این آقای هرجی خبرتوی با لاینگا به و افغان سی -  
گشت به آمریکا و آلمان تلکس میکرد. حالا خودتان خوب فکر  
کنید که همه مردم ایران فریاد میزدند "مرگ بر آمریکا" ولی  
شما شان به آمریکا خبر میفرستاد. بالاخره میخواستیم و راه  
با لاینگا به راه ندهیم، ولی رئیس شورا یکی دیگر از نمایندگان  
شورا مخالفت کردند. رئیس شورا میگفت "بیرون کردن شما -  
شما با یک توطئه است و از تهران خبر دادند که میخواستند با لاینگا به  
را خراب کنند" البته من بعدها فهمیدم که رئیس شورا عضو حزب  
توده است و این همه دلیلی برای خیانت حزب توده. بدربنده که  
یک کارگر شرکت نفت در جنوب است دل پر خونی از حزب توده دارد  
و همیشه از تار و سیران حزب توده با عصانیت حرف میزند.  
وقتیکه آلمانا نیما رفتند تمام کارگران ایرانی و میندی هسار  
نشسته بردارها و جوшка را ویا بید سترها و کارمندا و حتی جاسپ  
های مکتبی کار با لاینگا به را که تقریباً یک نسبت آن عده کاره بود  
بمیدید گرفتند. البته مدت ۴ ماه یعنی از اردیبهشت ما تا آخر  
شهر پور سال ۱۳۵۹ شورا چند سفر به تهران کرد ولی وضع ما کارگران  
روشن نشد. خیلی وقتها کار میگردیم ولی حقوق را پس از ۱ ماه  
یا بعضی وقتها حتی ۲ ماه معده میدادند. هر چه شورا به استاداری



### نامه يك كارگر

بسم الله الرحمن الرحيم

داده اند. من سخا در مورد کارگران تلوزر اصحاب اطلاع کامل دارم و اکثر آنها را کارگران نیمه بدو رختی ساسی صدا سم. ولسی یک مشکلات واقعی کارگری و نا نجر به در صاف ما وجود ندارد و اکثر کمنا سکه ارفوق ما کارگران دفاع میگردند فقط بلند سودند که حرف بزنند ولسی یک برنامهمه صحیح و انقلابی به ما نشان میدهد. برای مثال روز سکه که میخواستم سرکار سرویم در سر ۳ راهی با لاینگاه واقع در جاده اصلی اصفهان - تهران یک گروهان ژاندارمری و چند ریورنتی برآر سپاه با ستاران از ورود کارگران - جاده با لاینگاه جلوی کبری کردند. البته با بارزه ای که سر کارگران را در افتاد همگی تصمیم گرفتند که سوارا شود سوسیا شود و به محوطه با رکینگ با لاینگاه در وندومی و ما بر کارگران شا هدر خورد و دستر کارگر آکا بودیم. یکی سنگت ما باید جاده را بپندیم و بدین وسیله مردم را به حمايت ارفوقمان دعوت کنیم. دیگری میکنند سینی جاده اصلی تهران - اصفهان یک کارکو دکا شد و عطی است معترف زیرا هزاران تن از مردم کشور ما ان از طریق اتوبوسهای ما سرری و ما سینهای نحفی در این جاده بدشمال که روزنهائی خود هستند. هزاران تن ارانندگان تریلی ها و کامیون های سنگین تری این جاده بون مسخورند. اونجا مثل توالای سیتند که فقط بلندی حرف بزنی. تو اکسیر راست میگری سکا اعلامیه بنویس و در بین مردم در سهروجه در کارخانه های اطراف پخت کن تا اینکه مردم اطلاق پیدا کنند که در دو مشکل ما کارگران چیست. البته عده ای از کارگران که صحبت این دو نفر کارگر را شنیدند حرفهای دومی را قبول کردند و همگی بطرف اتوبوسها حرکت کردند تا طرف با لاینگاه تا چارادرمان ۳ راهی ما ندیم ولسی در جاده اصلی بنا ندیم و آنرا تخلیه کردیم و در کنار جاده اصلی در یک محوطه با زوفا کسی اردوزدیم. وقتی میگویم کارگران برنامهمه نداشتند و خیلی از کارگران همیده هم که صحبت میگردند بدون نقشه و برنامه - انشا کبری میگردند. این یک درد بزرگی است و با بستی ما کارگران آنرا در مان کنیم. در یکی از همین روزهای داغ و بستر ما جرابود که زورده ۶۰۰ شرکتی که متعلق به شرکت نفت سار بودند. به با لاینگاه جلوی کبری کرد و فقط حدود ۵۰ نفر با اصل رفتند. عده ای از همین آقایون رهبران کارگران بسسه ۵۰ نفر گفتند که چون بنده بیرون هستند با بستی اعلام همبستگی کنیم و به آنها ملحق شویم. این کارگر رفیق که من او را مناسم شد آنها میگفتند: شما از ۵۰ نفر دعوت کردید که از آنها در آید و بعد چا دیر و نوا ینکا رنما اشتیا است. تنها راه در دست بستی برای کارگران بیرون و داخل با لاینگاه ایی دست که همه بوضع تلاوت سار ۶۰۰ نفر چا رشوند. با بستی ۵۰۰ شرکتی کارگران از خارج و ۵۰۰ شرکتی کارگران داخل ما هم بنده شوند و بسسه

ما روزه خود را مدعیان سینه هده هکتی ...  
 یک خواست دارم و آنجا سیکه در داخل با لاینگاه هستند بستی را همبستگی با کارگران اخراجی با بستی مبارزه کنند تا آنها را بد داخل بیاورند. یک مثال دستر ما ورمنا روغن بود که ما کارگران جه وضعی داریم. یک روز صبح ما لاینگاه کارگران خیل سستی عمیانی بودند و ما به حرفیای آتشین یک کارگر انقلابی گوش میدادند. این کارگر به همه میگفت که ما بستی مبارزه کنیم تا حق خود را بدست آوریم ولسی را در نشان بندها و دستر ما هم که کارگران گنج شده بودند که با لاینگاه دستا بستی میکنند. همبستی رست کارگران اجازه سخن گرفت و سکا کارگران سازمان ساده برنامهمه خرد را اینطور تشریح کرد: "سازمان کارگر همه میداند که ما مدت بکمال است که از دولت و همه مسئولین درخواست کرده ایم که بوضع ما رسیدگی کنند ولسی آنها چون غذا کارگرند سستی گوش انداختند. الان که آمریکا از طریق عراق به ما تاجا و زکرده و خاکه کشور ما را تصرف کرده این آقایون هوس کردند که وضع سارا روشن کنند. ما باید بیوش ما شیم. این برنامه حزب خیا ننگار جمهوری اسلامی است که سستی ها و آبت ها و حجازی رقا ص میخواهد. هندا اگر ما مدای اعتراض بلند کردیم مردم را که فعلا مسئله جنگ سارا نشان اصلی شده و علیه ما تحریک کنند اگر این آقایان بی حواسند به حق ما رسیدگی کنند بکمال بی خودی و سر نم کردند ولسی الان بین ما و حزب جمهوری و افراد سکا رگریک جنگ در گرفت سستی است. اگر تصور کنیم که این جنگ برای تصرف ده تبه باشد ما سکا سسه را از دست داده ایم ولسی جنگ را بنیا حتمایم. ممکن است در مورد این یک تبه شکست خورده ما نیم ولسی برای کل سروت جنگ و ۹۰ تید دیگری با بودند ما هم. بعضی از آقایان همیشه میگویند حمله کنند ولسی هیچوقت بنا انداده اند که در هر جنگی حتمی در بهترین حالت. حمله همیشه تنیا دستور فرما شده ان نیست و نخواهد بود. گاهی شرایط پیش میاید که ما نقشه و برنامه عقب نشینی کنیم تا از نا بودی خود جلوی کبری کنیم. کارگران عزیز سروت این آقایان به جلوی بعضی رفتن به منجلاب نا بودی است و هر کس که نخواهد با سربا این وضع بنا بود کنند سقوط نکند. بنا - چا راست که یک قدم عقب نشینی کند زیرا حنی برای پرسیدن لازم است در ورخیز کنیم مخصوصا اگر توطئه و حیاست و نا بودی و سرافکندی برای ما تدارک دیده باشند." بهر حال بعد از حرفهای این رفیق کارگر شورا و همین آقایان تصمیم میگیرند که ۱۱ خواسته کارگران را پیش گذاشتند و برای آن مبارزه کردند. ما کارگر ساران از اداره معروف به اداره کار رحیری ندیدیم و حتی یک نفر ما سر ضد کارگر که جاسوس بدجنسی هم هست بنا ما چا بیچی را فرستادند تا افراد ما رزوا آگاه را شنا سایی کرده و بر علیه آنها توطئه طرح کنند. البته اداره کار هم بی نصب بنا ندوما مور کشیفش از دست کارگران حسابی کتک خورد. با لاینگاه بعد از مدتی اخراجی همان ۶۰۰ نفر شرکت نفت ما را جعه کردند و ما بارزه سرکار رخسود برگشتند. و در حدود ۲۶۰ نفر که بنده هم جزء آنها هستم بر کسار برگشتیم و حدود ۴۰ نفر برای گاردا ستمدار مگردند و بنده هم مرست با اداره کار را سار ساری موا جعه میگردند. البته انوا سست رژیم جمهوری اسلامی هم این است که ما تار ادرار ۲۵ ما ۲۹ روز سستی تا طبق قانون آریا سبری شابل بعضی مرانی کارگرسری شویم. اکنون هم ما را بجز ۶۰ نفر اخراج کرده اند. ساسی سوتند عده ای از شما را دستر سرتیم ولسی ما میتانیم که آنها دروغ میگویند و برای سارا کنند ما از مقابل اداره کار و استان داری دست به این کارها میزنند.

**کمکهای مالی دریافت شده**

نامه ....

نسخه از صفحه ۱۸

شهر	کد	مبلغ	نام
آبادان	۱۰۰۰	۲۱۰۰	ف - ج
"	"	۲۱۰۰	ش - ی
"	۱۰۰۰۰	۲۷	ی - ا
اردبیل	"	۵۰۰	ا - و - ض
اصفهان	"	۵۰۰۰	ر - ر
"	۱۰۰۰۰	۲۸	رفیق کارگردوب آهن
اصبواز	"	۲۰۰۰	زاده
"	"	۷۰۰۰	ق - ق
"	"	۱۰۰۰	ف - ن
"	"	۱۰۰۰	ف - ا
"	"	۱۰۰۰	دهراب
"	"	۱۰۰۰	هواداران در زندان
"	"	۱۰۰۰	کارون
اندیمشک	"	۸۰۰	ف - ا - غ
"	"	۳۰۰۰	ش - م - م - رفیق سرباز ۹
"	"	۲۲۲۵	م - ع ( حقوق یکماه
"	"	۲۲۲۵	سرازی )
"	"	۲۲۲۵	ع - الف ( حقوق
"	"	۱۳۰۰	یکماه و سرازی )
تاکستان	"	۲۲۰	ن - ن
تبریز	"	۱۱۵۰	ع - م
"	"	۳۰۰۰	الف - ن
"	"	۱۰۰۰۰	م - م
تبریز	"	۱۰۰۰۰	م - ن
"	"	۱۰۰۰۰	م - ر
"	"	۲۰۰۰	م - ه
"	"	۱۰۰۰	دال
"	"	۱۰۰۰	الف - م
خارک	"	۲۳۰۰	ل - ل
"	"	۲۷۰۰	م - م
"	"	۱۵۰۰	م - خ
دزفول	"	۵۰۰	ز - ز
"	"	۷۵۰	سرباز - م
"	"	۴۰۰۰	بهر
"	"	۵۰۰	م - س
"	"	۳۰۰۰	ق - ق
"	"	۵۰۰۰	م - م
"	"	۲۵۰۰۰	م - م
شیرکوه	"	۱۰۰۰	م - س
کرمیان	"	۵۰۰	م - ک
"	"	۵۰۰۰	ب - ک
"	"	۵۰۰۰	ب - ن
"	"	۴۰۰	رفیق دانش آموز - ن
"	"	۵۰۰	م - م - پ
"	"	۱۰۰۰	م - ی
"	"	۱۰۰۰	د - د ( همراهم یک
"	"	۱۰۰۰	هدیه )
"	"	۳۰۰۰	آنا
"	"	۲۰۰۰	ا
"	"	۵۰۰	س
محمودآباد	"	۱۰۰۰	الف - ب
مناب	"	۲۵۰۰	ح - الف
"	"	۲۰۰۰	ع - ب
"	"	۱۲۰۰۰	عمی
هفت تپه	"	۱۰۰۰	هدیه - د
"	"	۲۰۰۰	ا - س
"	"	۲۰۰	ف - ج
"	"	۱۰۰۰	م - د
ذکر نشده	"	۵۰۰۰	م - م
ریفای هواداران آمریکا مبلغ ۲۵۰۰۰۰ ریال			

حدود ۲۲ نفر کارگر مکتبی ۵۶ هم درگیر مبارزه برای برگشت سرکار و جویب میباشند. این آقایان مکتبی که نه شرف دارند و نه عرضه ملکیت داری این اعدا در راه جبهه فرستادند تا از مبارزات آنها در مان باشند و قیل از رفتن آنها به جبهه قول دادند که پس از بازگشت سرکار خود سرسنگردند ولی همانطور که در مورد جبهه جنگ خیانت میکنند در پست جبهه هم تفرقه میاندازند. و در مورد گروگانگیری هم سازش میکنند اما بدون دلیل نیست که حتی سه مکتبی ۶۱ ها هم خیانت کنند. امیدوارم از اینکندنا ماه طولانی شده مرا بخشید و ما شید. فقط میخواستم این مطلب آخر را با نثری به مورد غلظت مدرسیان بگذارم که من و رفقا بیم نهدل به وعده های تو خالی آقای رئیس جمهور بسته بودیم و نه لحظه ای از خیانت و توطئه های انجمن اسلامی و حزب خیانتکار جمهوری اسلامی غافل بودیم. و آقای سرمد رکنی و سرائی اقتتاج بالانشگاه امشب با ما ملاقات کردند و در حرفهای خود هیچگونه پیشنهادی برای ما کارگران فصلی و بیروزگاری تحویل ندادند و ما کارگران هم زیاد بدایشان و حرفهای اول بستیم. مکتبی های خیانتکار هر موقع به ما احتیاج داشتند سراغ ما میآمدند، حالا راهیما بی با تسلیحات دروغ و تظلم هرید مدهی بودن و با حتی موقتیکه احتیاج به برای انتخابات ما داشتند حجب الاسلام حسینی را بدین لایحه گاه میفرستادند و برای اینکه میگردند. یک مطلب دیگر خدمت تمام شما سربازان رورنا مه حقیقت با اید اما فیه کنیم و آن این است که اگر و انما همو هینه به مبارزات ما کارگران بی سرید با بستنی عرض کنیم که ما کارگران آنقدر هوشیار بودیم که کلیه جا سوسسان ریز و درشت را در ضمن مبارزات خود کلا شناختیم. از کله گنده های جا سوسان از صفایان اسم بردم ولی یک جا سوس ریز را هم میخواهم بنما معرفی کنم. اسم این شخص " تقی یار " است که همسراه چند نوجوه دیگر خود را در انجمن اسلامی به خیانت مشغول هستند. الان خلسی از ما کارگران از پالایشگاه اخراج شده ایم ولی حزب جمهوری اسلامی و جا سوس حانه آنها یعنی انجمن اسلامی شرکت نفت " تقی یار " خا شن را ما مور خرید شرکت کرده است. هیچ جای تشجیبی ندارد جا شبکه حزب جمهوری سقیمت از دست دادن خوزستان هرنوع توطئه ای برای کار شکنی در میان مردم راه می اندازد و حتی با بنی مدر هم مبارز کار ی ندارد معلوم است که کارگران شریف و زحمتکش این ملکیت اخراج میشوند و خیانتکارانی چون آیت و " تقی یار " محرم آنها بشوند. دیگر عرضی ندارم. موفق باشید

رفیق ۱۰ ساله عزیز میهمان نامه ای بر محبت و پیرا مید  
 کمک ثابانی را به ما زمان نموده است که در زیر نامه من رفیق  
 ما زمان میباشد.

نامه ای به ما زمان اتحادیه  
 کمونیستهای ایران

من یک تاگرد ۱۰ ساله ای هستم که در کلاس سوم هستم و میخواهم به شما کمک کنم ولی پول ندارم و حقیقت را تا آنجا بی که نمیدانم میگویم و اگر بکنند شما هم بزرگترها هم پیرا هم میخواهند و این سازمان را قبول دارم برای اینکه در جبهه شرکت میکنند و همین ضرورت پیشیده است مثل قاسم. و بر علیه جما قداران حزب جمهوری چپا قدار مبارزه میکنند و من خودم در بر نامه علیه حزب جما قداران در آمل شرکت کردم من ابرقدرتها و نوکران نشان را قبول ندارم چون شما به من یاد میدهند که بر علیه این ها با نیم و ابر سران را از ما زیم. مقدار ۱۵۰ تومان کد پول توحیبی ۳ هفته من است راست شما تقدیم میکنم.

مرگ سر حزب جمهوری خیانتکار  
 رنده ساد همه مردم زحمتکش ایران

علاقه مند ملا در میان ما متاسف کارگران که نمک کلبه  
 کارمندان بالانشگاه بر علیه رژیم مبارزه میکنند ترا گرفتند  
 پس از قدام ۲۲ بیسن اورا از پالایشگاه اخراج کردند که چندی  
 بعد سبک ارتجاع و فدا انقلابیون سرکار خود دونا رد منصوصوب  
 گردید.  
 تنها حویلی که با ظن رو چون سرگرد و علامه بخش میکردیم نام  
 " عده ای از کارگران نلسور " بود.



اخبار کارگری

# مهندسی سلامت وقت سلامت

درگیری پیدا میکنند. با رئیس کارخانه و سرپرستان قسمتها از یکطرف و کارگران از طرف دیگر. نه اوضاع درهم ریخته کارخانه درست و نه وضع کارگران. درحقیقت میتوان گفت که وضع کسب چکترین تغییر نکرده بود. بهر صورت اوضاع همینطور ادامه پیدا میکنند تا اینکه حتی یکروز کارگران میخواستند روی را گوش مالی بدهند که از حرکت آنها جلوگیری شد. و معما رزاده، رئیس کارخانه که رهبری را در دست گرفته بود ابتدا به وی میگوید که دیگری کارخانه نیاید ولی روی این آقا که از سنگ پای ترویین همسخت تر بود علی رغم مخالفتیهای کارگران و رئیس کارخانه سر کار خود میماند تا اینکه یکروز، معما رزاده دستور میدهد که در کارخانه راه بروی ببندند و او را راه ندهند که این کار عملی شد و ایشان دیگر نتوانستند به کارخانه بیایند.

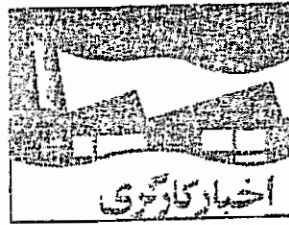
در اینجا قبل از اینکه به ادامه چگونگی اوضاع بپردازیم نقطه ضعفی که در این مبارزه بود را تذکر میدهیم. این نقطه ضعف همانا عدم رهبری کارگران در مبارزه بر علیه مهندسی سلامت بود که نتیجه ای که حاصل شد، که هیچ، در ادامه توضیح خواهیم داد که حتی مهندسی سلامت دوباره به کارخانه باز میگردد. و مادر هنگامی که مهندسی سلامت دیگری به کارخانه نمود موج ترجمینی نسبت به وی بین کارگران بوجود آمد و دلیل این موج ترجم هم دقیقا همان عدم رهبری کارگران در مبارزه بود که نه تنها این مبارزه تا انتها به پیش نرفت و ما هیت مهندسی برای کارگران روشن نشد (عدم فشاری متخص کارگران پیشرو) بلکه با ناتمام ماندنش خواسته های کارگران جوابگویی نشد و تنها این سؤال در بین کارگران ایجا شد که معما رزاده هم که هیچ کار نکرد و شاید مهندسی سلامت میتواند کار را بکند ما نگاهداشتند. اینجاست با یستی برادران و خواهان کارگران توجه کنند که وقتی مبارزه با بر علیه یک فرد جنبه شخصی پیدا کند و از ما هیت این شخص کاملاً افشاگری نشود و خواسته ها هم کاملاً روشن نشوند، چنین نتایجی را هم میتوان دیدن با داشته باشد. بهر صورت جو برای پذیرش مجدد مهندسی سلامت ادامه بود که معما رزاده به جای دیگری منتقل شده و هیئت مدیره کارخانه که هر چند وقت یکبار از تهران به اصفهان میآیند و اطلاع و اطلاع نداشتند که چکاره این کارخانه هستند، یکی از کارمندان با سابقه را بعنوان رئیس کارخانه معرفی کردند و دوباره گفتند که مهندسی سلامت با زحمت هدگشت!! نکته ای که اینجا قابل تذکر است وضع خنده دار این کارخانه است (اگر وقت کنیم عینا همین مسئله را در جامعه می بینیم) که هیئت مدیره اش یعنی "هدگا ره کارخانه" در تهران هستند و هر چند وقت یکبار به کارخانه آمده و همه تصمیم گیریها را انجام میدهند. با زهم سردمداران حکومت حنجره خود را با ره کنند که حکومت از آن مردم است. ما که با ورنخواهیم کرد.

بهر حال مهندسی سلامت در باره با حقوق گزافی به کارخانه آمد و پشت میز عزیز و طویلش جای گرفت. تنها حقوق ثابت ایشان ۱۲۰۰۰۰ ریال در ماه بود که با نزا با خلی خلی بیشتر خواهد شد. در صورتیکه حقوق کارگری که ۲۵ - ۳۰ سال در بک سالن با فندگی یا ریسندگی

کارخانه شهرهای جدید اصفهان یکی از کارخانه نجات نساجی در اصفهان میباشد. این کارخانه حدوداً ۸۰۰ نفر کارگر مرد و زن دارد. پس از قیام وقایع بسیاری در این کارخانه اتفاق افتاده است که آخرین آنها اخراج "مهندسی سلامت" مدیر داخلی کارخانه به توسط کارگران میباشد.

آقای مهندسی سلامت یکی از سرمایه داران و کارخانه داران قدیمی اصفهان است که هنوز هم بخشی از کارگاههای صنعتی اصفهان را خودش و خویشاوندانش در اختیار دارند. این آقا به تفرقه فکنی بین کارگران و اخراج کارگران مبارزه تعطیل کننده کارخانه در مواقع ضروری شهرت دارد. بطور مثال کارخانه "کشور" که گویا متعلق به پدر مهندسی سلامت بسوده توسط جمعی شخصی تماماً فروخته شده و پولش بالا کشیده میشود و خوب مسلماً تعداد زیادی کارگر همسکا میخوند. بلکه این آقا که به وجودش هم رحم میکرد و روشن است که با کارگران چه معامله ای میکند. مثال دیگر اینست که در حدود ده سال قبل که آجرهای کارخانه مقدارنا چیزی با رجه نمیتوان عیدی شد کارگران میدادند، ایشان همین مقدار را هم بالا کشیده و بعد که با اعتراض کارگران روبرو میشد، بالاچاره به کارگران تعالی مرضی برای زیارت متهد میدادند و بعد که کارگران از مرضی برای شروع کار مجدد بازمیگشتند آنها را اخراج میکردند. در ضمن این آقا "نیلروشان" فرماندار اصفهان نیز نسبت و نزدیکی دارد و خلاصه تمام صفات و خصوصیات مهندسی سلامت از ضد کارگری و وی تا خویشاوندی با فرماندار اصفهان، او را شخص لایق برای انتصاب به سمت مدیر داخلی کارخانه شهرهای جدید اصفهان مینماید.

بله، به تومید استاننداری حدود یکسال ونیم قبل این آقا بعنوان مهندسی فنی کارخانه معرفی شدند. در آن هنگام سلامت بدی محصول و کمی تولید و خلاصه بخاطر درهم ریختگی اوضاع کارخانه هم و هم در انتظار راه علاجی برای بهبود وضع کارخانه بودند که رئیس سابق کارخانه ("معما رزاده") بعد از چند ماه وعده و وعده گفت که بزودی یک مهندسی برای اصلاح کارخانه میآید و کارگران هم غالباً از اینکه تنها و تنها خودشان به توسط نیروی مهندسی است که میتواند کارها را روبرو کند با یکدیگر امیدوار انتظار بیشتر شدن وضع کارخانه به توسط مهندسی شدند. اما سابقه و عملکرد مهندسی سلامت چیزی غیر از این را میگفت. این آقا از بدو ورود تا به کارخانه عده ای از سرپرستان قسمتهای مختلف شما سنجایی برقرار میکنند تا زمینه های قدرت گیری خودش را آماده سازد. این اعمال در ظاهر برای بهبود وضع کارخانه و کارگران و بالا بردن تولید و... اما در باطن همان آتش و کاسه ای بود که رژیم مستور پهلوی ۶۰ سال تحویل کارگران داده بود. بهر صورت در مثل است که حتی دود زد که میخواستند به کارخانه سرزند حتی با همه دیگر نیز حرفشان میشود. در مورد مهندسی سلامت و معما رزاده، رئیس کارخانه نیز عینا همین تفسیر اتفاق میافتد. یعنی جناب مهندسی سلامت چیزی برای به انجام در آوردن کامل قدرت و در پی آن به جیب زدن تمام درآمد کارخانه با همه کس



مهندسین

بقیه از صفحه ۲۰

با آن سرودهای کرکننده و گردبینه و رطوبت و کمی نور که هزارو یک مرفی به سر آمده را در در حدود ۴۰۰۰ تومان الی ۴۵۰۰ تومان میبایستند.

استبای رکه مهندس سلامت به کارخانه آمد، بسیاری از رقبای گذشته اش دیگر در مصداق در امور نبودند و مهندسین خوش خیال تصور می کردند که همین برای ایشان است. غافل از آنکه رقبای گذشته اش که کارهای نبودند بلکه خشم و نفرت نسبت به مهندس سلامت در آن سالهای کم نور و مرطوبی موج میزند که کارگزارانش فاقیت نسو دهنی محکمی بدوی و امثالش خواهند زد. بلکه مهندس سلامت دوباره آمد و با رهبران کارهای گذشته خود را از سر گرفت. تمام خواسته های کارگران از قبیل اضافه دستمزد، مشاغل جدید، تقسیم عادلانه کار بین کارگران، آکورد (سود کارخانه) و ... را مهندس سلامت پشت گوش می انداخت و به بیعت و سکول بیکسورد.

تا اینکه حربیات بالا گرفت و به حالت اعتراضی و اشتما بیبای برآکنده و کوچک تبدیل شد. نکته جالبی که اینجا بایستی تذکر داد اینست که اینها رتبه های نیرویی که مشتق را بطرف کله پیوک مهندسین نشانده رفتند، کارگران کارخانه نبود. (البته فعنها و اشکالات مبارزه را بعدا بررسی خواهیم کرد). بطور مثال قبایل از عمده ۱۳۶۰ حدود ۶۵ نفر از کارگران طوماری تهیه کرده و خواستار اخراج مهندسین با ۵ روز مهلت میشوند که چون در این رابطه توده کارگران بسیج نکردند، نتوانستند کاری از پیش ببرند. کارگران ریسنده هم بیعت با کارکنان کارخانه را نه بد آنها شروع به کم کاری میکنند. کارگران با قندگی هم بیعت بدیدی سرود اول و بعد با شین بودن دستمزد ها ایشان اعتراض کرده و خلاصه کارخانه کم کم میرفت که تعطیل بشود که در روز دوشنبه ۳۱ فروردین ۶۰ که همه مسائل دست به دست هم داده بودند، کارگران در محسن کارخانه تجمع شده و به مهندسین سلامت گفتند که از کارخانه بیرون بروند و اینجا همان توده های محکمی که مهندسین و امثالهم بایستی انتظارش را بکشند به پوزه جناب مهندس خورد. مشت محکمی که دستش بر سر همه استکاران میباید. و اما جناب مهندس حتی در آخرین لحظات هم دست از تفرقه افگنی بر نمی داشت و میگفتند "نایدادی که در سین شما نیستند شما را تحریک میباید که کار کرده اند" که کارگران قهرمان کارخانه جناب مهندس را بشمار درش آیکشیده از کارخانه بیرون کردند و مهندسین "سلامت" رفتند به سلامت.

در مورد این مبارزه چند نکته هست که بایستی بررسی کنیم و بشوش دیگر سراداران و خواهان کارگران سرما نیبک از تجربیات با درس بگیرند و در مصارفات خویش بیگناهندند.

۱- اخراج مهندسین سلامت همان توده اول میباید نسبت برای همیشه استعفا بکنند و بیعت اینقدر در حق آن کارگران در دست کارگران سلک در دست متنازاده، رژیم کارخانه بسوزد.

خواسته های کارگران هم بدست روشن نشود ما هیت مهندسین مسوان یک جریان سخوی اثناء نشد، نتوانستند به تمام برسد و در حقیقت دوباره به عقب بازگشت که این موضوع در مورد انقلاب بزرگ مردم ایران نیز صادق است و ما باید خوب جوانان را جمع کنیم و هر کسی را که بغوا هم ما را به عقب برگرداند در جای خودش بنشانیم.

۲- جناب مهندس سلامت که تمام حرکاتش (ا خلال در امور کارخانه، خراب کردن وضع کارگران، تفرقه افگنی بین کارگران و ...) را از آرایش بزرگش یعنی حزب مردم فرب جمهوری اسلامی یاد گرفته است تنها شخصی نیست که در این انقلاب مشغول به انجام "وظایفش" میباید. ما بایستی تمام اینگونه افراد و کلاً این حزب جماع را سرنگون کنیم تا انقلاب خودمان را بنه جلو برد و استقلال و آزادی را بدست آوریم. منظور اینست که مبارزه بر علیه مهندسین سلامت اگر مرفا یک مبارزه اقتصادی باقی بماند، جای شکست را باقی میگذارد. بایستی این مبارزه را تا به آخر برای سرنگونی حزب جمهوری اسلامی و به پیش بردن انقلابمان برسانیم.

۳- پس از اخراج مهندس سلامت زمزمه هایی در کارخانه (مشخصاً از طرف حزبسیا) شنیده میشود که حالا که مهندس رفت، برویم اداره کار (که آنجیم تحت تسلط حزب جمهوری است) یک نفر میبریم داخل بیای و ببینیم که این مسئله بایستی حواس ما را چابای جمع کند و این راه حل را شدت نبرد کنیم. ماده ده ام که بیسه مصداق مثل معروف که میگوید "کسی بخار و دهنش من، جز ناخن انگشت من" هیچکدام از این بایستیها لاجرم با هم تفاوت هم دارند و بعضی از آنها ارتجایی و بعضی هم ملی ولی سازشکارانه می توانند سه دردم ملت برسند. ما بایستی در کارخانه شورای خود را تشکیل داده و همگی مان گردن به فرمان آن نهیم. البته اینجا اضافه کنیم که هم اکنون کارگران کارخانه در شرف تشکیل شورا میباشند. اما از هر طرف که نگاه میکنیم میبینیم که میخواهند شورا را در دست خود قبضه کنند و با لکل بنا بودند کنند. ما بایستی شورای انقلابی که نماینده واقعی کارگران و جوامع بسوی خواسته های آنها و خواهان پیشبرد انقلاب با شورا تشکیل بدهیم. اینجا در سبایی است که از این مبارزه بایستی گرفتار برادران و خواهان کارگران را بایستی فشاری بزوی خواسته های خود وسی در بدست آوردن استقلال و آزادی برای همه مردم مهندسین اتحادمان را محکم تر کنیم.

آهنگین با دمشت رنجبران

زننده با داد تصاد کارگران

کارگران را به میکندیکسروز

همه زنجیر قید و بند جهان

بها میسید بیس روزی

بزرگان

بقیه از صفحه ۱۶

(توضیح آنکه گروه له بسیاری از اصلاحیها پیش را در گذشته از شیخ جلال گرفته است که شیخ جلال هم متقابلاً از رژیم عراق گرفته و می گیرد.) این است خلاصه سبب رنشردای از رفیع واقعی و اسفندنا که شوقدای از مهندسین شهری که چپ شاقای از زوی یک دندگی و خیره سری خود هیرا با حزب دیکرات مشترک استندند که در اوج اعتلاء و "وضعیت انقلابی" سر میسرد و "سرنه" ای از "دمکراسی و آزادی" برای سایر شهرهای دیگر ایران میتواند باشد.

## جای آزادی در بحث آزاد، تلویزیونی خالی!

مردم ایران طی دو هفته گذشته در صحنه تلویزیونی سموندها طی از "آرادیهای سیاسی" راجع در کمیته اسلامی را متا هده نمودند. بحث اول در مورد "دیالکتیک مارکسیستی" و بحث دوم پیرامون "آزادی های سیاسی" موضوعاتی بودند که "آزادی های سیاسی" رایج و نسوع مکتبی برای این مردم تنگ - نشان با رسان آورد!

تا بیدستوان تنها اشکا - لی که برای این صحنه گردانیدهای تلویزیونی گرفت این باشد که شرکت کنندگان در این صحنه ها تقریبا همه اعضاء یک حزب بودند!

شرکت کنندگان در این "مناظره" ها آنقدر در شناسای آزادی بیان و اصل بحث آزاد گفتند. و تقریبا ۱/۳ صحت - های آقا بان معروف چنین امری شد که معلوم بود همه از روی ریا و فریبکاری است. دستگاه تبلیغاتی زادیسو و تلویزیون حزبی که از زمان پیروزی انقلاب تا کنون جزو اصلی ترین ارکان فتنه گری و شقاق افکنی و دروغ گوئی و آزادی کشی و تحریک بوده است، زمانیکه خود را منادی آزادی و اصل بحث و مناظره بدانند، و تازه آنها هم با نثار چند ضربه چاق لفظی بر سر مخالفین، دیگر تکنیکساف مدعویین معلوم است.

اینکه ترکیب خاصی از مدعویین بر روی صحنه تلویزیونی ظاهر شدند، خودگویای واقعیت بزرگتری است که در کل جامعه در جریان است. با صداران استبداد در پرده دین و خط وابستگی و خیانت (حزب جمهوری) در کنار پادشاه

ران منافع سیگانه و استبداد و وابستگی در برده، کمونیسم (حزب توده و اکثریتی ها)، راستی زمانیکه سرکرده چاق بدستان - سفتی مکار - باب بحث آزادی را میگشاید، و بعنوان نماینده حزبی که چشم دیدن مخالف عقیدتی خود را ندارد و دارو دسته های او با شاکاکی و چاق قدر رسمی و غیر رسمی اش در سراسر ملک مستول قتالی و فتنه گری هستند و در عرصه جهانی با سیگانگان نرد عشق میبازند، و منافع ملی ایران را در برابر تالیفات جهان خواران شرق و غرب به صاف میخورند، آری زمانیکه چنین کسانی پیرامون لزوم و اهمیت آزادی سخن سرایش میکنند، معلوم میگردد که هدف چیست و چگونه میخواهند آزادی را بنام آزادی ببرند.

این چه نوع "بحث آزاد" است که آزادی کشان گرداننده و پیش برنده آنند؟ این نوع آزادی های گذاشتنی بی اختیار صحنه های مسخره و دلخاکساز درباری را بپادمی آورد که با کشتارهای هزارهزارشان مشغول ایجاد فضای بساز سیاسی" بودند!

راستی که این چه نوع آزادی است که عوامل وابسته توده ای و آنچه های اکثریتی آنان که بدون اجازه مسکوب آب نمی نهند در این مباحث بطور رسمی و با اجازه مقامات "مالحد" شرکت دارند، و آنگاه هنوز سعادت به آنها رسیده "جاسوسی" برای اربابان همین توده ای و شرکاء، آنهم برای ۱۰ سال بایده در بنسند بنانند. راستی این چه نوع

آزادی و وحدت آزادی است؟ احتیاج به دقت و بسا نکات خاصی نیست که هر کس بشمهد تنها آمانی میتواند از این نوع آزادیها بهره ببرد که نوگرا بر قدرتها و مجیزگویی حزب جمهوری اسلامی باشند. کیا نوری، شوه، خلف شیخ فضل الله نوری، و قاجار اتا بدانجا میرساند که حزب جمهو ری را از هر نوع درگیری در تشکیلاتهای سیاه جماعتداری و سرکوبگرانه برامیمازاد. این است هدف تشکیل چنین سباحشی و با چنین ترکیبی.

آری بحث میان آقا بان - نی است که در صحنه تلویزیونی چه "فریقا" را ند از خود نشان میدهند، و خود را دایسه مهبران تر از ما در بر ای آزادی های سیاسی معرفی میکنند، و در صحنه واقعی اجتماع یکی ۳ بدست آدمکشی میکنند و دیگری نقش حاسوی حزب حاکم را در پیگرد نیروهای انقلابی ایفا مینمایند (چنانکه یکی از با زحویان یکی از هواداران دستگیر شده ما در اطراف امضیان در مقر سیاه پاداران از اکثریتی های خود فروخته بوده است). بی جهت نیست که چنین ترکیبی در صحنه تلویزیونی به بحث می نشینند، چرا که در عرصه جامعه سرای سرکوبی انقلاب و انقلابیون و هرگونه صدای آزادیخواهانند عقد وحدت سیاهی میان نشان بستند است.

هدف حزب جمهوری و عوامل وابسته اش (چگون عباد الکریم سروش - که بسیاری از سرعقالات ضد مجاهدی روز - نامه شهیر جمهوری اسلامی منسوب به اوست) از شرکت در چنین سباحشی تنها پوشانیدن

چهره واقعی خود با نقاب دروغین آزادخواهی بود. هدف خام کردن اذهان ساده اندیشان بود تا توطئه های کودتاگران و بلبوا هائی که حضرات حزبی در سردارند، از اذهان مردم پوشیده بماند. در واقع هر زمان که سران حزب حاکم از آزادی دم میزنند - نشانه ای برای سرکوب بیشتر آزادی در سردارند.

لیکن هدف حزب توده و نوچکان فدائیشی همانطور که بخوبی از متن صحبت های طبری و کیا نوری پیدا بود، نه اراشه نقطه نظرات مارکسیستی - که فاقد آنند - پیرامون دیالکتیک و آزادی های سیاسی، بلکه کوشش در جهت جلب همکار ریاچی بیشتر میان خود و حزب حاکم بود. حتی کیا نوری برای جلب حزب جمهوری شوروی با دستپاچگی تمام از سبشی خواست تا حتما به روسیه سفر نماید و از "نزدیک" با مقامات و واقعیات روسیه تماس حاصل نماید. چه بهشتی که دستکم یکبار با هوپزرها نشست و برخاست داشته، با لاف و با بستی به این ابر قدرت دیگر هم سری بزند. برای احسان طبری که دوست میدارد خود را صاحب نظر در فلسفه مارکسیستی بنامد، نه توضیح و تشریح مفاهیم فلسفی مارکسیسم، بلکه کوشش در جهت وصل کسپردن و صله های ناجور ایدئالسیسم مذهبی با مکتب رومیزیونستی خود بود، تا رسیدن به هدف جبهه و احداث تجاهی خود با حزب راجنبه و تئوریک و نظری بدهد. او برای رسیدن به این جبهه و احداث تجاهی با حزب جمهوری از دیالکتیک مارکسیستی یک تعبیر سراسر رومیزیونستی ارائه داد. برای احسان طبری و فدائیشی ما رگسیمنه سمتا به علم انقلاب، نه به مثابه فلسفه طبقه که رگر، نه به مثابه راهنمای عمل انقلابی، بلکه یک وسیله (بنتیه: صفحه ۲۶)

# باز هم يك توطئه ارتجاعی دیگر: درباره لایحه قصاص

جستجوی رهایی و ترقی و سعادت به میدان آمده اند و بکوری چشم همه مرتجعین مبارزه را شیبخشی را که اینان با این لوائح به آن دهن گچی میکنند تا پیروزی ادا می خواهند. کدام دیده نگران انقلاب است که با دیدن این توهینات و جسارت ها که از جانب مشنی میرغصب قرون وسطایی بر ملت تحمیل میشود نگران نشود و کذا مدستی است که در برابر این رذالت ها به مشتی گره کرده مبدل نگردد. سه سال پیش از این جهان به انقلاب آزادخواهان این خلق بیدیده هیرت میگریست و از اوچ گیری مبارزه فدا میری بالیستی که توجه همه نیروهای ترقیخواه جهان را جلب کرده بود هنوز دو سال نگذشته است و اینک امپریالیسم خونخوار ربه خیا نستی که سران دولت مکتبی در آن قرار دادند تنگین الجزایر مرتکب شده اند مینگرند و به ملت ما بوز خند میزنند. اینک دزدان دریا بی بین المللی بد تمکینی که دولتیان خیانت پیشه در قسار دادهای تالیبوت و کروب و کذا از غرب میکنند مینگرند و ما را به ریشخند میگیرند و اینک با این لایحه قصاص و این قوانین عتیق سران مکتبی دولت و مجلس و... ملت ما را به مضحکه جهان نیسان مبدل میسازند.

لایحه قصاص بر اساس بینشی ارتجاعی و بوسیده تدوین شده است که با خصوصیات عصر کنونی که عصر رهایی بشریت استبداده است هیچ خوانایی ندارد. در شرایط کنونی این قانون تنها بیانگر جلادی های فئودالیایی از نوع ملاحسنی و هم قسا نسان اودریا بتخت و همچنین زیور آلات قاشیست بازی های حکام مستبد هژی است.

در همین ماد طول سالها روشنفکران ملی و مذهبی در برابر هجوم فرهنگ خوارکننده استعماری ضرورت بازگشت به خویش خویش به فرهنگ اصیل قومی و میراث فرهنگی تاریخی ملت را مطرح کرده اند. سران مستبد حاکم نیز در دوره های اخیر هنگامی که از پرمه زدن در مواهل دریای مدیترانه فراموشت یافتند و همچون بختگی بر سر نوشت این ملت جنگ زدند از این روحیه عمومی مردم برای مقابله با فرهنگ استعماری در جهت توجیه مطامع خود سود جستند. اما امروز دیگر ربه دیده حقیقت بینی میتوان احساس کند که این "رحمت به خویشین" بسرای مرتجعین معنایی مگر رجعت به آن خویشین شکم پرست و شهوت آلود و ستمکار سلاطین و میر قضا ن دربار سلاطین شرق نبوده است. با این قانون های کذابیی نقش رجعت به دوران شاه سلطان حسین صلیبی در میبین ما پیاپی میخورد. منشئی آن سلطان حبشینی که به قدر محمد رضا تا به بیگانه پرست نوکرا میریالیست های بیگانه هم هست! پیشتی ودا رودسته و حزبش که این لایحه کذابیی را به مجلس برده اند همان کسانی هستند که امروز سرمدار استبداد دو خیانت ملی در این سرزمین شده اند. و این لایحه هم مانند تمام لوائح دیگری که به مجلس میبرند و بکمک نوکران نشان در آنجا به تصویب میرسانند و بر مقتدرات مردم حاکم میگردانند جزئی از نقشه های پلستی است که سرای درهم شکستن انقلاب، ایجاد شتر قبا و بر سر کار آوردن یک حکومت خودکامه و وابسته به بیگانگان طرح ریزی کرده اند.

" هرگاه شخصی عضوی از اعضای اصلی کسی را قطع کند باید عضو اصلی مانند آن با رعایت تساوی محل مسجود قصاص فرار گیرد و اگر عضو از شدی مانند انگشت زانگه (۱۴) کسی را قطع کنند باید عضو از شدی مانند آن با رعایت تساوی محل قصاص شود و اگر جانی عضو از شدی مانند عضو زانگه جنبی علیه نداشت با بیدیده آن را بپردا زد. ( ماده ۲۹)

" هرگاه کسی که محکوم به سنگا شدن است (۲۱) از جاله ای که در آن قرار گرفت فرار کند در صورتیکه زنای او به شهادت ثابت شده باشد بر گرداننده میشود تا حدی را وجساری گردد و اگر به قرار وثا بت شده باشد و فرارش هم بعد از برخورد ولو یک سنگ با شد بر گرداننده نمیشود ولی کسی که محکوم به تازیانه باشد و فرار کند در حال بر گرداننده میشود تا حدی تا زنای او جاری گردد! " ( ماده ۱۱۵)

" حد شراب خوردن هشتاد تا زیا نه است چه مرد و چه زن " ( ماده ۱۴۰)

" هرگاه چندین شراب بخورد و بعد از هر بار حدی را وجساری شود در مرتبه سوم کشته میشود! " ( ماده ۱۳۴)

" در قصاص عضو تساوی محل معتبر است با اینکه در مقابل قطع دست راست یا بدست راست جانی قطع شود و اگر جانی دست راست نداشت میتواند دست چپ او را قطع نمود و چنانچه دست چپ هم نداشت میتوان پای او را قطع کرد! " ( ماده ۶۲)

" هرگاه شخصی دندان کسی را بشکند یا بکند یا رعایت تساوی محل اصلی یا زانگه بودن آن مورد قصاص واقع میشود و اگر جنبی علیه قبل از قصاص دندان جدیدی در آورد (۱) در صورتیکه دندان جدید او ظالم باشد، چیزی جز تعزیر بر جانی نیست و اگر معیوب باشد جانی باید سبقتفاوت بین دندان سالم و معیوب را بپردا زد " ( ماده ۷۸)

" اگر پدر و یا جد پدری فرزندی خود را بکشد قصاص نمیشود بلکه با بیدیده قتل را به ورثه مقتول بدهد و حاکم شرع او را تعزیر نماید... " ( ماده ۱۶)

به جملات بالا دقت کنیم! آیا اینها بخشی از آداب جاوده گران در قرون وسطی است؟ آیا اینها صفه ای از کتساب باستان شناسی و تاریخ تمدن عتیق است که قرار است بساز انقلاب فرهنگی در دانشگاهها تدریس شود. نخیر و شما هم در سست حس زده اید، اینها جزئی از آن قانون جزائی است که قسار است و فردا بر سر نوشت اتباع این کشورنا ظریا شد. اینها اجزایی پراکنده لایحه کذابیی قصاص است که مجلس شورای اسلامی این روزها به بررسی آن پرداخته است.

آیا توده مردم قهرمانی که بساط ۲۵۰۰ ساله سلطنت قرون وسطایی را از جای سرکنده است، میتواند سیر قوانین بوسیده ۱۴۰۰ سال پیش از این بشود؟ ملت ما در انقلاب بزرگ بسرای استقلال و آزادی و برای حکومت خودشان قیام کرده اند. ملت ما در مبارزه برای نابودی سلطنت و استعمار در این سران در

قصاصی

مقتدا از صفحه ۲۳

" قتل عمدی موجب قصاص است لکن با رضایت ولسی دم وقتا تل به مقتدا ردیده یا مبلغی کمتر از آن با زیادت سیراز آن تبدیل میشود "

به این ترتیب هر قتل عمدی در صورتیکه قاتل از "امکانات" و "مکنات" کافی برخوردار باشد میتواند با پول قابل خرید شود. با در نظر گرفتن موقعیت بوده های محروم در کشور ما می توان به سادگی دید که چگونه با تکبیر روز و ریسبسیاری از جانیان توانگر بتوانند به لطف همین ماده از مجازات معاف گردند.

با در ماده ۴۶ آمده است که هرگاه مردی زنی را بقتل رساند ولسی دم مخیر است بین قصاص یا پرداخت نصف دیه کامل به قاتل و بین مظلوم دیه زن از قاتل

در اینجا غیر از مسئله برخورد تبعیضی که نسبت به مردان در مقابل زنان شده است و ما در دستور بعدی آن را با درخواستیم گفت اجرای با مطلق " قصاص " منوط به پرداخت مبلغی به بازماندهگان قاتل شده است. یعنی در این مورد اگر خانواده زن مقتول توانایی پرداخت نصف دیه را نداشته باشد قاتل از مجازات اعدام معاف خواهد شد. بطور نمونه در روز شنبه دوم خرداد ماه ۱۳۶۰ در تبریز زن ۲۵ ساله ای همراه با ۲ فرزندش به قتل رسیدند. در رابطه با این جنایت شوهر مقتوله با زداشت شده است اما اگر شوهر قاتل با خدمتیا در صورتی مجازات اعدام به او تعلق خواهد گرفت که خانواده زن بتوانند نصف دیه را به خانواده مرد بپردازند و غیر این صورت قضیه با مقدار پول نعیطه خواهد یافت. و از این نمونه که ساعات مردم در برابر قاتلون رصاصا تابع امکانات مالی نامتساوی آنها میشود بسیار است.

در این رابطه ذکر یک نکته دیگر هم لازم است و آن اینست که در ارتباط با چگونگی اشیاء دعاوی مدکن اقرار، قسم و شهادت اساس قرار داده شده است. از " قسم " که نمونه اش در رای امور آن سؤگندگذا نیست که بنا بپندگان اکثریت در مجلس شورای " پاسداری از استقلال کشور و آزادی مردم و تامین مصالح آنها " یاد کرده اند در میگذریم. نگفته بید است که وقتی با چندین استقلال کشور و آزادی مردم را گد مال میکنند اعتبار رقم های دیگر در جامعه ای که اینان قانونگذاران باشند چه خواهد بود! اما در ارتباط با مسئله " شهادت " بعنوان یکی از ارکان اشیاء دعاوی و شرط کافی برای اشیاء یک جرم با بدگفت که به این ترتیب یک جریان وسیع شهادت های دروغین در رای صبا لغ مصیبتی از شروت مالداران بر آید خواه اعدا فتاده که با هم در جهت گسترش بیعدالتی ها و در خدمت به توانگران خواهد بود. ذکر یک ماده از لایحه قصاص در این رابطه حاوشوخه است. ماده ۲۲ می گویند:

" هرگاه دو مرد عادل گواهی دهند که زید مثلا قاتل فلان شخص است و دو شاهد عادل دیگر گواهی دهند که قاتل او عمرو است در این مورد هم تماما منساق است و هم دیده "

برای روشن شدن مطلب به یک نمونه رجوع میکنیم. روزنامه ها نوشتند که آقای کمال گنجه ای در شیرستان رشت مستاجر خانه پدریشان را با گلوله از پای در آورده است. حال آقای کمال گنجه ای در همین حال از گردانندگان مکتبی روزنامه "صبح آزادگان و همچنین از مدیران شرکت سیما می خاص صبح آزادگان که در کار واردات کالاهای مشمول است میباشد ( رجوع کنید به " حقیقت " شماره ۱۱۰ صفحه ۱۲ ). بنا بر این اگر آقای کمال گنجه ای بتواند دو شاهد عادل تهیه کند ( و این از مجامع است انسانی ) عادل " که در مکتب آزادی ایشان شراوان بیانت

در باره قوانین جزایی بطور کلی سخن بسیار میتوان گفت و ترس از آن است که طولانی شدن کلام ما را از پرداختن به جزئیات تا این لایحه بازدارد. ولی حداقل سخن اینست که امروز دیگر این یک واقعیت پذیرفته شده است که در ارتباط با قوانین جزایی اصل یا بد برای اجداد آن شرایط اجتماعی باشد که در آن عدالت اجتماعی برقرار بوده زمینه ایجاد جنایت نباشد که در آن فحشاء و سرفقت و اعتیاد و جنایت همه بیماری های اجتماعی هستند که بر اساس استثماری طبقاتی شکل گرفته اند و بنا بر این بنا زمانیکه طبقات وجود دارند، این بیماری ها هم کم و بیش موجود خواهد بود.

زمانیکه آفت فقر در جامعه ای که بر اساس استثماری اکثریت بطور مطلق منتهی زور و تعدد و ثروت و تعدد ثروت و فقر است و قریباً نسی می تولید، زمانیکه بیکاری سرفقت خیل عظیمی از مردم بسنگ میزدی میگردد و زمانیکه بجای یک فرهنگ انقلابی خلقیسی ارتجاع فرهنگی در شکل های استثماری و فئودالی و بورژوازی - آس و آس میاید، آنگاه جنایت یک امروز مریه میشود. سرفقت به انواع مختلف رشد میکند، اعتیاد به مشروبات الکلی و مواد مخدر و بیاض مردم از خود میگذرانند و فحشاء و سرفقت بسیار می - کرده که در جامعه ای تا لم می توانستند نقش شایسته ای ایفا کنند. بنا بر این قبیل از هر چیزی باید برای مقابله با جنحه و جنایت همه ریشه در درپرداخت و پیدا است و گفتنی همندار ده که جز بیون حاکم که خود مظهر مفاصداست در این بنا زه سخنی نداشتند که بگویند! اما از نظر قوانین جزایی که بهر حال برای یک دولت انقلابی هم تا رسیدن به جامعه ای طبیقه و فارغ از استثماری و ستم لازم هستند، چرا که رنده در تدوین قوانین انتفا موقاصی بلکه در تدوین قوانین قضایی است که اولاً در جهت پیشگیری جرایم باشد و آنگاه هم صیارات ها در جهت تربیت و اصلاح مجرمین بکار گرفته شود، نند اینست که هر روز به خیل معلولین در جامعه بعنوان اجرای قصاصی افزوده شود!

بروای این لایحه ارتجاعی آنچه ان است که به جرئت میتوان گفت هیچیک از طبقات خلق و هیچ عنصری شرفی در جامعه ما با اجرای آن موافق نیست و نمیتوانند باشد. تنها مکتبی بصفت فطرت از ستمگران دولت و حزب مزدورها کم، که بوشی از شرافت و آدمیت نبرده اند و چون وحوش بیابان می اندیشند، میتوانند از اینگونه لواط طرفداری کنند.

لایحه قصاص بر علیه توده زنجیران و زخمیگان جامعه ما طرف توانگران را میگیرد

بطور کلی در هر جامعه ای که ستم استثماری ریشه گسبان و استثماری رکنندگان موجه شمرده شود قانون با طبع سوخته کنشده استثماری نسبت به توده های تحت ستم است. اما در لایحه قصاصی کنشوی این مسئله به سزاقت تمام مطرح میشود. مثلا ماده ۴۵ لایحه قصاص چنین میگوید:



قصاص

بقیه از صفحه ۲۴

میخورد، دشوار نیست) که ایشان قاتل نبوده بلکه قاتل شخصی دیگری است " در این مورد هم قضا ماقط است و هم دیده! " و به این ترتیب با رد دیگر توانگران بلطف لایحه قضا مامت زورگویا - نه، خود را بر " متضعین " خواهند کوفت!

" اگر پدر یا جد پدری فرزند خود را بکشد قضا می نمیشود بلکه باید دیه قتل را به ورثه مقتول بدهد و حاکم شروع او را تعزیر نماید. " صحبت از حمایت از خانواده کرد!

در ماده ۱۹ لایحه قضا می هم نکته ای هست که از نظر توجه به حقوق کودکان درجا معما شرتوجه میباید.

" هرگاه بالنی نابالغی را کشت قضا می میشود لیکن بهتر است اولیاء دم برای رعایت احتیاط شرعی از قضا می صرف نظر کنند " در بها را زادی! چشم مکتیبون روشن!

لایحه حقوق زنان و کودکان را پامال میکند لایحه قصاص و خدمت حکومت و توهینی به مقام زن است استبداد زنی ولوای دین

این " رعایت احتیاط شرعی " که در ماده ۱۹ از آن صحبت شده چیست؟ در این رابطه تنظیم کنندگان لایحه قضا می در سطوح مختلف این لایحه از آنچه استبداد شرع را درجا معما ما بیروشنی مطرح میکنند مخفی کرده اند. اما نباید گمان کرد که اینگونه استبداد در لایحه قضا می جایی ندارد. مثلا در ماده ۲۳ میگوید: " قتل نفس در صورتی موجب قضا می است که مقتول شرعاً مستحق کشتن نباشد. پس اگر مستحق قتل باشد مانند کسی که به پیا مبر یا ائمه اطهار (ع) یا حضرت زهرا (ع) دشنام میدهد یا کسیکه بحریم انسا ن تها جم نموده و دفع آن جز با قتل مبر نشود یا آنکه شوهر کسی را در حال زنا با زن خود ببیند که کشتن هر دوی آنها برای شوهر جایز است .... " و این مفهوم کمائی که مستحق قتل هستند، آنچنان که گذار است که نه تنها به آن نمونه های ذکر شده در بالا محدود نمیشود بلکه به اراده حاکم شرع میتوانند هر انسانی را بخاطر اعتقاد او در بر گیرند. نگاهی به مواد ۶ و ۷ لایحه قضا می این مسئله را تا حدودی روشن میکند:

ماده ۵: " اگر مرد مسلمان نی عمدا زن مسلمان نی را بکشد محکوم به قضا می است ولی .... "

ماده ۶: " هرگاه زن مسلمان نی عمدا مرد مسلمان نی را بقتل برساند فقط محکوم به قضا می است .... "

ماده ۷: " هرگاه کافر ذمی عمدا کافر ذمی دیگر را بکشد قضا می می شود گرچه پیرو دودین مختلف باشد. "

در اینجا سؤال این است که بکار بردن صفاتی که ناشی از عقاید طریقین جرم است به چه دلیل مطرح شده است و واضح تر از این سؤال این است که مثلا اگر یک مرد مسلمان کافر ذمی از دین دیگری را بکشد یا کمونیستی را بکشد تکلیف چیست؟ آیا ایمن نیست که آن پسوندهای عقیدتی در خدمت توجیه این جنایات و مباح دانستن خون " منافقین و کفار ... " که این روزها بسته همه کس اطلاق میشود، خواهد بود. آیا جنایات ملاحضتی در کردستان با همین حرفها توجیه میشود؟ آیا اعدام کارگران و دانشجویان کمونیست و مجاهدو ... با این لایحه قضا می برده پوششی شرعی نخواهد شد؟ مواد فوق از ماده ۵ و ۶ و ۷ گرفته تا ماده ۲۲ که از مستحقین سرگ نشن عمدا ردا ز روح استبداد تکیه کرده است مکتب رایج شکنجه گران " بقیه در صفحه ۲۴

حکومت استبداد زنی ولوای دین در هر عرصه ازجا معما ما که بعد جلوه در آمده است یکی از مشخصات تحقیر و توهین نسبت به زنان درجا معما بوده است. ما در هفته گذشته در بحث پیرامون لایحه حجاب جنبه های از این قضیه را با زگو کردیم. اینک لایحه قضا می سنده دیگری از تحقیر فکری شریعت پرستان مستبد را در این مسورد آشکارا میکند.

بطور کلی در این لایحه برخورد تبعیضی نسبت به مردان و تحقیر زنان در حد یک انسان درجه دوم بوضوح چشم میخورد. مثلا در مبحث مربوط به " شهادت " گفته میشود که قتل عمد فقط با شهادت دو مرد عادل یا یک مرد عادل و دو زن عادل ... ثابت میشود. البته همه میداند که این برخورد تحقیر کننده نسبت به زنان در جمهوری اسلامی مسئله تازه ای نیست و از مبانی مکتب حاکم بوده و در قانون اساسی حکومت نیز در اصل بیست و یکم این مسئله به ظرافت خاصی گنجا نیده شده است! اما در قضا می چه در موردی که ذکر شود وجه در بخش های دیگر این مسئله به صراحت بیشتری مطرح میگردد.

در ماده ۵ میگوید اگر مرد مسلمان نی عمدا زن مسلمان نی را بکشد محکوم به قضا می است لیکن با بدولی زن قبل از قضا می قاتل نصف دیه را به مرد قاتل بپردازد. حال روشن است که اگر وراثت یا اولیای زنی توانایی پرداخت نصف دیه را نداشته باشند یا شند یا املا بدلالی از این قضیه در گذرند مجرم بی مجازات باقی میماند.

کمائی تلاش کرده اند تا برای این اهانن آشکار به زنان کنه آنان را تابع مسائل مالی قرار داده است توجیهاتی بتراشند. مثلا گفته اند که گویا این ماده در خدمت خانواده قاتل است تا در صورت مجازات او دارای امکانات مالی باشد و بتواند تنه معیشت خود را سامان دهد! و خلاصه این حکم صریحا تحقیر کننده که در ارتباط با زنان ما در میشود، ناگهان بلطف بصله به یک حکمی که در خدمت حمایت از خانواده وزن و فرزندان قاتل است تبدیل شده است. اما کسی نیست که بپرسد اگر سرسختتیر زنان نیست چرا در هنگامیکه قاتلی مردی را بقتل میرساند این چنین حمایتی " حمایت از خانواده " در کار نمی آید؟ آیا غنده آرنیست که در باره لایحه ای که در ماده ۱۶ آن آمده است،

## قصاص

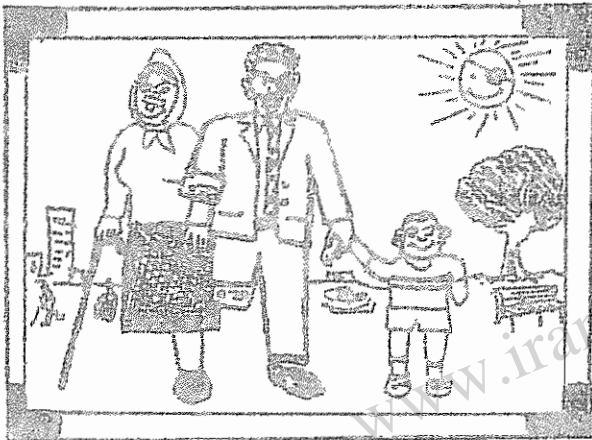
شماره ۲۵

کتابسوزان، جماعتداران، پانزدهم، سران مکی حزب جمهوری اسلامی است، سرشار است. با اسلابندنامی به این ترتیب بنیادین همه مالک و مذاهب و نژادها اعلان جنگ داده شده است و آنان را بیعت با شما شای دست دوم و ناسرادر در جا صدمه تکتی کرده اند. و از این نظر هم امتداد زیرلوی مذهب در جامعه ما برقرار می شود.

یکی از متکلمین حاکم که اتفاقاً مقام مهمی نیز در دستگاه های سرکوب حاکمه کشوری داراست، زمانی گفت که ما در اسلام زندان نداریم! بگذریم از اینکه این شخص یعنی آقای ابولقاسم سرحدی راده، خود از سرپرستان زندانها در رژیم جمهوری اسلامی است، ولی بهر حال وی در جایی سخن خود را به این صورت اسلاج کرده بی جای زندان را پدید برای زندانهای گورستان تشبیه کرده! لایحه قضایی دقیقاً این مسئله را منکس میکند. اسناد ادینی مستکس در این لایحه همراه با تخریر مکتوب تنظیم کنندگان آن از بنگه مکتوبات مغالطه فین عقیدتی را تحت عنوان "قتل شرعی" توجیه میکنند و از سوی دیگر برای سر تکبیر اعمال جنحه و جنایت نیز بجای زندان از مجازات های قرون وسطایی مانند حدود دست بریدن و... استفاده میکند. این لایحه از این نظر نیز دقیقاً ۱۴۰۵ سال و شایه بیشتر از این از اوضاع جامعه و دستاورد های بشری در مورد شیوه جرم شناسی و تادیب سرکشان عقب افتاده است!

طرح لایحه قضایی در واقع تحقیق یک آرزوی ارتجاعی است که مستبدین حاکم اراض ناشیستی و ضد بشری خود را با آن ارض میکنند. اگر این لایحه به قانون مبدل شود (که البته با بسند گفت در حکومت های ارتجاعی عربستان سعودی و پاکستان بدون نمونه اینگونه قوانینی وجود دارد) اولاً از دیساده مطلوب یعنی که در جامعه در شرایطی محدود مربوطه بوجود می آیند شایه رشدنا رفیاتی ها در میان مردم، ثالثاً، رشدنا برای افراد بخصوص در ارتباط با شخصیت زن در جامعه، رابعاً، رشدنا در ارتباط با شهادت های دروغین و... خامساً، هرج و مرج قضایی و... در جامعه ما بوجود خواهد آمد. لایحه قضایی به این معنی دقیقاً یک لایحه ارتجاعی است که ماهیت حزب جمهوری یعنی طراح آن را بعنوان چیزی از قضاوت حاکم قاضیست در بیستان سعودی و پاکستان نشان میدهد. در عین حال لایحه قضایی وسیله ای در دست محافل ارتجاع سلطنت طلب و طرفداران بختیار و بیسی و دستگران و اربابان امیری است که خود را با موجوداتی از آن مردم با درجهت به نظام سلطنت محدود قاضی فرا خوانند. و بنا بر همه این علایل و عوامل، ضروری است که نیروهای انقلاب یعنی و ترقیخواه همه مردمی که سه پیروزی انقلاب و سوادت ملت دلسسته شده ما رزه بر علیه این لایحه گذاشتن بخریزند. ما رزه سر علیه این لایحه ارتجاعی در واقع ما رزه بر علیه جریان خودست کانه و انحصار طلب حاکم است که در وجود قدرت حزب جمهوری اسلامی تصور مینماید. تا زمانی که این لایحه در دسترس نرسد یعنی حاکم ما شهنشاهان لایحه تشبیه اینگونه لایحه و میساست ها را به روز است بلکه هر روز نیز با ما داشته اند افزوده میشود. در ضمن حاکمان

با بد توجه دارند که بین متفرق با شهنشاهان محمول طبیعی حکومت خود کانه انسان است بلکه در ابتدا آب در آبیاب اخیراً با لایحه و ارتجاعیون سلطنت طلب و در تجسین دیگر نیز میبیزد و بیست برای سن ما رزه نعال تا این ضرورتی مدعیان معیابند. برای گزندستیار همه آزادیخواهان ایران انششاء و ما رزه برای درهم کوبیدن این دسیسه های ارتجاعی اهمیت حیاتی دارد. در آینه شدن مسائل فقهی با امور حکومتی در جامعه ما که مدتهاست توسط کشوریستها مورد انتقاد قرار میگردد، به ظهور دارنده طایر مستند و وطنشروشی مانند حزب جمهوری اسلامی پا سیده هویک چنین رسواشی ماضی ما شهنشاهان لایحه قضایی را بیار می آورد. مسئله تفرقه بیند رستی، قضیه حاکم اب اجباری و پانزدهم این لایحه قضایی با پدیده را بخود آورده باشد، مردم ایران را انقلابیون از هر ترقی و صلح و مذهب با بسند بر علیه این توطئه ها بیخیزند و برای نجات انقلاب و کشور ها کمر بستند و ملی و اعتمادی حزب جمهوری اسلامی را سرنگ کنند و حکومت خودشان، حکومتی که با عن آزادی، وحدت و ترقی مردم ایران باشد بر کار آورند.



عکس فوق یک خانواده خوشبخت ایرانی را بسند از با جواد در آن نشان قضایی در سطح کشور نشان می دهد!! (اختصاصی از آلبوم خانواده های مطلوب شما)

بقیه در صفحه ۲۲

## بحث آزاد

شما چگونه که ستمیستین حزبی و چاکران ما رکتیست - شای آنان در جهت ستمیستی علیه انقلاب و ملت ایران گام بر میدارند، در پیرو ستمیستای انقلابی و ستمیستی که اندیشه ای جز اجازت و ستم استقلال می بینند، توأم با کسرتی انقلاب دستاورد های آن نهادند، فسوس است که در جهت تشکیل جبهه ای از همه نیروهای ستمیست و انقلابی گما پیرنا کشوده - های مردم ایران با هم ساز میسرای مرادها کشی و سرکوب ایستادن جرمش این شایه ستمیست از انقلاب ایران شایه است.

برای همسر شدن با مستبدین حزبی (شما چگونه که ما رکتیست این چنینی آقایان توجیه گیر همکاری با توأم سلطنته شما شده) میبیزد، پیچیده نیست کسیه سازی در مکتب، خبیانت بسند انقلاب، توجیه انحصار طلبی - های حزب حاکم را شایه بسند تشریح اسیرانی وسی نسراز ما رکتیست - لایحه ستمیست ما شهنشاهان ملی حاکم های آقا بسند توده ای و سرکوب را تشکیک بسند حیات.

# چگونه فدائیان اکثریت به چشم مردم

## گرم دره خاک می باشند

از منضمات سازمان رویزیوسیستیا - حاشین به خلق و طبقه کارگر - دروگون - شی و شغلازی ، دگرگون جلوه دادن واقعیت ها و نشان به رخ روز خوردن را میتوان بشمار آورد . ما زمانها و احزاب رویزیوسیست از بی اطلاعی و نا آگاهی مردم کمال سوء - استفاده را کرده و در جهت تحمیل شده های خلق و طبقه کارگر از هیچگونه خدمه و فریب تحریف و فرصت طلبی پرهیز نمیکنند . اینان برای توجیه سیاست های خویش با تراشیدن یک خورنده خیالی شب را روز جلوه داده و گاهی با ایجاد برده های از دود موهومستی در پنهان ساختن خورشید و روز را شب جلوه دادن ، میکنند .

ما زمان "فدائیان خلق" (اکثریت) دیرزمانی است که به ورطه رویزیوسیسم ، خباثت به خلق و طبقه کارگر ، در غلتیده و مشخصاتی را که در بالا بدان اشاره کردیم با خود حمل میکنند . این سازمان همچون نراد در بزرگش حزب بوده ، بنا لگدمال کردن آرمانهای انقلاب ایران و منافع طبقه کارگر و توده های زحمتکش ، از سینه خوندیشا به پیری برای محافظت از ارتجاع جدید یعنی حزب جمهوری اسلامی و دولت فدا انقلابی است دست آن استباه بجوید . فدائیان سازمان از آستان بومستی در دروگانه حزب ارتجاعی خاکم ، کسب پروانده جهت "فعالیت آزاد" در خدمت ناپستی و انقلاب و راسته داشتن ایران به امیر بالسم شوروی است . در زیر پرچم خود سه یک واقعه زنده ، منقض ، جوانی از سیاست های خائنه ایسی

سازمان را می شکافیم .

دراواخر فروردین ماه گذشته ما مورین مسلح دولت جمهوری اسلامی مرکب از گروه ضربت سپاه پاسداران ، ژاندار - مری و شهر بانی همراه با چند دستگا ه بولدوزر ، در نیمه شب به سروقت کارگران و زحمتکشان آواره و بی خانمانی میروند کذا ز قوط استیمال به گرم دره (واقع در ۵ کیلومتری کرج) بنا ها آورده و با بنا کردن آلو - نگهائی ، سرپناهی برای خود و خانواده هایشان ساختند .

ما مورین دولت و سپاه پاسداران بدون هیچگونه احتیاط قبلی شبانگه بولدوزر را زرها را بکار انداخته و آلودگی زحمتکشان ساکن در منطقه را بر سرشان خراب میکنند . ما مورین مسلح هنگامیکه بسا مفاومت ساکنین آلودگی ها و دیگر اهالی گرم دره روبرو میشوند ، جهت ایجاد ترس و وحشت به شیوه های محمدرضا شاه متوسل شده و به شلیک تیرهای هوایی و زمینیی مبادرت میورزند . جوینان تخریب آلودگیها و مفاومت مردم زحمتکش گرم دره حدود ۴۸ ساعت بطول می آید و در این عملیات ما موران مسلح دوشنرا گشته و چندین نفر را مجروح میسازند و بیش از یکصد نفر دستگیر و به مقر سپاه پاسداران کرج برده میشوند . (برای شرح مفصل واقعه به "حقیقت" شماره ۱۱۸ رجوع شود) حال بسینیم با زحمتکشان "فدائیان خلق" (اکثریت) واقعه گرم دره و عمل دولت جمهوری اسلامی را چگونه گزارش میکنند :

"در او خرفته گذشته گروه ضربت شهر بانی بسا همکاری سپاه پاسداران و ژاندار مری یک بار دیگر به خراب کردن آلودگی های گروهی از زحمتکشان در منطقه گرم دره (۵ کیلومتری کرج) اقدام کردند . بدینال تخریب آلودگی های فوق بین گروهی از سردم منطقه با موران درگیری روی داد و صبح روز جمعه نیز گروهی به عنوان اعتراض به عمل فسادت ها ده های تهران - کرج را دست و پا کردند .

تجمع مردم با دخالت سپاه و دستگیری ۱۳۵ تن از ۲۰ اعتراض کنندگان پایان یافت . مردم گرم دره صبح روز شنبه با ردیگردست به نظرات زده و در مقابل مقر سپاه پاسداران کرج اجتماع کردند . آنها خواهان آزادی دستگیرشدگان و روشن شدن وضع خانه هایشان بودند . اما بجای هرگونه جوابی ، ۱۰ نفر دیگر از مردم اجتماع کننده توسط سپاه دستگیر شدند . ("کار" ، ارگان سازمان فدائیان خلق - اکثریت ، شماره ۱۰۶)

"فدائیان خلق" واقعه گرم دره و تخریب خانه های زحمتکشان آواره و بی خانمان در دل شب توسط ما مورین مسلح دولت جمهوری اسلامی ، کشتن ، مجروح کردن و به محبس کشیدن زحمتکشان متاصل را به گونه ای گزارش میکنند که گوش آب از آب تکان نخورده و حتی قطره خونی از دستاغ کسی به زمین نچکیده است . "فدائیان خلق" حتی در گزار -

رش کردن واقعه گرم دره بسا بیت سعی خود را میکنند تا بخشی طفاقی این دولت فدا انقلابی با جا و سران و زحمتکشان را که نه تنها در نفس عمل تخریب آلودگیها ، نهفته است ، بلکه در شیوه این عمل فدا انقلابی نیز به روشنی ظهور می یابد را لاپوشانی کنند .

در باره دلیل و علت تخریب آلودگی های زحمتکشان گرم دره ، "فدائیان خلق" (اکثریت) چنین می نویسد :

"حوادث اخیر یک بار دیگر نشان داد که ارزیابی های نادرست خالی از مسئولیت و غیر انقلابی همچنان در حرکات و مواضع گیری های دولت نسبت به این مسئله ، مبرم انقلاب امکان برای زحمتکشان وجود دارد ."

(مسئله تا کید از ما است) "فدائیان خلق" بازیرکی خاص رویزیوسیستهای کرده اند ما همین واقعه دولت را دگرگون جلوه داده و آنرا یک دولت انقلابی و نمود کنند دولت انقلابی که "ارز - یابی های نادرست" و "خالی از مسئولیت" و "غیر انقلابی" در برخی حرکات و مواضع گیری ها - بشخصیت برخی مسائل مبرم انقلاب - از جمله مسئله مسکن زحمتکشان - وجود دارد .

از رهبران رویزیوسیست این سازمان باید پرسید : این دولت "انقلابی" که شما بسن چنین سواپش صیحه چاک میدید نسبت به کد این مسئله مبرم انقلاب دارای ارزیابی درست و با مسئولیت بوده و میباشد ؟ آیا در پس دادن کروگان های آمریکا و پیشیدن ثروت مردم

## چگونه فدائیان...

بقیه از صفحه ۲۷

مستغلات چی های بزرگ بمشا - به، یک قشرا رتجاعی از جمله بایگه های طبقاتی حزب حاکم هستند و از قدرت سیاسی بر - خوردارند و دولت آلت دست حزب جمهوری اسلامی نیز ارگان اجرائی سیاست ها و اهداف آنان است.

"فدائیان خلق" (اکثریت) با القاء این تحلیل داهیا نه "که عمل تخریب آلودگیهای زحمتکشان گرم دره، خاک سفید و قیره به دلیل ارزیابی نادرست و خالی از مسئولیتی است که همچنان در حرکات و موضعگیری های دولت وجود دارد، آگاهانه و عمدانه میگویند بر ما هیست فدائیان انقلابی دولت و حزب حاکم بر آن برده، ساتری کشیده، آنانرا انقلابی جلوه داده و بدینسان در عین چاکگری در پیشگاه ارتجاع جدید به تمیق هوا داران صادق و نا آگاه خود سپردارند.

اما در غلبه ی رویزیو - نیستی رهبران "فدائیان" بدینجا خاتمه نمی یابند، اینان برای اینکه خویشانش را "فدائی" خلق جلوه گر سازند، زمان به شکوه گشوده و در رابطه با تخریب آلودگیها به دولت "انقلابی" جمهوری اسلامی انتقاد میکنند:

"مقامات مسئول به جای توجه به این واقعیت (استیمال مفرط مستضعفین) گوش خود را بر قزیه های حق طلبانه زحمتکشان بسته و به آنها قیمت می - زنند، آنها آسمان و زمین را به هم بافته اند ما را هم در پیش پای مردم نگذاشته اند و حرفی میخیزانند که چگونه میتوان وضوح نابسا مان را سامان بخشید بر زبان نیا ورده اند."

"فدائیان خلق" با این انتقاد تند و تیز "خود نیست" به "مقامات مسئول کخا کمال" میگویند بر این واقعیت سترک وجهان مشمول سزایش

نگذارند که دولت یک بدیده، دمقاتی است، دولتی کبه از تنوع، مردم نیست قا عدتسا منافع مردم و زحمتکشان را نیز نمیتوانند بر آورده سازد و بدین خاطر است که "گوشها پیش" قریبا د های حق طلبانه زحمتکشان را "شمیشود" و "چمانش" درد و رنج، آوارگی و بیخا نمایی، بیکاری و گرسنگی کارگران و زحمتکشان را "ضمی بینند".

با العکس، این دولت و حزب حاکم بر آن نسبت به سیاست ها و خواسته های زمینخواران و مستغلاتجبهای بزرگ، ملاکین و فئودالها و حتی سرمایه داران وابسته ای چون خیامی ها (دز رابطه با قراردادها شرکت انگلیسی تالبوت) بخوبی گوش فرا میدهد و آنها را بر آورده نیز میسازد - چرا که حزب حاکم یعنی همان یانند خاشنی که رهبران "فدائیان خلق" در درگاه اش پیشانی ساشیدند، تمایزده، اینان اقشار و دولت "مکتبی" دست - نشانده، آن مجری سیاست های آنان در جامعه کنونی است.

"فدائیان خلق" (اکثریت) برای رها نیدن دولت فدائیانقلابی و حزب حاکم بر آن از زیر ضربات جنبش انقلابی، مترسکی ساخته اند تحت عنوان "امپریالیسم و متحدان داخلی اش بویژه امپریالیسم" که میخواهند یک دولت میان رزوری گسار بسازند.

بدیده، "فدائیان" (اکثریت) اعمال فدائیانقلابی دولت و سیاست های ارتجاعی حزب جمهوری اسلامی بخودی خود اشکالی ندارد، در خدمت توطئه ها و منافع امپریالیسم قرار نمیگیرد و انتقادی بر آنها وارد نیست، لیکن این اعمال و سیاست ها چون باعث

سوء استفاده، امپریالیسم مشابه، متحدان داخلی امپریالیسم در جهت روی کار آوردن یک دولت "میان شهرو" قرار میگیرد، انتقاد آمیز است، بدین است - دالال "داهیا نه" رویزیونیستی توجه کنید:

"امپریالیسم و متحدان داخلی اش بویژه امپریالیسم در جنگ قدرت علیه نیرو - های خط امام (بخوانید حزب جمهوری اسلامی - "حقیقت") و بطور کلی علیه انقلاب کوشش دارند از هر اقدام منسجیده، دولت نهایت استفاده را در جهت "نیات بسید خود میبرند، امپریالیسم کمین کرده اند تا از برخورد های غلط دولت با مسائل مردم و از جمله مسئله مسکن بهره جسته و توده های بیشتری را به مخالفت و تقابل با دولت بگشایند و... راه را برای اجرای رهنمودها امپریالیسم و روی کار آمدن یک دولت "میان شهرو" مورد قبول آن هموار سازند."

رویزیونیستهای خروشنجی در ایران (حزب توده ویدک کش آن سازمان "فدائیان خلق" - اکثریت) در همدستی خویش با حزب جمهوری مرتجع حاکم - علی رغم شعارهای پرطمطراقی که علیه سرمایه داران و امپریالیسم فئودالها و امپریالیسم آمریکا سر میدهند، در عین حالیکه مقام سرپرستی به امپریالیسم شوروی را حفظ مینمایند، در حاف کردن جاده برای هدف نهایی امپریالیسم آمریکانیز فعالانه شرکت دارند، اینست نتیجه نتیجه خیانت به خلق و طبقه کارگر، نتیجه رویزیو - نیسم.

حقیقت  
اتحادیه کمونیستهای ایران  
راخواند

اعتصابات

بقیه از صفحه ۴۰

مجموعه اسرار عظیم اقتصادی سر طبقه کارگر انگلستان زهر با جادو انگلستان (مانند آسیا) و آفریقا می‌باشد و سیاهان که در ماه گذشته دست به شورش عظیم در هند و سیلان بردند - سر یک میلیون زنده (آنها را به حرکت و داشته است - ضمن کارگرها انگلستان امروزه دهها هزار بلکه میلیونها کارگر را در بر میگیرد - اعتصابات عظیم روز سه شنبه از کارگران کارخانه‌های اتومبیل سازی تا کارگران نورداری، دست تا کارگران باران‌سازها و کمسارخانه‌های کشتی سازی و ... اقتصاد انگلستان را به بیست و سه سوی رکود کامل می‌کشانند - تظاهرات آنها را همیشه می‌باشد که در آن شرکت می‌نمایند به یکی از مشخصات تقریباً روز سه شنبه در انگلستان تبدیل گردیده است - هم اکنون یک راهبمانی طولانی بی از شهرهای قدیمی مذهبی انگلستان بصورت لندن در جریان است و در آن هزاران کارگر اعتصابی و دیگران شرکت دارند - ویژگی این جنبش کارگری عبارتست از آنکه در دستگوری سیاسی بخود می‌گیرد - رنگ و روی سیاسی بدان متغیر است از اعتصاب و تظاهرات و تظاهرات کارگران اقتصادی صرفاً بر طبقه کارگر است - اما به راهبمانی مشخصی خارج شده و بصورت دولت محافظه کارها را تاراج تا چهره‌گیری کرده است - اگر چه این حرکت

هنوز خواسته‌های اقتصادی را در مرکز خود قرار داده و می‌خواهد با تسویف دولت محافظه کارها چربا این خواسته‌ها دست یابد ، و اگر چه این حرکت در چپا رچوب نظام موجود محصور است ، ولی همین یکبار چپ شدن صافه کارگری و هدف گیری آن برای با شین کشیدن تا چر ، بدان رنگ و روی سیاسی بخشیده است .

نا گفته نگذاریم که بسوز رزوازی کهنه کاران انگلستان که در مسازده با جنبش کارگری از تجربه طولانی برخوردار است ، و خطر را احساس کرده است ، برای متصرف ساختن جنبش کارگری طبق معمول دست بدان - ان " حزب کارگر " گردیده است . " حزب کارگر " انگلستان که فقط نام " کارگر " را یکدک میکند ، یک حزب کاملاً بورژوازی است ( برای سالسیسان درازده بیست و نوزدهم تاکنون ) و به تازگی با حزب محافظه کار حکومت انگلستان را در دست داشته است ، اخبار برای آب پاشیدن به آتش خشم کارگران ، و برای رقابت با حزب رقیب ، قیافه " چپ " خود گرفته است . چند ماه پیش رهبری سنتی خود را کنار گذاشت و رهبری با مصلح جناح " چپ " حزب - مایکل فوت - را به رهبری برگزید . ایشان هم همراهِ رهبران اتحادیه‌های کارگری زرد و وابسته به حزب " کارگر " در راهبمانی‌های کارگران شرکت میکنند ، اینکه تا چه حد حزب " کارگر " بتواند جنبش کارگری کینوشی را تحت کنترل در آورده عمق سیاسی بحران از یکسوی و آماندگنسی تا سال‌های بیست و بیست و پنج انقلابی کمونیستی - منتگسی دارد . عناصر نه تنها طرفداران غایب در بی روزیونیست‌های روسی و چینی جنبش کمونیستی بین المللی و جنبش کمونیستی انگلستان در موقعیت استثنای سر بر می‌نهند .

ورشکستگی تو سرمایه داران وابسته ...

پشتیبانان متحدان

در نتیجه در شرایط مشخص ایران در حال حاضر ما با هیچ یک از دو شرط لازم برای ملی نمودن مواجده نیستیم . یعنی ما از یکسوی مواجده خواست و گرایش عمومی دهقانان در داخل کشور مالکیت اراضی مزروعی هستیم و از سوی دیگر بقول لنینی ما عدم وجود یک جمهوری دمکراتیک واقعی یعنی جمهوری دمکراتیک نوین برهبری طبقه کارگر . بنا بر این ما اگر چه بعنوان یک اصل ، ملی نمودن اراضی مزروعی را بعنوان راه یکال ترین شما را رضی در مرحله دمکراتیک انقلابی ، گذاشته‌ایم - اما لیسما را سر بر می‌کنند ، قبول داریم ، ولی در مطلق کنونی ما توجه به عدم وجود دو شرط لازم در این مورد ، طرح این شعار را جز نمی‌دانیم . بدین ترتیب خواهاننده متوجه تفاوت موقعیت جنبش دهقانان ما در این زمینه با موقعیت جنبش دهقانان روسیه می‌شود . حال سؤال به اینجا منتهی می‌شود که با توجه به این نبودن طرح شعار ملی نمودن اراضی در شرایط مشخص کنونی در ایران بهترین و دقیق ترین شعار چه می‌باید است ؟ بقول لنین بهترین شعار را می‌باید است با توجه به مطلق قدرت سیاسی و جمهوری ناشی از آن و هم چنین با توجه به گرایش عمومی دهقانان ، این نکته که شما را متضاد ما بین دهقانان و ملاکین را به عالی ترین درجه حدت دهد ، تعیین نمود . این شعار در زمان حال همانا صافه " اراضی ملاکین و تصاحب آن توسط دهقانان است . زیرا این شعار را زیگوتفاما بین دهقانان و ملاکین را به عالی ترین درجه حدت می‌بخشد و از سوی دیگر در تطابق با گرایش عمومی دهقانان در ارتباط با نوع مالکیت می‌باشد . آن گروه‌هایی که در شرایط مشخص کنونی در ارتباط با جنبش دهقانان تا حد طرح صافه " املاک ملاکین " پیش می‌روند و در ارتباط با نوع مالکیت سکوت میکنند (ویا ملی کردن اراضی را قبول دارند) در واقع پشت جنبش‌های دهقانان را که در مناطق مختلف برای صافه " املاک ملاکین و تصاحب آنها در جریان است ، خالی می‌نمایند و در تحلیل نهایی مقابل خواست دهقانان قرار می‌گیرند .

دستگاه

بقیه از صفحه ۱۴

نسبت بدان واقفیت‌ها آشنا نباشند ، با دیده همه نا بیگانه که حداقل دستمزدها روز با بستی دست کم دو برابر مبلغ فعلی باشد و این دروغ بزرگ دولت و صرافان که از افزایش دستمزدها با عت تورم و گران است را افسانه می‌نمایند ، تحلیل تورم و گرانسی همیشه دزدی بی حدود و سر با بهاداران است و افزایش دستمزدها کارگران .

جنبش کارگری انگلستان طبقات زحمتکش دست به طیفمان تا زده در اول کار خود است . طبقه نظام منبسط و پیوسته - سر - جنبش کارگری انگلستان فقط ما به اداری موجوده می‌زنند ، و طلب‌دار جنبش کارگری در کشور - پایه‌های قدرت حکام شرقی و های امپریالیستی غربی است - غربی را به لرزه در می‌آوردند - ما با بد در نظر رکش و محقق دنیا استن حوادث میعی است گرفتاری این جنبش عظیم با شیم که توده زحمتکش نقش اصلی است نمایان سر با بهاداری - چه آنرا ایفاء خواهد کرد !

نوع روسی آن وجه نوع تجزیسی آن - به لرزه در می‌آید ، همه جا

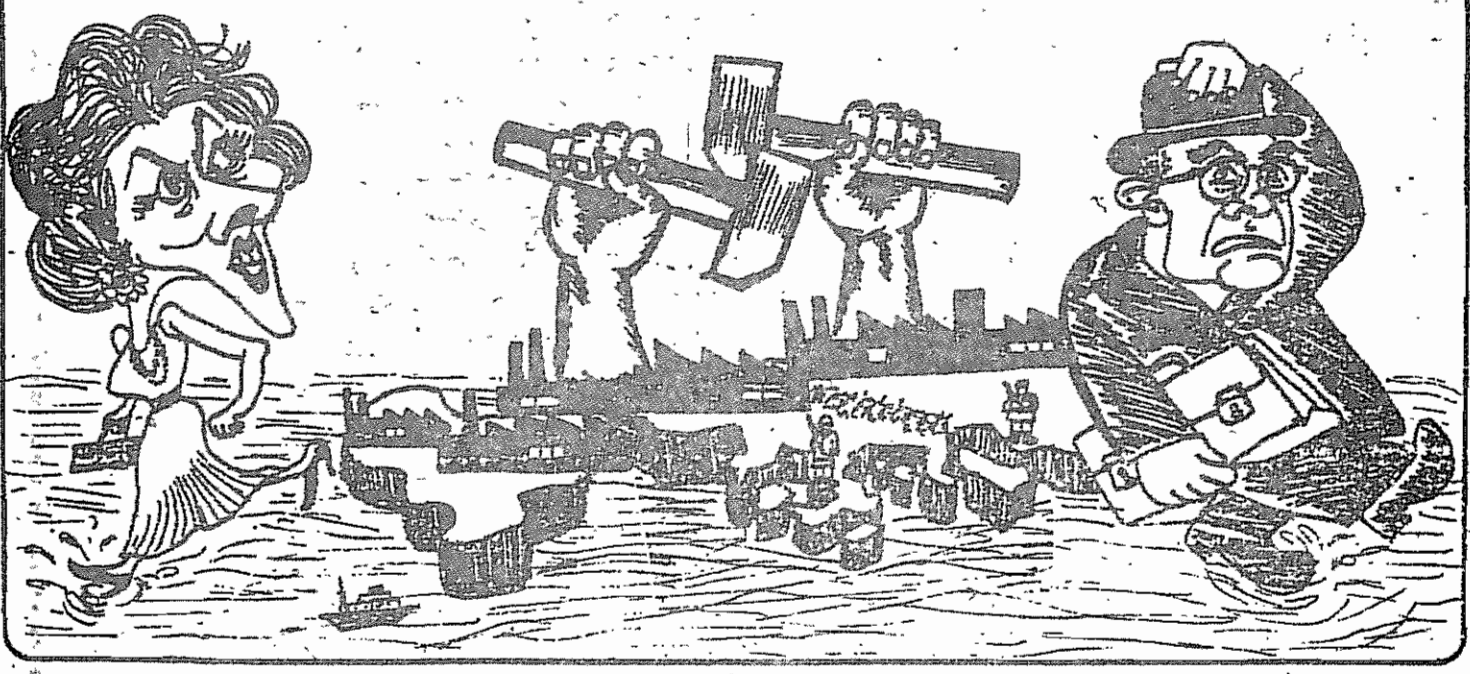
## اعتصابات....

بقیه از صفحه آخر...  
 بزرگترین ضربه ها را ( در مقابل )  
 به ما سایر کشورهای امپریالیزم  
 لیستی) خورده است . رکسود  
 اقتصادی تقریباً تمامی صنایع  
 انگلستان را دربر گرفته است :  
 " شرکت ( انترنشنال کس-  
 میپوتر - شرکت اصلی تولید  
 کننده ) کامپیوتر در انگلستان  
 با فروشی معادل ۱/۹ میلیارد  
 دلار در سال گذشته ) بیمراه صدها  
 شرکت دیگر انگلیسی توسط  
 ادامه رکود ( اقتصادی ) ، بالا  
 رفتن ارزش پوند ( نسبت به  
 سایر ارزهای بین المللی که  
 باعث گران تر شدن کالاهای  
 انگلیسی در بازار بین المللی  
 میگردد ) و رقابت خارجی ضربه  
 خورده است . " ( مجله ) تا به  
 ۲۵ - ۱۹۸۱ ) سرمایه داران  
 برای " مقابله " با این رکود  
 اقتصادی ، و در حقیقت بسیاری  
 حفظ سودهای کلان خود ، دست  
 به اخراج کارگران میزنند :

" شرکت ( انترنشنال کس-  
 میپوتر ) در پانزده سال گذشته ۲۵۰۰  
 کارگر را اخراج نمود ، و لسی  
 سود همچنان تنزل یافت ."  
 ( همانجا ) . این روند اخراج  
 کارگران فقط مختص به این  
 شرکت نیست . شرکت " بریتیش  
 لیلاند " - یکی از سازندگان  
 اصلی اتومبیل در انگلستان  
 که انواع تریک ، جاکوار ،  
 لندرور را تولید میکنند - نیز  
 سالهاست که با اصلاح بسیاری  
 " کارآ " نمودن خود مرتسسا  
 کارگران را اخراج میکند . این  
 شرکت در همین هفته گذشته  
 تصمیم به قطع تولید یکی از  
 انواع تولیدات خود گرفت .  
 در نتیجه : " این قطع تولید  
 بمعنای اخراج ۴۰۰۰ تا ۶۰۰۰  
 کارگر میباشد . " ( نیوزویک ،  
 ۲۵ مه ۱۹۸۱ ) . روند گسترش  
 یا بنده بیکاری آنچنان تشدید  
 شده است که هم اکنون بیش از  
 ۱۰٪ از کارگران انگلیسی ،  
 نزدیک به ۲ میلیون نفر ، بی-  
 کار هستند . مطمئناً این کار-  
 گران که زندگی خود را از دست  
 رفته می بینند ، برای مدت  
 طولانی بجای خود نمی نهند  
 و برخاسته اند !  
 به همراه رکود اقتصادی  
 ورشکستگی ، برای دیگر جاده  
 سرمایه داری یعنی تورم ، ( بالا  
 رفتن قیمت کالاها ، کاهش  
 قدرت خرید کارگران و بنا بر-

این با شین رفتن سطح زندگی -  
 شدن - روبه افزایش دائمی  
 است . سالهاست که اغلب  
 کارهای سرمایه داری از سرخ  
 نوی می بالا ترازه درصد ( و در  
 مرید انگلستان در برخی مواقع  
 حتی بیش از ۲۰ درصد ) برخوردار  
 دارند . لندن " افتخار "  
 آن را دارنده یکی از ۴ شهر  
 گران دنیا حساب آید !! بقول  
 روزنامه ، تا به ( ۲۵ مه ۱۹۸۱ )  
 قیمت ۲ عدد همبرگر و یک فنجان  
 قهوه در لندن معادل ۵ دلار  
 ( با نرخ واقعی معادل ۱۰۰  
 تومان ) است !!  
 بر همه این ها باید سیاه  
 ست اقتصادی دولت محافظه کار  
 مارگارت تا چررا نیز اضافه  
 نمود . مارگارت تا جرکه دو سال  
 پیش دقیقاً با برنا مس-  
 " میبود " (!) بخشیدن به  
 اوضاع اقتصادی انگلستان در  
 انتخابات پیروز گشت ، سیاست  
 معروف " محکم کردن کمربندها "  
 را بد پیش گذارد . در حالیکه  
 دولت بورژوازی انگلستان  
 به نجات صنایع ورشکسته می -  
 شافت ، و هنوز هم میشتابد ( و  
 مثلاً به همین شرکت انترنشنال  
 کامپیوتر اخیراً ۲۲ میلیون  
 دلار وام داده است ) از کارگران  
 انگلستان خواهان " از خود  
 گذشتگی " میباشد . بر طبق این  
 برنا همه خانمان براندا زود  
 کارگری ، در حالیکه نرخ تورم

بیش از ۱۵ درصد را اجازت نمی -  
 داده است . در حالیکه هر روز  
 برخیل ارتش بیکاران افزوده  
 میشده است ، یکی از سیاستهای  
 مارگارت تا جر " کارآیی -  
 بخشیدن " به صنایع انگلستان  
 ( مثلاً همین بریتیش لیلاند )  
 از طریق اخراج کارگران بوده  
 است و مسئله مرکزی هم سود  
 بوده و میباشد : " ما باید به  
 کاهش هزینه تولید دست  
 بکشیم تا با رکود ادامه  
 مقابله کنیم ... " ( یکی از  
 روسای بریتیش لیلاند که وابسته  
 به دولت انگلستان است ، نیوز  
 ویک ، ۲۵ مه ۱۹۸۱ ) در اثر همین  
 " شتاب " بخشیدن به کاهش  
 هزینه تولید تا کنون دهها  
 هزار نفر از کارگران این کار-  
 خانه اخراج گردیده اند . در  
 حالیکه مارگارت تا جر از کار-  
 گران انگلیسی خواهان " از  
 خودگذشتگی " است ، میلیونها  
 کارگر بیکار وجود دارند . و  
 دولت برای کم کردن بودجه از  
 هزینه های رفاهی میکاهد ،  
 دولت مارگارت تا جر هوسا له به  
 هزینه دفاعی ( جنگی )  
 انگلستان میافزاید و یک قلم  
 فقط قلم خرید ۱۲ میلیارد دلار  
 موشکهای ترابندست ( برای  
 حمل سلاح اتمی ) از ابالات  
 متحده است . ( مجله " ایست  
 دیز " هشت روز ۲ مه ۱۹۸۱ ) .  
 بقیه در صفحه ۲۹



## دستور...

پس ما بین قیمت فروش و هزینه تمام شده مبلغی همیشه به جیب سرما به دار می رود. این مبلغ را ارزش اضافه مینامند. در خط تولید بقیه را زکا رگران کس دیگری که کار نکرده. مواد خام که ارزش ثابت است. هزینه استهلاك ماشین آلات و تسهیلات را هم که حساب کردیم پس این ارزش اضافه از کجا پیدا شده؟ ظرافت مطلب در همین جا است. سرما به دار زبا زار کالای خریداری شده در محیط کار به پیش از ارزش خودش ارزش تولید میکند. این کسبالات نیروی کار را زکا رگراست. سرما به دار این نیرو را ۸۰ تومان خریداری ولی همین نیرو در محیط کار ۲۷۰ تومان ارزش تولید کرده یعنی به قیمت و بهاء مواد خام این مبلغ را اضافه کرده. سرما به دار از این مبلغ ۸۰ تومان بکارگر میدهد و بقیه را به جیب میزنند. پیش خدا و خلق شاکر و مسنون است که برگشتی به او عطا فرموده. در صورتیکه این برگشت در اثر یک تقلب زبکا رگرها و بیخاطر یک معامله غیر منصفانه بدست آمده است. کارگر به علت اجبار نیروی کارش را ۸۰ تومان فروخته. چاره ای هم غیر از این ندارد. سرما به دار این کالا را خریداری و از آن کمال بهره برداری را نموده است. حال اگر کارگر بگوید "من کم است" سرما به دار خواهد گفت "اگر مزدتورا زبا دکنم تا چارم قیمتت را با لایبم چون ضرر خواهم کرد!!" آیا ببینیم بین ادعای دولت و سرما به دار صحیح است؟

ما حقوق کارگر را دورا بر می کنیم و قیمت فروش را ثابت نگه میداریم:

هزینه کل تولیدات یک کارگر =

۱۶۰۰ ریال اجرت + ۳۰۰۰ ریال + ۳۰۰۰ ریال = ۶۰۰۰ ریال  
 قیمت فروش همین تعدادها بون ۶۰۰۰ ریال بود می بینیم حتی اگر اجرت دورا بر بشود با زکا رگرها مبلغ ۱۱۰۰ ریال سود می برد. می بینیم که دولت و سرما به داران، ارزش اضافی را پنهان میکنند. آنها با وجود سرما به داران کاری ندارند و در این میان چشم طمع به دستمزدها چیز کارگران دوخته اند و بدروغ عنوان میکنند که اگر دستمزدها اضافه شود مجبورند اجناس را گران بفروشند. حال اینجاست که قیمت فروش یک قالب ما بسون ۱۰۰ روز در بازار ۲۵۰ ریال نیست بلکه بجا طر وجود واسطه هها، محترکین و دلالتها، هر قالب در دست فروشها ۸۰۰ الی ۱۰۰۰ ریال عرضه میشود. در حالیکه مفا زها ما بون ندارند، کنار خبا پنهان بر است از همین نوع ما بونها با قیمتی ۲ الی ۵ برابر. پس این حسابها اگر یک کارگر پس از یک روز تلاش و کار ۸۰ تومان کیشش بیاید، سرما به داران و تجار واسطه ها از قبل هر کارگر روزانه مبلغی ما بین ۲۰۰۰ تومان الی ۲۶۰۰ تومان استفاده میبرند.

نقطه وقاحت و بی شرمی خاصی است که کارگران و حاکمان آنهاست که یک چنین خون آفامی و اغنی را کتمان میکنند. فقط کافیت ۲۰ قلم جنس خوردنی از برای یک زندگی ساده را ذکر کنیم و قیمت آنها را در بازار فعلی معین کنیم تا مشخص شود چگونه زندگی کردن با ۶۳/۵ تومان امروز غیر ممکن است و در ضمن چه مبلغ سرما آوری در اثر تورم و گرانی سرما به داران

به جیب میزنند.

دولت ادعا میکند که ما لانه میلیاردها تومان ضررنا بیی را میدهد که تحت کنترل و نظارت او می باشد. بفرض اینکه ما این قول را قبول کنیم با بدبختی چه کسی عامل و باعث یک چنین وضعیت و خشنواکی است؟ طبق لایحه بوده مشخص است که سیاست اقتصادی دولت بر سه اصل متکی است:

۱ - واردات کالا از خارج بجا طرحی گیری از نا رضا بیی طبقات مرفه و متوسط که کمبود کالاهای مصرفی به غرضدن و ادارشان کرده و از این طریق یکمک تجار وابسته و دلالتها و واسطه هها با لاکشیدن میلیاردها تومان ثروت مملکت

۲ - صدور شفت بعنوان اساسی ترین منبع درآمد دولت و در یافت نکردن مالیات از درآمدهای کلان و با این طریق حمایت بی دریغ از سرما به داران گردن کلنت

۳ - احیای صنایع مونتاز به همان وضع سابق بعنوان سیاستی برای رفع بیکاری و تخفیف نا رضا بییها.

با یک چنین سیاست مرتجانهای بطور حتم ساخت اقتصاد وابسته کشور نه تنها تغییر نمیکنند بلکه پس از یک سیر تقهقراضی دوباره همان مسیر دروازه تمدن بزرگ آریا مهربی طی خواهد شد.

مطالعه آنها رطلبی و هریه جماع هم بدین خاطر است تا زمینه بندهای اسارت و وابستگی مهیا تر شود. از این سیاست اگر بگذریم عملکرد دولت و عواملش در مراکز تولیدی شهرها عام و خاص است. دولت در حالیکه دست سرما به داری تجاری و مالی حریصی

وابسته را نه تنها با زکا رگراشته بلکه در چپا و لگیش سهم است بنا تمام سعی و کوشش در جهت نابودی و بهر کوه کشتادن منابع تولیدی میکند. مردم از مشکلات بعد از انقلاب که میراث شوم رژیم گذشته بودند کاملاً آگاه بودند. مردم ما فریاد میزدند و هستند تا با زکا رگراشته

همه گونه مشکلات و سنگ اندازیهای امپریالیستهای غرب و شرق را تحمل کنند. تلاش و کوشش مردم در جبهه جنگ و جبهه تولید و سنگسری و استقلال برای دست یابی به استقلال و آزادی میسرند

این واقعیت است. ولی دولت و دست پروردگانش چه کرده اند و چه میکنند؟ یک روز دستمزدها کارگران پاره شده و او را دل سرد میکنند و روز دیگر با وجود تورم و گرانی، با اعلام تشبیت دستمزدها

بیاورند و کارگران میفروشند. یک روز افرادی نا لایق و جا سوس طفت را در راس مراکز تولیدی خیکذا رنده و روز دیگر کارگران بیشتر و فداکار و ولایتی تمام معنی را بجرم مکتومی نبودن و اعتراض بحق، اخراج میکنند. مردم از یک سو با حیف و میل اموال و ثروت های کشور و دسترنج زحمتگشان بوسیله اشواع و اقسام مبنیادهای و اعوان و انصار دولت مردان مسز دور

مهیا شدند و از سوی دیگر می بینند دولت چشم طمع به دستمزدها چیز کارگران دوخته است و آشراعا مل گرانی و تورم و مفا رجسی در

بوده چه قلمداد میکنند: دولت از یک سو با جبر و زور و جاق اجازته نظارت و کنترل تولیدات را بدست تولید کنندگان نمی سپارد و

از سوی دیگر خود در هرچ و سرچ در صنعت و کشاورزی نام میزنند. معلوم است وقتی در شرکت تدارک مواد اولیه نیاز شیم روزی منابع با رکود و بسته شدن روبرو خواهد شد. معلوم است وقتی همه فشار

تورم و گرانی را به کارگران تحمیل کنیم آنها برای دفاع از زندگی خود دست به اعتصاب و کم کاری خواهند زد. معلوم است

وقتی حساب و کتاب در کار دنیا شود و هر چیزی تسبیح بدست حاکم و

مهربی بشود دست مزدور را کار برای هرگونه سوء استفاده پساز خواهد بود. پس دولت با وضع صنایع و کشاورزی کاملاً آشنا بوده

# اعتصامات انگلیسی

یکی از ویژگی های مهم اوضاع کنونی بین المللی ، عمق یابی بحران اقتصادی در مقیاس بین المللی است . این بحران عظیم اقتصادی ، آرام آرام ، تمامی جنبه های امپریالیستی ، رویزیونیستی و کشور های وابسته و عقب نگه داشته شده را به دام خود فرستی برد ، از تبارزات این بحران اقتصادی تورم ، رکود اقتصادی بیکاری و ... را میتوان نام برد . مسلما این بحران و درجه رشد و گسترش آن در همه کشورها یکسان نیست ، در برخی بسیار عمیق و پیشرفته و در برخی دیگر نشانه های از ظهور خود را بروز داده است . ولی همه کشورها را بدرجات گوناگون تحت تاثیر خود قرار داده است . این

بحران اقتصادی در تکامل و گسترش خود ، مسلما به سایر زمینه ها - سیاسی ، ایدئولوژیک ، نظامی - نیز کشیده می شود ، و در برخی از کشورها کشیده شده است . لهستان در اردوگاه رویزیونیسم و سوسیال امپریالیسم نمونه بارز این عمق یابی و گسترش آن به برخی دیگر از زمینه ها است . این بحران اقتصادی که در پیشرفت خود به یک بحران همه جا نبسته عمومی تبدیل میگردد ، پایه های و عینی رشد و اعتراقات و مبارزات ها دواشکار طبقه کارگر ، خلقها و محرومان این جوامع علیه حاکمین خدکارگر رویزیونیست است . با زهم لهستان با رزترین نمونه در گسترش ویراپایی یک جنبش

عظیم کارگری برپا شده است . بی این بحران است . فشار زیاد الوصف و " غیر عادی " ناشی از عمق یابی بحران امپریالیستی ، طبقه کارگر و خلقها را بناچار خواهان " تغییر " مینماید و آنها را برای تحقق " تغییر " بحرکت درمیاورد . دریک جا ، مانند لهستان ، طبقه کارگر عملا بر علیه قدرت سیاسی وارد مبارزه میشود ، در جای دیگر مانند انگلستان ، ظاهرا تنها اعتصامات و راهپیمایی های طولانی ( مانند راهپیمایی کنونی که از شهرهای صنعتی منچستر و لیورپول بسوی لندن صورت میگیرد و دهها هزار کارگر و بیکار در آن شرکت دارند ) راه میفتد و کارگران خواستار بر-

افتادن دولت محافظه کار مارکارت تا جرم میشوند . و در جای دیگر مانند فرانسه این عادی " خواست " تغییر " خود را به اصطلاح در " صندوقهای رای " متبلور میسازد و فراخوا میتران " موسیالیست " !! از آن سر درمیاورد و ... و در جاهای دیگر مانند ایران ، نیکاراگوئه ، المالوادو و ... خلقها مستقیما دست به انقلاب برای خروج از بحران میزنند .

## حداقل دستمزد، تورم و گرانی

کارگران در اعتصامات و تحصن و تظاهرات دیگر اعتراض و طغیان چه میخواهند؟ کارگران به قلب ها ، چنان و لگربها ، و دسته چینی های استثمای کارگران و همبیمانان اعتراض می کنند . آنها به اینکه نرخ کیلویی ۵۶ تومان تمام شده و لسی ۱۸۰ تومان فروخته میشود اعتراض دارند . آنها میخواهند بدانند که سر نوشتشان و زندگی شان با بیستی در اختیار یک مشت خنون آفام با بدت با هزاران دوز و کلک هر زمان دلشان خواست نشان خشک را هم از آنها دریغ ندارند . کارگران حقشان را میخواهند . دولت ارتجاعی امروز با بنهای سرما بدهد را ن چنین تبلیغ می کند که علت تورم و گرانی زیاده بودن دستمزد کارگران است ، و اگر دستمزدها بالا برود تورم با زهم بیشتر خواهد شد . این گفتار یک دروغ محض است . این تبلیغات نمونه ای از سیاست ضد کارگری حکومت فعلی است . قیمت تمام شده یک محصول با قیمت فروش آن در بازار زمین تا آسمان فرق و تفاوت دارد .

مقدار مصرف مواد اولیه را بدون چیزی حدود کمترین ۹۰ ریال میشود . اگر استهلاک ماشین آلات و وسایط کارخانه را هم سر شکن کنیم بفرض ۲۰۰ ریال هم با بیستی از این با بت منظور شود . این عا بدون زحمت کارخانه طبق قیمت های اعلام شده با بیستی دانهای ۲۵ ریال به بازار میفرودند . ما اکنون مبلغ کل هزینه محصول یک کارگر و قیمت فروش کل را حساب میکنیم . هزینه کل تولیدات یک کارگر = ۸۵۰ ریال + ۹۰ × ۳۰۰ ریال + ۲ × ۲۵۰ ریال = ۳۵۰ ریال

از کتا رکا ره کارگرها یک کارخانه را روگردن داشته ما بون سب و چقدر سود میبرد؟  
۱۹۰۰ ریال = ۲۱۰۰ - ۶۰۰۰  
بقیه در صفحه ۳۱

بمعنای مثال خط تولید ما بون سازی داروگر در نظر بگیرد . دستمزد یک کارگر ، اگر تمامی بخشهای آن پرداخت شود ، پس از کسر بیمه و غیره ، فرض کنیم بطور متوسط ۸۰ تومان است . یک کارگر بطور سرشکن روزانه ۳۰۰ قالب ما بون تولید میکند . مواد اولیه ما بون عبارتست از سی منتهی ، سودا ، اما نس ، رنگ و چند قلم مواد نا چیز . حتی با قیمت های امروزه بازار